

قانون تجارت

مصوب ۱۳/۰۲/۱۳۱۱ کمیسیون مجلس

باب اول

تجار و معاملات تجارتي

ماده ۱ -تاجر کسي است که شغل معمولي خود را معاملات تجارتي قرار بدهد.

ماده ۲ -معاملات تجارتي از قرار ذيل است:

(۱)خريد يا تحصيل هر نوع مال منقول بقصد فروش يا اجاره اعم از اينکه تصرفاتي در آن شده يا نشده باشد.

(۲)تصدي به حمل و نقل از راه خشكي يا آب يا هوا بهر نحوي که باشد.

(۳)هر قسم عمليات دلالي يا حق العمل کاري (کميسیون) و يا عاملي و همچنين تصدي بهر نوع تأسيساتي که براي انجام بعضي امور ايجاد ميشود از قبيل تسهيل معاملات ملڪي يا پيدا کردن خدمه يا تهيه و رسانیدن ملزومات و غيره.

(۴)تأسيس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اينکه براي رفع حوائج شخصي نباشد.

(۵)تصدي بعمليات حراجي.

(۶)تصدي بهر قسم نمايشگاههاي عمومي.

(۷)هر قسم عمليات صرافي و بانكي.

(۸)معاملات برواتي اعم از اينکه بين تاجر يا غير تاجر باشد.

(۹)عمليات بيمه بحري و غير بحري

(۱۰)کشتي سازي و خريد و فروش کشتي و کشتيراني داخلي يا خارجي و معاملات راجعه به آنها.

ماده ۳ -معاملات ذيل باعتبار تاجر بودن متعاملين يا يکي از آنها تجارتي محسوب ميشود:

(۱)کليه معاملات بين تاجر و کسبه و صرافان و بانکها.

(۲)کليه معاملاتي که تاجر يا غير تاجر براي حوائج تجارتي خود مينمايد.

(۳)کليه معاملاتيکه اجزاء يا خدمه يا شاگرد تاجر براي امور تجارتي ارباب خود

مینماید.

(۴) کلیه معاملات شرکت های تجاری.

ماده ۴ - معاملات غیر منقول بهیچوجه تجاری محسوب نمیشود.

ماده ۵ - کلیه معاملات تجار تجاری محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط بامور تجاری نیست.

باب دوم

دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری

فصل اول - دفاتر تجاری

ماده ۶ - هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه بموجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار میدهد داشته باشد:

(۱) دفتر روزنامه.

(۲) دفتر کل.

(۳) دفتر دارایی.

(۴) دفتر کپیه.

ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را بهر اسم و رسمی که باشد و جوهری را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده ۸ - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته یکمرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹ - دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را بریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۱۰ - دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن بترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره -تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز بترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

ماده ۱۱ -دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد بتوسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضاء مزبور لازم نیست ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد.
حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و بعلاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است.

ماده ۱۲ -دفتری که برای امضاء بمتصدی امضاء تسلیم میشود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آنرا با تصریح باسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه مینماید منگنه کند. لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳ -کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید بترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاهدارد.

ماده ۱۴ -دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود بکار میبرند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر - در امور تجاری - سندیت خواهد داشت و غیر اینصورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۵ (اصلاحی ۳۰/۰۳/۱۴۰۳) -تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم ۳۳/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی است. این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود .

فصل دوم - دفتر ثبت تجارتي

ماده ۱۶ (اصلاحي ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - در نقاطي که وزارت عدليه مقتضي دانسته و دفتر ثبت تجارتي تأسيس کند کليه اشخاصي که در آن نقاط بشغل تجارت اشتغال دارند اعم از ايراني و خارجي باستثناي کسبه جزء بايد در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتي به ثبت برسانند و الا بجزاي نقدي از ۰۰۰/۰۰۰/۳۳ تا ۰۰۰/۰۰۰/۲۰۰ ريال محکوم خواهند شد .

ماده ۱۷ - مقررات مربوطه بدفتر ثبت تجارتي را وزارت عدليه با تصريح بموضوعاتي که بايد به ثبت برسد بموجب نظامنامه معين خواهد کرد.

ماده ۱۸ (اصلاحي ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - شش ماه پس از الزامي شدن ثبت تجارتي هر تاجري که مکلف بثبت است بايد در کليه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطي يا چاپي خود در ايران تصريح نمايد که در تحت چه نمره بثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق بجزاي نقدي از ۰۰۰/۰۰۰/۳۳ تا ۰۰۰/۰۰۰/۲۰۰ ريال محکوم مي شود .

ماده ۱۹ - کسبه جزء مذکور در اين فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدليه تشخيص مي شوند.

باب سوم

شرکتهای تجارتي

فصل اول

در اقسام مختلفه شرکت ها و قواعد راجعه بآنها

ماده ۲۰ - شرکتهای تجارتي بر هفت قسم است:

- (۱) شرکت سهامي.
- (۲) شرکت با مسئوليت محدود.
- (۳) شرکت تضامني.
- (۴) شرکت مختلط غير سهامي.
- (۵) شرکت مختلط سهامي.
- (۶) شرکت نسبي.
- (۷) شرکت تعاوني توليد و مصرف.

مبحث اول (جایگزین ۲۴/۱۲/۱۳۴۷) شرکت‌های سهامی

بخش ۱ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴)

تعریف و تشکیل شرکت سهامی

- ماده ۱ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴)** - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن بسهم تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود بمبلغ اسمی سهام آنها است .
- ماده ۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴)** - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب میشود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد .
- ماده ۳ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴)** - در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد .

- ماده ۴ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴)** - شرکت سهامی بدو نوع تقسیم میشود:
- نوع اول - شرکتهائی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام بمردم تأمین میکنند. اینگونه شرکتهای سهامی عام نامیده میشوند.
- نوع دوم - شرکتهائی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصرأً توسط مؤسسين تأمین گردیده است. اینگونه شرکتهای سهامی خاص نامیده میشوند .

- تبصره (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴)** - در شرکتهای سهامی عام عبارت شرکت سهامی عام و در شرکتهای سهامی خاص عبارت شرکت سهامی خاص باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی‌ها [آگهی‌های] شرکت بطور روشن و خوانا قید شود.

- ماده ۵ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴)** - در موقع تأسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکتهای سهامی خاص از يك میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتیکه سرمایه شرکت بعد از تأسیس بهر علت از حداقل مذکور در این ماده

کمتر شود باید ظرف یکسال نسبت بافزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام بعمل آید یا شرکت بنوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذینفع میتواند انحلال آنرا از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود .

ماده ۶ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - برای تأسیس شرکتهای سهامی عام مؤسسين باید اقلاً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران بداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها بدایره ثبت شرکتهای و در نقاطی که دایره ثبت شرکتهای وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند

تبصره (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين بصورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آنرا در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضامم آن بمرجع ثبت شرکتها تسلیم نمایند .

ماده ۷ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسين رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد:

- انام شرکت

- ۲ هویت کامل و اقامتگاه مؤسسين

- ۳ موضوع شرکت

- ۴ مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن بتفکیک

- ۵ تعداد سهام با نام و بی‌نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز نیز

- مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام

- ۶ میزان تعهد هر یک از مؤسسين و مبلغی که پرداخت کرده‌اند با تعیین شماره

- حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. درمورد آورده غیر نقد

- تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیر

- نقد اطلاع حاصل نمود.

- ۷ مرکز اصلي شرکت.

- ۸ مدت شرکت .

ماده ۸ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسين رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

- انام شرکت

- ۲ موضوع شرکت بطور صریح و منجز

- ۳ مدت شرکت

- ۴ مرکز اصلي شرکت و محل شعب آن اگر تأسیس شعبه مورد نظر باشد.

- ۵ مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک.

- ۶ تعداد سهام بی نام و بانام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام.

- ۷ تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که بهر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود.

- ۸ نحوه انتقال سهام بانام.

- ۹ طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی نام و بالعکس.

- ۱۰ در صورت پیش بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب [ترتیب] آن.

- ۱۱ شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.

- ۱۲ مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی.

- ۱۳ مقررات راجع بحد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.

- ۱۴ طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبربودن تصمیمات مجامع

عمومی.

- ۱۵ تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای

مدیرانی که فوت یا استعفا میکنند یا محجور یا معزول یا بجهات قانونی ممنوع میگردند.

- ۱۶ تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران.

- ۱۷ تعداد سهام تضمینی که مدیران باید بصندوق شرکت بسپارند.

- ۱۸ اکید اینکه شرکت يك بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس.

- ۱۹ تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.

- ۲۰ نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.

- ۲۱ نحوه تغییر اساسنامه .

ماده ۹ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - طرح اعلامیه پذیره‌نویسی مذکور در ماده ۶ باید

مشمول بر نکات زیر باشد:

- ا نام شرکت

- ۲ موضوع شرکت و نوع فعالیت‌هایی که شرکت بمنظور آن تشکیل میشود.

- ۳ مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تأسیس شعبه مورد نظر باشد.

- ۴ مدت شرکت.

- ۵ هویت کامل و اقامتگاه و شغل مؤسسين ، در صورتی که تمام یا بعضی از مؤسسين در امور مربوط بموضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاری داشته باشند ذکر آن به اختصار.

- ۶ مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیر نقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیر نقد اطلاع حاصل نمود.

- ۷ در صورتی که مؤسسين مزایائی برای خود در نظر گرفته‌اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفصیل.

- ۸ تعیین مقداری از سرمایه که مؤسسين تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند.

- ۹ ذکر هزینه‌هایی که مؤسسين تا آنموقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده‌اند و برآورده‌زین‌های لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت.

- ۱۰ در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی آنمراجع.

- ۱۱ ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید توسط پذیره‌نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره‌نویسی نقداً پرداخت گردد.

- ۱۲ ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آنحساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذیعلاقه میتوانند برای پذیره‌نویسی و پرداخت مبلغ نقدی ببانک مراجعه کنند.

- ۱۳ تصریح باینکه اظهارنامه مؤسسين بانضمام طرح اساسنامه برای مراجعه

علاقمدان بمرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است.

- ۱۴ ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل

مجمع عمومی مؤسس منحصرأ در آن منتشر خواهد شد.

- ۱۵ چگونگی تخصیص سهام به پذیرهنویسان .

ماده ۱۰ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهارنامه و ضمائ آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادرخواهد نمود .

ماده ۱۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - اعلامیه پذیرهنویسی باید توسط مؤسسين در جرايد آگهي گردیده و نیز در بانكي که تعهد سهام نزد آن صورت میگیرد در معرض دید علاقمندان قرار داده شود .

ماده ۱۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - ظرف مهلتي که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است علاقمندان ببانك مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که نقداً باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد.

ماده ۱۳ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - ورقه تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد:
۱- نام و موضوع و مرکز اصلي و مدت شرکت
۲- سرمایه شرکت.

۳- شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی و مرجع صدور آن.

۴- تعداد سهامی که مورد تعهد واقع میشود و مبلغ اسمي آن و همچنین مبلغی که از آن بابت نقداً در موقع پذیرهنویسی باید پرداخت شود.

۵- نام بانك و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیرهنویسان باید به آن حساب پرداخت شود.

۶- هویت و نشانی کامل پذیرهنویس.

۷- قید اینکه پذیرهنویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید.

ماده ۱۴ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم و با قید تاریخ بامضاء پذیرهنویس یا قائم مقام قانونی او رسیده نسخه اول نزد بانك نگاهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء بانك به پذیرهنویس تسلیم میشود.

تبصره (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - در صورتیکه ورقه تعهد سهم را شخصی برای دیگری امضاء کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاء کننده قید و مدرک سمت او اخذ و ضمیمه خواهد شد.

ماده ۱۵ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - امضاء ورقه تعهد سهم بخودی خود مستلزم قبول

اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می باشد .

ماده ۱۶ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و یا در صورتیکه مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدید شده مؤسسين حداکثر تا یکماه بتعهدات پذیرهنویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلأ سی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هر يك از تعهدکنندگانرا تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت خواهند نمود .

ماده ۱۷ (اصلاحی ۱۱، ۱۳۵۳) - مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل میشود و پس از رسیدگی و احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب میکند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند قبول سمت بخودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم بتكاليف و مسئولیتهاي سمت خود عهدهدار آن گردیدهاند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب میشود .

تبصره (الحاقی ۱۱، ۱۳۵۳) - هر گونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این دو روزنامه بوسیله مجمع عمومی مؤسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین میشود.

ماده ۱۸ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - اساسنامه‌ای که بتصویب مجمع عمومی مؤسس رسیده به ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت بمرجع ثبت شرکتهای تسلیم خواهد شد .

ماده ۱۹ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - در صورتیکه شرکت تا ششماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر يك از مؤسسين يا پذيرهنويسان مرجع ثبت شرکتها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهينامه‌اي حاكي از عدم ثبت شرکت صادر و بانكي که تعهد سهام و تأديه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال میدارد تا مؤسسين و پذيرهنويسان ببانك مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختي خود را مسترد دارند. در این صورت هر گونه هزینه‌اي که براي تأسيس شرکت پرداخت يا تعهد شده باشد بعهده مؤسسين خواهد بود .

ماده ۲۰ (اصلاحی ۰۹، ۰۲، ۱۳۴۸) - برای تأسيس و ثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارك زیر بمرجع ثبت شرکتها کافي خواهد بود:

- ۱- اساسنامه شرکت که باید بامضاء کلیه سهامداران رسیده باشد.
- ۲- اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهينامه بانكي حاكي از تأديه قسمت نقدي آن که نباید کمتر از سي و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید بامضاي کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتي از سرمایه بصورت غیر نقد باشد باید تمام آن تأديه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیك در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتیکه سهام ممتازه وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد.
- ۳- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه‌اي قيد و به امضاي کلیه سهامداران رسیده باشد.
- ۴- قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷.
- ۵- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاري که هر گونه آگهي راجع بشرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادي در آن منتشر خواهد شد.

تبصره (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - سایر قيود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکتهای سهامی عام مقرر است در مورد شرکتهای سهامی خاص لازم‌الرعايه نخواهد بود.

ماده ۲۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - شرکتهای سهامی خاص نمیتوانند سهام خود را برای پذيرهنويسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و یابه

انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکتهای سهامی عام بنحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند .

ماده ۲۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - استفاده از وجوه تأدیه شده بنام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت و یا در مورد مذکور در ماده ۱۹ .

ماده ۲۳ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - موسسین شرکت نسبت بکلیه اعمال و اقداماتی که بمنظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام میدهند مسئولیت تضامنی دارند.

بخش ۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴)

سهام

ماده ۲۴ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی میباشد ورقه سهم سند قابل معامله‌ایست که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد .

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - سهم ممکنست بانام و یا بی‌نام باشد .

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در صورتیکه برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات اینقانون مزایائی قائل شوند اینگونه سهام سهام ممتاز نامیده میشود .

ماده ۲۵ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و بامضای لااقل دو نفر که بموجب مقررات اساسنامه تعیین میشوند برسد .

ماده ۲۶ (اصلاحی ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود:

- انام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتهای .

- ۲ مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن.

- ۳ تعیین نوع سهم.

- ۴ مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و بااعداد.

- ۵ تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آنست.

ماده ۲۷ (اصلاحی ۱۳۴۸، ۵۲، ۵۹) - تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید بصاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهینامه در حکم سهم است ولی در هر حال ظرف مدت یکسال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و بصاحب سهم تسلیم و گواهی موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

ماده ۲۸ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاءکنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود .

ماده ۲۹ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در شرکتهای سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد .

ماده ۳۰ (اصلاحی ۱۳۴۸، ۵۲، ۵۹) - مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی نام یا گواهینامه موقت بی نام ممنوع است. بتعهد کننده اینگونه سهام گواهینامه موقت با نام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط بنقل و انتقال سهام بانام است .

ماده ۳۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود .

ماده ۳۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشد .

ماده ۳۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر اینصورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را بمنظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده بدادگاه رجوع کند .

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض بعمل آید.

ماده ۳۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - کسی که تعهد ابتیاع سهمی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن میباشد و در صورتیکه قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آنرا بدیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود .

ماده ۳۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط بشرکت در آن منتشر میشود بصاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تأدیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیر کرد از قرار نرخ رسمی بهره بعلاوه چهاردرصد در سال بمبلغ تأدیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت بصاحب سهم و گذشتن یکماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تأخیر آن تماماً پرداخت نشود شرکت اینگونه سهام را در صورتیکه در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق مزایده بفروش خواهد رسانید. از حاصل فروش سهم بدواً کلیه هزینه های مترتبه

برداشت گردیده و در صورتیکه خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه‌ها و خسارت دیر کرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت میشود .

ماده ۳۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهم مورد مزایده فقط یکنوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط شرکت در آن نشر میگردد منتشر و يك نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال میشود. هرگاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهی‌های مربوط بسهم اعم از اصل - خسارات - هزینه‌ها به شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهم خودداری خواهد کرد. در صورت فروش سهم نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهم یا گواهینامه موقت سهم با قید کلمه المثنی بنام خریدار صادر و اوراق سهم یا گواهینامه موقت سهم قبلی ابطال میشود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی میگردد .

ماده ۳۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - دارندگان سهم مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهم شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد اینگونه سهم از کل تعداد سهم شرکت کسر خواهد شد. بعلاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهم جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت باینگونه سهم معلق خواهد ماند .

ماده ۳۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهم قبل از فروش سهم بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه‌ها ب شرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و میتوانند حقوق مالی وابسته بسهم خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند .

ماده ۳۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - سهم بی‌نام بصورت سند در وجه حامل تنظیم و ملك دارنده آن شناخته میشود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال اینگونه سهم بقبض و اقباض بعمل میآید. گواهی نامه موقت سهم بی‌نام در حکم سهم بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهم بی‌نام میباشد .

ماده ۴۰ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند.

در موردیکه تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و بامضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هر گونه تغییر اقامتگاه نیز باید بهمان ترتیب به ثبت رسیده و امضاء شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است .

ماده ۴۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - در شرکتهای سهامی عام نقل و انتقال سهام نمیتواند مشروط بموافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود .

ماده ۴۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - هر شرکت سهامی میتواند بموجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات اینگونه سهام و نحوه استفاده از آن باید بطور وضوح تعیین گردد. هر گونه تغییر در امتیازات وابسته بسهم ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه يك اینگونه سهام انجام گیرد .

بخش ۳ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷)

تبدیل سهام

ماده ۴۳ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - هرگاه شرکت بخواهد بموجب مقررات اساسنامه یا بنا بتصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود سهام بی نام شرکت را بسهم بانام و یا آنکه سهام بانام را بسهم بی نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند .

ماده ۴۴ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - در مورد تبدیل سهام بی نام بسهم بانام باید مراتب در روزنامه کثیر الانتشاری که آگهی های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد سه نوبت هر يك بفاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد بصاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود بمرکز شرکت مراجعه

کنند. در آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی‌نام شرکت باطل شده تلقی میگردد .

ماده ۴۵ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - سهام بی‌نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل به سهام بانام بمرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابرتعداد آن سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتیکه سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس وگرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یکماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط يك نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر میگردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر يك ماه خواهد بود. در صورتیکه در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام بفروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد .

ماده ۴۶ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته میشود بدواً هزینه‌های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق‌الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره‌دار سپرده میشود. در صورتیکه ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مستردشود مبلغ سپرده و بهره مربوطه بدستور شرکت از طرف بانک بمالك سهم پرداخت میشود. پس از انقضای ده سال باقیمانده وجوه در حکم مال‌بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان بخزانة دولت منتقل گردد .

تبصره (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام بفروش نرسد صاحبان سهام بی‌نام که به شرکت مراجعه میکنند بترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده بنسبت سهام بی‌نام که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی‌نام خود سهام بانام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرارداد رعایت خواهد شد.

ماده ۴۷ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - برای تبدیل سهام بانام به سهام بی‌نام مراتب فقط يك نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر میگردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده میشود تا برای تبدیل سهام خود بمرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد

سهامي که تبديل نشده است سهام بي‌نام صادر و در مرکز شرکت نگاهداري خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام بانام بشرکت مراجعه کنند سهام بانام آنان اخذ و ابطال و سهام بي‌نام بآنها داده شود .

ماده ۴۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پس از تبديل کليه سهام بي‌نام بسهام بانام و يا تبديل سهام بانام بسهام بي‌نام و يا حسب مورد پس از گذشتن هر يك از مهلت‌هاي مذکور در مواد ۴۴ و ۴۷ شرکت بايد مرجع ثبت شرکت‌ها را از تبديل سهام خود کتباً مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و براي اطلاع عموم آگهي شود .

ماده ۴۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - دارندگان سهاميكه بر طبق مواد فوق سهام خود را تعويض ننموده باشند نسبت بآن سهام حق حضور و رأي در مجامع عمومي صاحبان سهام را نخواهند داشت .

ماده ۵۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد تعويض گواهي نامه موقت سهام يا اوراق سهام بانام يا بي‌نام بر طبق مفاد مواد ۴۷ و ۴۹ عمل خواهد شد.

بخش ۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

اوراق قرضه

ماده ۵۱ (منسوخه ۱۱، ۱۵، ۱۴۰۳) - شرکت سهامي عام ميتواند تحت شرايط مندرج در اين قانون اوراق قرضه منتشر کند .

ماده ۵۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - ورقه قرضه ورقه قابل معامله‌ايست که معرف مبلغی وام است با بهره معين که تمامي آن يا اجزاء آن در موعد يا مواعد معينی بايد مسترد گردد. براي ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق ديگري نيز شناخته شود .

ماده ۵۳ (منسوخه ۱۱، ۱۵، ۱۴۰۳) - دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هيچگونه دخالتي نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب ميشوند .

ماده ۵۴ (منسوخه ۱۴۰۳/۱۱/۱۵) - پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمیباشد .

ماده ۵۵ (منسوخه ۱۴۰۳/۱۱/۱۵) - انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دوترازنامه آن بتصویب مجمع عمومی رسیده باشد .

ماده ۵۶ (منسوخه ۱۴۰۳/۱۱/۱۵) - هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش‌بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام میتواند بنا به پیشنهاد هیئت‌مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آنرا تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی میتواند به هیئت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند يك یا چند بار بانتشار اوراق قرضه مبادرت نماید.

تبصره (منسوخه ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) - در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد.

ماده ۵۷ (منسوخه ۱۴۰۳/۱۱/۱۵) - تصمیم راجع بفروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتباً بمرجع ثبت شرکت‌ها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آنرا همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه بهزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود .

تبصره (منسوخه ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) - قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هر گونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است.

ماده ۵۸ (منسوخه ۱۴۰۳/۱۱/۱۵) - اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضاء مجاز شرکت امضاء شده باشد:

- انام شرکت
- ۲ موضوع شرکت
- ۳ شماره و تاریخ ثبت شرکت.
- ۴ مرکز اصلی شرکت.

- ۵ مدت شرکت.

- ۶ مبلغ سرمایه شرکت و تصریح باینکه کلیه آن پرداخت شده است.

- ۷ در صورتیکه شرکت سابقاً اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و در صورتیکه اوراق قرضه سابق قابل تبدیل بسهم شرکت بوده باشد مقداری از آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل بسهم نشده است.

- ۸ در صورتیکه شرکت سابقاً اوراق قرضه مؤسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور.

- ۹ مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره‌ای که بقرضه تعلق میگیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعد یا مواعد و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره و غیره و در صورتیکه اوراق قرضه قابل بازخرید باشد شرایط و ترتیب بازخرید.

- ۱۰ تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است.

- ۱۱ اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل بسهم شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل.

- ۱۲ خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که

بتصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است .

ماده ۵۹ (منسوخه ۱۵، ۱۱، ۱۴۰۳) - پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۵۷ شرکت باید

تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به

شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی کند .

ماده ۶۰ (منسوخه ۱۵، ۱۱، ۱۴۰۳) - ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و بهمان ترتیبی

که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضاء بشود:

- اناام شرکت

- ۲ شماره و تاریخ ثبت شرکت

- ۳ مرکز اصلی شرکت.

- ۴ مبلغ سرمایه شرکت

- ۵ مدت شرکت.

- ۶ مبلغ اسمي و شماره ترتيب و تاريخ صدور ورقه قرضه.
- ۷ تاريخ و شرايط بازپرداخت قرضه و نيز شرايط بازخريد ورقه قرضه (اگر قابل بازخريد باشد).
- ۸ تضميناتي كه احتمالاً براي قرضه در نظر گرفته شده است.
- ۹ در صورت قابليت تعويض اوراق قرضه با سهام شرايط و ترتيباتي كه بايد براي تعويض رعايت شود با ذكر نام اشخاص يا مؤسساتي كه تعهدتعويض اوراق قرضه را كرده‌اند.
- ۱۰ در صورت قابليت تبديل ورقه قرضه بسهام شركت مهلت و شرايط اين تبديل.

ماده ۶۱ (منسوخه ۱۱، ۱۵، ۱۴۰۳) - اوراق قرضه ممكن است قابل تعويض با سهام شركت باشد در اينصورت مجمع عمومي فوق‌العاده بايد بنا به پيشنهاد هيئت مديره و گزارش خاص بازرسان شركت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزايش سرمايه شركت را اقلاً برابر با مبلغ قرضه تصويب كند .

ماده ۶۲ (منسوخه ۱۱، ۱۵، ۱۴۰۳) - افزايش سرمايه مذكور در ماده ۶۱ قبل از صدور اوراق قرضه بايد بوسيله يك يا چند بانك و يا مؤسسه مالي معتبر پذيره‌نويسی شده باشد و قراردادي كه در موضوع اينگونه پذيره‌نويسی و شرايط آن و تعهد پذيره‌نويس مبني بر دادن اينگونه سهام بدارندگان اوراق قرضه و ساير شرايط مربوط بآن بين شركت و اينگونه پذيره‌نويسان منعقد شده است نيز بايد به تصويب مجمع عمومي مذكور در ماده ۶۱ برسد وگرنه معتبر نخواهد بود .

تبصره (منسوخه ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شوراي پول و اعتبار شرايط بانكها و مؤسسات مالي را كه ميتوانند افزايش سرمايه شركتها را پذيره‌نويسی كنند تعيين خواهد نمود .

ماده ۶۳ (منسوخه ۱۱، ۱۵، ۱۴۰۳) - در مورد مواد ۶۱ و ۶۲ حق رجحان سهامداران شركت در خريد سهام قابل تعويض با اوراق قرضه خود بخود منتفي خواهد بود .

ماده ۶۴ (منسوخه ۱۱، ۱۵، ۱۴۰۳) - شرايط و ترتيب تعويض ورقه قرضه با سهم بايد در ورقه قرضه قيد شود.

تعويض ورقه قرضه با سهم تابع ميل و رضايت دارنده ورقه قرضه است.

دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سررسید ورقه میتواند تحت شرایط و بترتیبی که در ورقه قید شده است آنرا با سهم شرکت تعویض کند .

ماده ۶۵ (منسوخه ۱۱/۱۵/۱۴۰۳) -از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه شرکت نمیتواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل بسهم منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلك سازد یا آنرا از طریق بازخرید سهام کاهش دهد یا اقدام بتقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت میدارند میگردد و چنین تلقی میشود که اینگونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده اند .

ماده ۶۶ (منسوخه ۱۱/۱۵/۱۴۰۳) -از تاریخ تصمیم مجمع مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه صدور سهام جدید در نتیجه انتقال اندوخته به سرمایه وبطور کلی دادن سهم و یا تخصیص یا پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آنکه حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض میکنند بنسبت سهامیکه در نتیجه معاوضه مالک میشوند حفظ شود. بمنظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض میکنند بتوانند بنسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفا نمایند .

ماده ۶۷ (منسوخه ۱۱/۱۵/۱۴۰۳) -سهامیکه جهت تعویض با اوراق قرضه صادر میشود بانام بوده و تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیرهنویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دائر بتعویض سهام با اوراق مذکور میباشد و نزد شرکت نگاهداری خواهد شد اینگونه سهام تا انقضاء موعد یا مواعد اوراق قرضه فقط قابل انتقال بدارندگان اوراق مزبور بوده و نقل و انتقال اینگونه سهام در دفاتر شرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعویض ورقه قرضه با سهم احراز گردد .

ماده ۶۸ (منسوخه ۱۱/۱۵/۱۴۰۳) -سهامیکه جهت تعویض با اوراق قرضه صادر میشود مادام که این تعویض بعمل نیامده است تا انقضاء موعد یا مواعد اوراق قرضه قابل تأمین و توقیف نخواهد بود .

ماده ۶۹ (منسوخه ۱۱، ۱۵، ۱۴۰۳) - اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل بسهم شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده‌ای که اجازه انتشار اوراق قرضه را می‌دهد شرایط و مهلتی را که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را بسهم شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیئت مدیره خواهد داد .

ماده ۷۰ (منسوخه ۱۱، ۱۵، ۱۴۰۳) - در مورد ماده ۶۹ هیئت مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکور در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق قرضه‌ای که جهت تبدیل بسهم شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکت‌ها سهام جدید صادر و دارندگان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراقی که بشرکت تسلیم کرده‌اند سهم خواهد داد .

ماده ۷۱ (منسوخه ۱۱، ۱۵، ۱۴۰۳) - در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل بسهم مجمع عمومی باید بنا به پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد ۶۳ و ۶۴ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل بسهم نیز باید رعایت شود .

بخش ۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

مجامع عمومی

ماده ۷۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود. مقررات مربوط بحضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آراء لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که بموجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد .

ماده ۷۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجامع عمومی بترتیب عبارتند از:

- امجمع عمومی مؤسس.

- ۲مجمع عمومی عادی

- ۳مجمع عمومي فوق العاده .

ماده ۷۴ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -وظایف مجمع عمومي مؤسس بقرار زیر است:

- ارسیدگی بگزارش مؤسسين و تصویب آن و همچنین احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم.

- ۲تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن.

- ۳انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت.

- ۴تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای

سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومي عادی در آن منتشر خواهد شد .

تبصره (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -گزارش مؤسسين باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومي مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیرهنویسان سهام آماده باشد .

ماده ۷۵ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -در مجمع عمومي مؤسس حضور عده‌ای از پذیرهنویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجامع عمومي جدید فقط تا دو نوبت توسط مؤسسين دعوت میشوند مشروط بر اینکه لااقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیرهنویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومي جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل يك سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر يك از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دو ثلث آراء حاضرین اتخاذ شود. در صورتیکه در مجمع عمومي يك سوم اکثریت لازم حاضر نشد مؤسسين عدم تشکیل شرکت را اعلام میدارند .

تبصره (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -در مجمع عمومي مؤسس کلیه مؤسسين و

پذیرهنویسان حق حضور دارند و هر سهم داراي يك رأی خواهد بود .

ماده ۷۶ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - هرگاه يك يا چند نفر از مؤسسين آورده غير نقد داشته باشند مؤسسين بايد قبل از اقدام بدعوت مجمع عمومي مؤسس نظر کتبي کارشناس رسمي وزارت دادگستري را در مورد ارزيابي آورده‌هاي غير نقد جلب و آنرا جزء گزارش اقدامات خود در اختيار مجمع عمومي مؤسس بگذارند. در صورتيکه مؤسسين براي خود مزايائي مطالبه کرده باشند بايد توجيه آن بضميمه گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقديم شود .

ماده ۷۷ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - گزارش مربوط بارزيابي آورده‌هاي غير نقد و علل و موجبات مزايائي مطالبه شده بايد در مجمع عمومي مؤسس مطرح گردد. دارندگان آورده غير نقد و کسانيکه مزايائي خاصي براي خود مطالبه کرده‌اند در موقعيکه تقويم آورده غير نقدي که تعهد کرده‌اند يا مزايائي آنها موضوع رأي است حق رأي ندارند و آن قسمت از سرمايه غير نقد که موضوع مذاکره و رأي است از حيث حد نصاب جزء سرمايه شرکت منظور نخواهد شد .

ماده ۷۸ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - مجمع عمومي نميتواند آورده‌هاي غير نقد را بيش از آنچه که از طرف کارشناس رسمي دادگستري ارزيابي شده است قبول کند .

ماده ۷۹ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - هرگاه آورده غير نقد يا مزايائي که مطالبه شده است تصويب نگردد دومين جلسه مجمع بفاصله مدتي که از يکماه تجاوز نخواهد کرد تشكيل خواهد شد. و در فاصله دو جلسه اشخاصي که آورده غير نقد آنها قبول نشده است در صورت تمايل ميتوانند تعهد غير نقد خود را بتعهد نقد تبديل و مبالغ لازم را تأديه نمايند و اشخاصي که مزايائي مورد مطالبه آنها تصويب نشده ميتوانند با انصراف از آن مزاياء در شرکت باقي بمانند. در صورتيکه صاحبان آورده غير نقد و مطالبه‌کنندگان مزاياء بنظر مجمع تسليم نشوند تعهد آنها نسبت بسهام خود باطل شده محسوب ميگردد و ساير پذيره نويسان ميتوانند بجاي آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأديه کنند .

ماده ۸۰ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - در جلسه دوم مجمع عمومي مؤسس که بر طبق ماده قبل بمنظور رسيدگي بوضع آورده‌هاي غير نقد و مزايائي مطالبه شده تشكيل ميگردد بايد بيش از نصف پذيره‌نويسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهي دعوت اين جلسه بايد نتيجه جلسه قبل ودستور جلسه دوم قيد گردد .

ماده ۸۱ (اصلاحي ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - در صورتیکه در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و باین ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را بمرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع دهند تا مرجع مزبور گواهینامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کند .

ماده ۸۲ (الحاقي ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در شرکتهای سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۷۶ این قانون ضروری است و نمیتوان آورده‌های غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود .

ماده ۸۳ (الحاقي ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده میباشد .

ماده ۸۴ (اصلاحي ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامیکه حق رأی دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از يك سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

ماده ۸۵ (الحاقي ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره باکثريت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمي معتبر خواهد بود .

ماده ۸۶ (الحاقي ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - مجمع عمومی عادی میتواند نسبت بکلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق‌العاده است تصمیم بگیرد .

ماده ۸۷ (اصلاحي ۰۲، ۱۳۴۸) -در مجمع عمومي عادي حضور دارندگان اقلأً بيش از نصف سهامی که حق رأي دارند ضروري است. اگر در اولين دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع براي بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رأي دارد رسميت يافته و اخذ تصميم خواهد نمود. بشرط آنکه در دعوت دوم نتيجه دعوت اول قيد شده باشد.

ماده ۸۸ (الحاقي ۱۲، ۱۳۴۷) -در مجمع عمومي عادي تصميمات همواره باکثريت نصف بعلاوه يك آراء حاضر در جلسه رسمي معتبر خواهد بود مگر در مورد انتخاب مديران و بازرسان که اکثريت نسبي کافي خواهد بود. در مورد انتخاب مديران تعداد آراء هر رأي دهنده در عدد مديراني که بايد انتخاب شوند ضرب ميشود و حق رأي هر رأي دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور خواهد بود. رأي دهنده ميتواند آراء خود را بيک نفر بدهد يا آنرا بين چند نفری که ماييل باشد تقسيم کند. اساسنامه شرکت نمیتواند خلاف اين ترتيب را مقرر دارد .

ماده ۸۹ (الحاقي ۱۲، ۱۳۴۷) -مجمع عمومي عادي بايد سالي يکبار در موقعی که در اساسنامه پيش بيني شده است براي رسيدگي بترانزنامه و حساب سود و زيان سال مالي قبل و صورت دارائي و مطالبات و ديون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد ساليانه شرکت و رسيدگي بگزارش مديران و بازرس يا بازرسان و ساير امور مربوط بحسابهاي سال مالي تشکيل شود .

تبصره (الحاقي ۱۲، ۱۳۴۷) -بدون قرائت گزارش بازرس يا بازرسان شرکت در مجمع عمومي اخذ تصميم نسبت بترانزنامه و حساب سود و زيان سال مالي معتبر نخواهد بود .

ماده ۹۰ (الحاقي ۱۲، ۱۳۴۷) -تقسيم سود و اندوخته بين صاحبان سهام فقط پس از تصويب مجمع عمومي جائز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسيم ده درصد از سود ويژه سالانه بين صاحبان سهام الزامي است .

ماده ۹۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - چنانچه هیئت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند رأساً اقدام بدعوت مجمع مزبور بنمایند .

ماده ۹۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره و همچنین بازرس یا بازرسان شرکت میتوانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند. در اینصورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود .

ماده ۹۳ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - در هر موقعی که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان اینگونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف اینگونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلأ یک سوم اینگونه سهام کافی خواهد بود. تصمیمات همواره باکثريت دو سوم آراء معتبر خواهد بود .

ماده ۹۴ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - هیچ مجمع عمومی نمیتواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمیتواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید .

ماده ۹۵ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - سهامدارانی که اقلأ یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت مدیره خواستار شوند و هیئت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر اینصورت درخواست کنندگان میتوانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرس یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند وگرنه آنگونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیماً بدعوت مجمع اقدام کنند بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع بدعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت بعدم اجابت درخواست خود توسط هیئت مدیره و بازرسان تصریح نمایند .

ماده ۹۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصرأ موضوعی خواهد بود که در تقاضانامه ذکر شده است و هیئت‌رئیس‌ه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد .

ماده ۹۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد بعمل آید. هر يك از مجامع عمومی سالیانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نمایند. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تا تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوتنامه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط بشرکت قبلاً تعیین شده منتشر گردد .

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست .

ماده ۹۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - فاصله بین نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود .

ماده ۹۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل بحضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق بخود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. فقط سهامدارانی حق ورود بمجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند. از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت کامل و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آراء هر يك از حاضرین قید و بامضاء آنان خواهد رسید .

ماده ۱۰۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود .

ماده ۱۰۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجامع عمومی توسط هیئت‌رئیس‌ه‌ای مرکب از يك رئیس و يك منشی و دو ناظر اداره میشود. در صورتیکه ترتیب دیگری در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیئت مدیره خواهد بود مگر در

مواقعي که انتخاب يا عزل بعضي از مديران يا کليه آنها جزودستور جلسه مجمع باشد که در اينصورت رئيس مجمع از بين سهامداران حاضر در جلسه باکثريت نسبي انتخاب خواهد شد. ناظران از بين صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولي منشي جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد .

ماده ۱۰۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در کليه مجامع عمومي حضور وکیل يا قائم مقام قانوني صاحب سهم و همچنين حضور نماينده يا نمايندگان شخصيت حقوقي به شرط ارائه مدرک وکالت يا نمايندگي بمنزله حضور خود صاحب سهم است .

ماده ۱۰۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در کليه مواردی که در اين قانون اکثريت آراء در مجامع عمومي ذکر شده است مراد اکثريت آراء حاضرین در جلسه است .

ماده ۱۰۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرگاه در مجمع عمومي تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصميم واقع نشود هيئت رئيسه مجمع با تصويب مجمع ميتواند اعلام تنفس نموده و تاريخ جلسه بعد را که نبايد ديرتر از دو هفته باشد تعيين کند. تمدید جلسه محتاج بدعوت و آگهي مجدد نيست و درجلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسميت خواهد داشت .

ماده ۱۰۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - از مذاکرات و تصميمات مجمع عمومي صورت جلسه اي توسط منشي ترتيب داده ميشود که بامضاء هيئت رئيسه مجمع رسیده و يك نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداري خواهد شد .

ماده ۱۰۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مواردیکه تصميمات مجمع عمومي متضمن يکي از امور ذيل باشد يك نسخه از صورت جلسه مجمع بايد جهت ثبت به مرجع شرکتها ارسال گردد:

- ۱ انتخاب مديران و بازرس يا بازرسان.

- ۲ تصويب ترازنامه.

- ۳ کاهش يا افزايش سرمايه و هر نوع تغيير در اساسنامه.

- ۴ انحلال شرکت و نحوه تصفيه آن .

بخش ۶ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷)

هیئت مدیره

ماده ۱۰۷ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل میباشند اداره خواهد شد. عده‌اعضای هیئت مدیره در شرکتهای سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده ۱۰۸ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و

مجمع عمومی عادی انتخاب میشوند .

ماده ۱۰۹ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - مدت مدیریت مدیران در اساسنامه معین میشود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد.

انتخاب مجدد مدیران بلامانع است .

ماده ۱۱۰ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - اشخاص حقوقی را میتوان بمدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیتهای مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره را داشته و باید يك نفر را بنمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید.

چنین نماینده‌ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیتهای مدنی و جزایی عضو هیئت مدیره بوده و از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را بنمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

شخص حقوقی عضو هیئت مدیره میتواند نماینده خود را عزل کند بشرط آنکه در همان موقع جانشین او را کتباً بشرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب

میشود .

ماده ۱۱۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - اشخاص ذیل نمیتوانند بمدیریت شرکت انتخاب شوند:

- امحجورین و کسانیکه حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.
- ۲ کسانیکه بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنبه‌های ذیل بموجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت:
- سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - جنبه‌هایی که بموجب قانون در حکم

خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است - اختلاس - تدلیس - تصرف غیر قانونی در اموال عمومی .

تبصره (اصلاحی ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - دادگاه شهرستان بتقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود .

ماده ۱۱۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در صورتیکه بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضاء هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضاء علی‌البدل بترتیب مقرر در اساسنامه والا بترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنانرا خواهند گرفت و در صورتیکه عضو علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضاء علی‌البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیئت مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضاء هیئت مدیره دعوت نمایند .

ماده ۱۱۳ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیئت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلامتصدی مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که بدعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف بانجام چنین درخواستی میباشند .

ماده ۱۱۴ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که بموجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاسد حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته باشد سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند .

ماده ۱۱۵ (اصلاحی ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - در صورتیکه مدیری هنگام انتخاب مالک تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یکماه

تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه را تهیه و بصندوق شرکت بسپارد وگرنه مستعفی محسوب خواهد شد .

ماده ۱۱۶ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت بمنزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی میباشد و پس ازتصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا بهر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه اینگونه مدیران خود بخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد .

ماده ۱۱۷ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -بازرس یا بازرسان شرکت مکلفند هر گونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند بمجمع عمومی عادی گزارش دهند .

ماده ۱۱۸ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -جز درباره موضوعاتی که بموجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت میباشد مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدودکردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بموجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است .

ماده ۱۱۹ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت مدیره تعیین مینماید. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیئت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع میتواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان لم یکن خواهد بود .

تبصره ۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که بعنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد .

تبصره ۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد .

ماده ۱۲۰ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت مدیره موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مدیره مکلف بدعوت آنها میباشد دعوت نماید .

ماده ۱۲۱ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید باکثرت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد .

ماده ۱۲۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده‌ای از مدیران که اقلایک سوم اعضاء هیئت مدیره را تشکیل دهند میتوانند در صورتیکه از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیئت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیئت مدیره را دعوت نمایند .

ماده ۱۲۳ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - برای هر یک از جلسات هیئت مدیره باید صورتجلسه‌ای تنظیم و لااقل بامضاء اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیئت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب میباشند و خلاصه‌ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذ در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر میگردد. هر یک از مدیران که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورتجلسه مخالف باشد نظر او باید در صورت جلسه قید شود .

ماده ۱۲۴ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - هیئت مدیره باید اقلایک نفر شخص حقیقی را بمدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند در صورتیکه مدیر عامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیر عامل شرکت نمیتواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی .

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره در هر موقع میتواند مدیر عامل را عزل نماید .

ماده ۱۲۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد .

ماده ۱۲۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمیتوانند بمدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچکس نمیتواند در عین حال مدیریت عامل بیش از يك شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیر عاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت‌های سمت مدیریت عامل شامل حال او خواهد شد .

ماده ۱۲۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرکس برخلاف ماده ۱۲۶ بمدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان بتقاضای هر ذینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود .

ماده ۱۲۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورتجلسه هیئت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود .

ماده ۱۲۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکتهائی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل آنها باشند نمیتوانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتیکه با شرکت یا بحساب شرکت میشود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهام شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله‌ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آنرا به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله‌ای بهمان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیر عامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت .

ماده ۱۳۰ (اصلاحي ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادي تصويب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدليس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتیکه بر اثر انجام معامله بشرکت خسارتي وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیر عامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن معامله را داده‌اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارت وارده بشرکت میباشند .

ماده ۱۳۱ (الحاقي ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در صورتیکه معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیئت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومي عادي شرکت آنها را تصويب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت میتواند تا سه سال از تاريخ انعقاد معامله و در صورتیکه معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاريخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیر عامل ذینفع در مقابل شرکت باقي خواهد بود. تصمیم بدرخواست بطلان معامله با مجمع عمومي عادي صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیر عامل ذینفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومي مذکور در این ماده بدعوت هیئت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد .

ماده ۱۳۲ (الحاقي ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - مدیر عامل شرکت و اعضاء هیئت مدیره باستثناء اشخاص حقوقي حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمیتواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. اینگونه عملیات بخودی خود باطل است. در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده بشرط آنکه تحت قیود و شرایط عادي و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود. ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که بنمایندگی شخص حقوقي عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره شرکت میکنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده میباشد .

ماده ۱۳۳ (اصلاحي ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - مدیران و مدیر عامل نمیتوانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران

آن خواهد بود، منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تفویت منفعت.

ماده ۱۳۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی عادی صاحبان سهام میتواند با توجه بساعات حضور اعضاء غیرموظف هیئت مدیره در جلسات هیئت مزبور پرداخت مبلغی را بآنها بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند مجمع عمومی این مبلغ را با توجه بتعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت حضور داشته است تعیین خواهد کرد. همچنین در صورتیکه در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی میتواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت بعنوان پاداش باعضاء هیئت مدیره تخصیص داده شود اعضاء غیرموظف هیئت مدیره حق ندارند بجز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیر مستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند .

ماده ۱۳۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمیتوان بعذر عدم اجرای تشریفات مربوط بطرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست .

ماده ۱۳۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورت انقضاء مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه مراجع موظف بدعوت مجمع عمومی بوظیفه خود عمل نکنند هر ذینفع میتواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید .

ماده ۱۳۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره باید لااقل هر ششماه یکبار خلاصه صورت دارائی و قروض شرکت را تنظیم کرده ببازرسان بدهد .

ماده ۱۳۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره موظف است بعد از انقضای سال مالی شرکت ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است مجمع عمومی سالانه را

برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید .

ماده ۱۳۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هر صاحب سهم میتواند از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی در مرکز شرکت بصورت حسابها مراجعه کرده و از ترازنامه و حساب سود و زیان و گزارش عملیات مدیران و گزارش بازرسان رونوشت بگیرد .

ماده ۱۴۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره مکلف است هر سال يك بیستم از سود خالص شرکت را بعنوان اندوخته قانونی موضوع نماید. همین که اندوخته قانونی بيك دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن آن اختیاری است و در صورتیکه سرمایه شرکت افزایش یابد كسر يك بیستم مذکور ادامه خواهد یافت تا وقتی که اندوخته قانونی بيك دهم سرمایه بالغ گردد .

ماده ۱۴۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اگر بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأي واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأي بانحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را بمبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتیکه هیئت مدیره برخلاف این ماده بدعوت مجمع عمومی فوق العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت میشود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذینفع میتواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.

ماده ۱۴۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت بتخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول میباشند و دادگاه حدود مسئولیت هر يك را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود .

ماده ۱۴۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارائی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار میتواند بتقاضای هر ذینفع هر يك از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارائی شرکت بنحوی از انحاء معلول تخلفات او

بوده است منفرداً یا متضامناً بتأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارائی شرکت ممکن نیست محکوم نماید .

بخش ۷ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷)

بازرسان

ماده ۱۴۴ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی عادی در هر سال يك يا چند بازرسی انتخاب میکند تا بر طبق این قانون بوظائف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرسی یا بازرسان بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر موقع میتواند بازرسی یا بازرسان را عزل کند بشرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید .

تبصره (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام میکند وظایف بازرسی شرکتها را در شرکتهای سهامی عام اشخاصی میتوانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکتهای سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آئیننامه‌ای میباشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۱۴۵ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - انتخاب اولین بازرسی یا بازرسان شرکتهای سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرسی یا بازرسان شرکتهای سهامی خاص طبق ماده ۲۰ این قانون بعمل خواهد آمد .

ماده ۱۴۶ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی عادی باید يك يا چند بازرسی علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرسی یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند .

ماده ۱۴۷ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - اشخاص زیر نمیتوانند بسمت بازرسی شرکت سهامی انتخاب شوند:

- اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ اینقانون.
- ۲ مدیران و مدیر عامل شرکت.
- ۳ اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم.
- ۴ هرکس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موظفاً حقوق دریافت میدارد.

ماده ۱۴۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظائفی که در سایر مواد اینقانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت دارائی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه میکنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام درحدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است بطور یکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند .

ماده ۱۴۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان میتوانند در هر موقع هر گونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط بشرکت رامطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. بازرس یا بازرسان میتوانند بمسئولیت خود در انجام وظائفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند بشرط آنکه آنها را قبلاً بشرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردیکه بازرس تعیین میکند مانند خود بازرس حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت .

ماده ۱۵۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - بازرس یا بازرسان موظفند با توجه بماده ۱۴۸ اینقانون گزارش جامعی راجع بوضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد .

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه شرکت بازرسان متعدد داشته باشد هر يك میتواند بتنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر

دلیل در گزارش قید خواهد شد.

ماده ۱۵۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -بازرس یا بازرسان باید هر گونه تخلف یا تقصیری که در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند باولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتیکه ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید بمرجع قضائی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان را باولین مجمع عمومی گزارش دهند .

ماده ۱۵۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -در صورتیکه مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون بعنوان بازرس تعیین شده‌اند صورت دارائی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچوجه اثر قانونی نداشته ازدرجه اعتبار ساقط خواهد بود .

ماده ۱۵۳ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -در صورتیکه مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یا يك يا چند نفر از بازرسان بعلي نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان بتقاضای هر ذینفع بازرس یا بازرسان را بتعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرس بوسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در اینمورد غیر قابل شکایت است .

ماده ۱۵۴ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب میشوند طبق قواعد عمومی مربوط بمسئولیت مدنی مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود .

ماده ۱۵۵ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است .

ماده ۱۵۶ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -بازرس نمیتواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود .

بخش ۸ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷)

تغییرات در سرمایه شرکت

ماده ۱۵۷ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - سرمایه شرکت را میتوان از طریق صدور سهام

جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد .

ماده ۱۵۸ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید بیکي از طرق زیر امکان پذیر است:

- پرداخت مبلغ اسمی سهم بنقد.
- ۲ تبدیل مطالبات نقدي حال شده اشخاص از شرکت بسهم جدید.
- ۳ انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید بسرمایه شرکت.
- ۴ تبدیل اوراق قرضه بسهم.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - فقط در شرکت سهامی خاص تأدیه مبلغ اسمی

سهام جدید بغير نقد نیز مجاز است .

تبصره ۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - انتقال اندوخته قانونی بسرمایه ممنوع است .

ماده ۱۵۹ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام

موجود در صورتیکه برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر

آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند .

ماده ۱۶۰ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - شرکت میتواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی

بفروشد یا اینکه مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم بعنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت میتواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را باندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازاء آن سهام جدید بصاحبان سهام سابق بدهد.

ماده ۱۶۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم میکند .

تبصره ۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم میکند شرایط مربوط به فروش سهام جدید و تأدیه قیمت آنرا تعیین یا اختیار تعیین آنرا به هیئت مدیره واگذار خواهد کرد .

تبصره ۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پیشنهاد هیئت مدیره راجع با افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آنموقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیئت مدیره باشد .

ماده ۱۶۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومی فوق العاده میتواند به هیئت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تامیزان مبلغ معینی بیکي از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد .

ماده ۱۶۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یکماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط بمقدار سرمایه ثبت شده شرکت بمرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود .

ماده ۱۶۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اساسنامه شرکت نمیتواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد .

ماده ۱۶۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تأدیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود .

ماده ۱۶۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی

آن سهامداران میتوانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزي که براي پذيرهنويسی تعيين میگردد شروع میشود .

ماده ۱۶۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مجمع عمومي فوق العاده که افزایش سرمایه را از طريق فروش سهام جديد تصویب میکند یا اجازه آنرا به هیئت مدیره میدهد حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیرهنويسی تمام یا قسمتی از سهام جديد از آنان سلب کند بشرط آنکه چنین تصمیمي پس از قرائت گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرس یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد وگرنه باطل خواهد بود .

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - گزارش هیئت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران و معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جديد براي تخصیص بآنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت اینگونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرس یا بازرسان باید حاکی از تأیید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیئت مدیره ذکر شده است .

ماده ۱۶۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیرهنويسی سهام جديد از بعضی از صاحبان سهام بنفع بعضی دیگر انجام میگیرد سهامدارانی که سهام جديد براي تخصیص بآنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رأی درباره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد نصاب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومي سهام سهامدارانی که سهام جديد براي تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است بحساب نخواهد آمد .

ماده ۱۶۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در شرکتهای سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع با افزایش سرمایه از طريق انتشار سهام جديد باید مراتب از طريق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر میگردد یا اطلاع صاحبان سهام برسد در این آگهی باید اطلاعات مربوط بمبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جديد و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیرهنويسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتیکه براي سهام جديد شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

ماده ۱۷۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در شرکتهای سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع با افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام باینام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آنها دارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه‌های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد .

ماده ۱۷۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - گواهینامه حق خرید سهم مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- انام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت.
- ۲ مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت.
- ۳ تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آنها دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن.
- ۴ انام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.
- ۵ مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه میتواند از حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند.
- ۶ هر گونه شرایط دیگری که برای پذیرهنویسی مقرر شده باشد.

تبصره (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - گواهینامه حق خرید سهم باید بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است بامضاء برسد.

ماده ۱۷۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه حق تقدم در پذیرهنویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقیمانده سهام جدید عرضه و بمتقاضیان فروخته خواهد شد .

ماده ۱۷۳ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیرهنویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را بمرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۱۷۴ (اصلاحی ۰۲، ۱۳۴۸) - طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید بامضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

- انام و شماره ثبت شرکت.
- ۲ موضوع شرکت و نوع فعالیتهاى آن.
- ۳ مرکز اصلی شرکت و در صورتیکه شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.
- ۴ در صورتیکه شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.
- ۵ مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
- ۶ اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.
- ۷ هویت کامل اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت.
- ۸ شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.
- ۹ مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارائی بعد از تصفیه.
- ۱۰ مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل بسهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه بسهم.
- ۱۱ مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه‌ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط بآن.
- ۱۲ مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.
- ۱۳ مبلغ افزایش سرمایه.
- ۱۴ تعداد و نوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده‌اند.
- ۱۵ تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی.
- ۱۶ مبلغ اسمی و نوع سهامی که باید تعهد شود و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم.
- ۱۷ حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیرهنویسی باید تعهد شود.
- ۱۸ نام بانک و مشخصات حساب سپرده‌ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود.

۱۹- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاریکه اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن نشر میشود.

ماده ۱۷۵ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که بتصویب مجمع عمومی رسیده است باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید بمرجع ثبت شرکتها تسلیم گردد و در صورتیکه شرکت تا آنموقع ترازنامه و حساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیرهنویسی قید شود .

ماده ۱۷۶ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول طرح اعلامیه پذیرهنویسی و ضمائم آن و تطبیق مندرجات آنها با مقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود .

ماده ۱۷۷ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاریکه آگهی‌های شرکت در آن نشر میگردد اقلأ در دو روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن بعمل میآید در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که بتصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است.

ماده ۱۷۸ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء کرده و مبلغی را که باید پرداخته شود تأدیه و رسید دریافت خواهند کرد .

ماده ۱۷۹ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - پذیرهنویسی سهام جدید بموجب ورقه تعهد خرید سهم که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد:
- انام و موضوع و مرکز اصلی و شماره ثبت شرکت.

- ۲ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه.
- ۳ مبلغ افزایش سرمایه.
- ۴ شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید و مرجع صدور آن.
- ۵ تعداد و نوع سهامی که مورد تعهد واقع میشود و مبلغ اسمی آن.
- ۶ نام بانک و شماره حسابی که بهای سهم در آن پرداخته میشود.
- ۷ هویت و نشانی کامل پذیرهنویس .

ماده ۱۸۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهم جدید نیز حاکم است.

ماده ۱۸۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده و تعداد سهام هر يك از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مراتب را جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اطلاع خواهد داد.

هر گاه پس از رسیدگی به اوراق پذیرهنویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر

خریدار دستور استرداد وجه سهام اضافه خریداری شده را بآنک مربوط بدهد .

ماده ۱۸۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا نه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۱۷۴ بمرجع ثبت شرکتها به ثبت نرسد بدرخواست هر يك از پذیرهنویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه پذیرهنویسی بآن تسلیم شده است گواهینامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر و بآنکي که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال میدارد تا اشخاصیکه سهام جدید را پذیرهنویسی کرده اند بآنک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هر گونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد بعهده شرکت قرار میگیرد .

ماده ۱۸۳ (اصلاحی ۵۲، ۵۹، ۱۳۴۸) - (برای ثبت افزایش سرمایه شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود: - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را تصویب نموده یا

اجازه آنرا به هیئت مدیره داده است و در صورت اخیر صورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است.

- ۲ يك نسخه از روزنامه‌اي كه آگهي مذکور در ماده ۱۶۹ اين قانون در آن نشر گردیده است.

- ۱۳ اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتیکه سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه قید شود.

- ۴ در صورتیکه قسمتی از افزایش سرمایه بصورت غیر نقد باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحویل گردیده و با رعایت ماده ۸۲ این قانون بتصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده باشد مجمع عمومی فوق‌العاده در اینمورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیرهنویسان سهام جدیدتشکیل شده و رعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیر نقد مربوط میشود الزامی خواهد بود و يك نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده باید باظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود.

تبصره (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - اظهارنامه‌های مذکور در این ماده باید بامضاء کلیه هیئت مدیره رسیده باشد.

ماده ۱۸۴ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - وجوهی که بحساب افزایش سرمایه تأدیه میشود باید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور بحساب‌های شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت .

ماده ۱۸۵ (الحاقی ۲۴، ۱۲، ۱۳۴۷) - در صورتیکه مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدي حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه اینگونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با امضاء ورقه خرید سهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیرهنویسی سهام جدید باشند انجام میگیرد.

ماده ۱۸۶ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در ورقه خرید سهم مذکور در ماده ۱۸۵ نکات مندرج در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ ماده ۱۷۹ باید قید شود.

ماده ۱۸۷ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در مورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیرهنویسی باید در موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتها صورت کاملی از مطالبات نقدی حال شده ، بستانکاران پذیرهنویس را که بسهم شرکت تبدیل شده است بضمیمه رونوشت اسناد و مدارك حاکي از تصفیه آنگونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آنرا تأیید کرده باشند همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده و اظهارنامه هیئت مدیره مشعر بر اینکه کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است بمرجع ثبت شرکتها تسلیم شود .

ماده ۱۸۸ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در موردیکه افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت میگیرد کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر میشود باید هنگام پذیرهنویسی بر حسب مورد کلاً پرداخته یا تهاتر شود .

ماده ۱۸۹ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده شرکت میتواند به پیشنهاد هیأت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت بطور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه بتساوی حقوق صاحبان سهام لطمه‌ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد .

تبصره (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت میگیرد و کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام بنسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم بصاحب آن انجام میگیرد.

ماده ۱۹۰ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - پیشنهاد هیأت مدیره راجع بکاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده ببازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد.

پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آنموقع مجمع عمومی نسبت بحسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد .

ماده ۱۹۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) -بازرس یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیأت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارشی به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرس تصمیم خواهد گرفت .

ماده ۱۹۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) -هیأت مدیره قبل از اقدام بکاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف یکماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد آگهی کند.

ماده ۱۹۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) -در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر يك از دارندگان اوراق قرضه و یا بستانکارانیکه منشاء طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۱۹۲ باشد میتوانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت بکاهش سرمایه شرکت بدادگاه تقدیم کنند .

ماده ۱۹۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) -در صورتیکه بنظر دادگاه اعتراض نسبت بکاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تأمین پرداخت طلب معترض وثیقه‌ایکه بنظر دادگاه کافی باشد نسپارد در اینصورت آن دین حال شده و دادگاه حکم بپرداخت آن خواهد داد .

ماده ۱۹۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) -در مهلت دو ماه مذکور در ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتیکه اعتراضی شده باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است .

ماده ۱۹۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) -برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه‌ای باطلاع کلیه صاحبان سهم برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاریکه

آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر میگردد منتشر شود و برای صاحبان سهام بانام توسط پست سفارشی ارسال گردد .

ماده ۱۹۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - اطلاعیه مذکور در ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

- انام و نشانی مرکز اصلی شرکت.
- ۲ مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه.
- ۳ مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می‌یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش.
- ۴ نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام میگیرد .

ماده ۱۹۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است .

بخش ۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)
انحلال و تصفیه

ماده ۱۹۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت سهامی در موارد زیر منحل میشود:
- اوقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.

- ۲ در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.

- ۳ در صورت ورشکستگی

- ۴ در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام بهر علتی رأی بانحلال شرکت بدهد

- ۵ در صورت صدور حکم قطعی دادگاه

ماده ۲۰۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است .

ماده ۲۰۱ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در موارد زیر هر ذینفع میتواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد

- ادر صورتیکه تا یکسال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتیکه فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یکسال متوقف شده باشد.

- ۲ در صورتیکه مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی بحسابهای هر يك از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد.

- ۳ در صورتیکه سمت تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و همچنین سمت مدیر عامل شرکت طی مدتی زائد بر ششماه بلامتصدي مانده باشد.

- ۴ در مورد بندهای يك و دو ماده ۱۹۹ در صورتیکه مجمع عمومی فوقالعاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رای بانحلال شرکت

ندهد .

ماده ۲۰۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در مورد بندهای يك و دو و سه ماده ۲۰۱ دادگاه

بلافاصله بر حسب مورد بمراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از ششماه تجاوز نکند میدهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند.

در صورتیکه ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم بانحلال شرکت میدهد .

ماده ۲۰۳ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام میگردد. مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط بورشکستگی میباشد.

ماده ۲۰۴ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوقالعادهای که رأی بانحلال میدهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد .

ماده ۲۰۵ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در صورتیکه بهر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی بوظائف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیرتصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت بموجب حکم

دادگاه صورت میگیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود .

ماده ۲۰۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت بمحض انحلال در حال تصفیه محسوب میشود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت در حال تصفیه ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط بشرکت قید گردد .

ماده ۲۰۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه بموجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد .

ماده ۲۰۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط بتصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف بخاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت میباشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد .

ماده ۲۰۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه بمرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط بشرکت در آن نشر میگردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است .

ماده ۲۱۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است.

ماده ۲۱۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع میشود. مدیران تصفیه باید

کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده‌دار شوند .

ماده ۲۱۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داور و حق سازش دارا می‌باشند و میتوانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان‌لم‌یکن است .

ماده ۲۱۳ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - انتقال دارائی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً بمدير یا مدیران تصفیه و یا باقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقالی که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود .

ماده ۲۱۴ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن بامر تصفیه لازم میدانند و تدابیری را که جهت پایان دادن بامر تصفیه در نظر گرفته‌اند باطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمديد مدت مأموریت خود را خواستار شوند .

ماده ۲۱۵ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمديد مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود .

ماده ۲۱۶ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می‌باشند .

ماده ۲۱۷ - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفاتیکه در قانون و اساسنامه پیش‌بینی شده است دعوت کرده صورت دارائی منقول و غیر

منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را بضمیمه گزارشی حاکی از اعمالیکه تا آن موقع انجام داده‌اند بمجمع عمومی مذکور تسلیم کنند .

ماده ۲۱۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در صورتیکه بموجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه يك یا چند ناظر معین شده باشد ناظر باید بعملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را بمجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند .

ماده ۲۱۹ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مدت تصفیه دعوت مجامع عمومی در کلیه موارد بعهدہ مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه باین تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف بدعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتیکه ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیش‌بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم بتشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۲۲۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند .

ماده ۲۲۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مدت تصفیه مقررات راجع بدعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هر گونه دعوتنامه و اطلاعیه‌ایکه مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر میکنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط بشرکت در آن درج میگردد منتشر شود .

ماده ۲۲۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مواردیکه بموجب این قانون مدیران تصفیه مکلف بدعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود میباشند هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط بشرکت در آن درج میگردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند .

ماده ۲۲۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - آن قسمت از دارائی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم میشود بشرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده است موضوع شده باشد .

ماده ۲۲۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون دارائی شرکت بدواً بمصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد بترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتیکه اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد .

ماده ۲۲۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تقسیم دارائی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه بفاصله یکماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط بشرکت در آن درج میگردد آگهی شده و لااقل ششماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد .

ماده ۲۲۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسئول خسارات بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند .

ماده ۲۲۷ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را بمرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط بشرکت در آن درج میگردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجارتي حذف گردد .

ماده ۲۲۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند نیز بآن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده باطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود بآنک مراجعه کنند. پس از انقضاء دهسال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقیمانده باشد در

حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل بخرانه دولت منتقل خواهد شد .

ماده ۲۲۹ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند باین منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه بمرجع ثبت شرکتها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز بمرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذینفع آماده باشد.

ماده ۲۳۰ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در صورتیکه مدیر تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتیکه مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را بدادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او بترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان لم یکن است .

ماده ۲۳۱ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتیکه مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتیکه مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصرأً بعهدۀ يك نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتیکه مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع میتواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی

صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتیکه مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتیکه مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع میتواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد .

بخش ۱۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

حسابهای شرکت

ماده ۲۳۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - هیأت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارائی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را بضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلاً بیست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود .

ماده ۲۳۳ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکاررفته است رعایت شود. با وجود این در صورتیکه تغییری در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور بهر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه بگزارش هیأت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد .

ماده ۲۳۴ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در ترازنامه باید استهلاك اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود ولو آنکه پس از وضع استهلاك و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. پائین آمدن ارزش دارائی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه بعلل دیگر باید در استهلاكات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارائی و زیانها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده ۲۳۵ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - تعهداتی که شرکت آنرا تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود .

ماده ۲۳۶- هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هر گونه سود مستهلك شود. هزینه‌های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که اینگونه هزینه‌ها بعمل آمده مستهلك شود. در صورتیکه سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادر میشود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه‌های افزایش سرمایه را میتوان از محل این اضافه ارزش مستهلك نمود .

ماده ۲۳۷(الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارتست از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها .

ماده ۲۳۸(الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -از سود خالص شرکت پس از وضع زیان‌های وارده در سالهای قبل باید معادل يك بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ بعنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است .

ماده ۲۳۹(الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -سود قابل تقسیم عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته‌های اختیاری بعلاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است .

ماده ۲۴۰(الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) -مجمع عمومی پس از تصویب حساب‌های سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آنرا که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی میتواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته‌هایی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام يك از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین میشود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در هر حال پرداخت سود بصاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد .

ماده ۲۴۱ (اصلاحي ۱۳۹۵، ۰۲، ۲۰) - با رعایت شرایط مقرر در ماده (۱۳۴) نسبت معيني از سود خالص سال مالي شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود، به هیچ وجه نباید در شرکتهای سهامی عام از سه درصد (۳٪) و در شرکتهای سهامی خاص از شش درصد (۶٪) سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، تجاوز کند. در هر حال این پاداش نمیتواند برای هر عضو موظف از معادل يك سال حقوق پایه وي و برای هر عضو غیرموظف از حداقل پاداش اعضاي موظف هیأت مدیره بیشتر باشد. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد، باطل و بلااثر است .

تبصره ۱ (الحاقي ۱۳۹۵، ۰۲، ۲۰) - شرکتهای دولتي، مشمول مقررات این ماده در خصوص پاداش هیأت مدیره نیستند و تابع حکم مقرر در ماده (۷۸) قانون مدیریت خدمات کشوري مصوب ۱۳۸۶/ ۷/ ۸ می باشند .

تبصره ۲ (الحاقي ۱۳۹۵، ۰۲، ۲۰) - هیچ فردي نمیتواند اصالتاً یا به نمایندگی از شخص حقوقی همزمان در بیش از يك شرکت که تمام یا بخشی از سرمایه آن متعلق به دولت یا نهادها یا مؤسسات عمومی غیردولتي است به سمت مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره انتخاب شود. متخلف علاوه بر استرداد وجوه دریافتی به شرکت به پرداخت جزاي نقدي معادل وجوه مذکور محکوم می شود .

ماده ۲۴۲ (الحاقي ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در شرکتهای سهامی عام هیأت مدیره مکلف است که بحسابهای سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمي را نیز ضمیمه کند. حسابداران رسمي باید علاوه بر اظهار نظر درباره حسابهای شرکت گواهی نمایند که کلیه دفاتر و اسناد و صورت حسابهای شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حسابهای سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیأت مدیره وضع مالي شرکت را بنحوصحیح و روشن نشان میدهد.

تبصره (الحاقي ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - منظور از حسابداران رسمي مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند سال ۱۳۴۵ می باشد و در صورتیکه بموجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمي تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور

در این ماده نیز خواهد بود.

بخش ۱۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷)

مقررات جزائی

ماده ۲۴۳ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - اشخاص زیر بحسب تأدیبی از سه ماه تا دو سال

یا به جزای نقدی از ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال تا ۵۰۰/۵۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد:

- اهرکس که عالماً و بر خلاف واقع پذیرهنویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیرهنویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقد ثقلب اعمال کند.

- ۲هرکس در ورقه سهم بانام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند.

- ۳هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید بمرجع ثبت شرکتها اعلام کند بعضاً یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع بمرجع مزبور اعلام دارد.

- ۴هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتیکه ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند.

- ۵هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیرهنویسی کلیه سرمایه و تأدیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیر نقد صادر کند.

- ۶هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام صادر کند .

ماده ۲۴۴ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - اشخاص زیر بحسب تأدیبی از سه ماه تا یکسال یا

به جزای نقدی از ۱۶۵/۵۰۰/۰۰۰ ریال تا ۶۶۰/۵۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد:

- اهرکس عالماً سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

- ۲هرکس سهام بی‌نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

۳- هرکس سهام بانام را قبل از آنکه اقلاً سي و پنج درصد مبلغ اسمي آن پرداخت شده باشد بفروشد يا به معرض فروش گذارد .

ماده ۲۴۵ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - هرکس عالماً در هر يك از عمليات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند يا انجام آن عمليات را تسهیل نماید بر حسب مورد بمجازات شريك يا معاون محکوم خواهد شد .

ماده ۲۴۶ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر يك از جرائم زیر بحبس تأدیبی از دو ماه تا ششماه يا به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال يا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد: - ادر صورتیکه ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و يا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت ننمایند. - ۲ در صورتیکه قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت بصور اوراق قرضه مبادرت کرده يا صدور آنرا اجازه دهند .

ماده ۲۴۷ (اصلاحی ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - در مورد بند يك ماده ۲۴۶ در صورتیکه هر يك از اعضاء هیأت مدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیأت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزائی عمل شود و باین اعلام از طرف سایر اعضاء هیأت مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیأت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسئولیت جزائی از عضو هیأت مدیره منوط باینست که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی بهر يك از اعضاء هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتیکه جلسات هیأت مدیره بهر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از عضو هیأت مدیره کافی است .

ماده ۲۴۸ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - هرکس اعلامیه پذیرهنویسی سهام يا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی مؤسسين یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال محکوم خواهد شد .

ماده ۲۴۹ (اصلاحی ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - هرکس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی بصدور اعلامیه پذیره‌نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع بکلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و بمجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۰ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تأدیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت بصدور اوراق قرضه نمایند به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد .

ماده ۲۵۱ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند بحبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال تا ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد .

ماده ۲۵۲ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۶۰ این قانون را در اوراق قرضه قید ننمایند به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۳ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - اشخاص زیر بحبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال یا به جزای نقدی از ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ تا ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد:

- اهرکس عامداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.

- ۲هرکس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و یا

باینطریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آنکه اینکار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد .

ماده ۲۵۴ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را بموقع تنظیم و تسلیم ننمایند بحبس از دو تا ششماه یا به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد .

ماده ۲۵۵ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد .

ماده ۲۵۶ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند. بمجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۷ (اصلاحی ۱۳۴۸، ۰۲، ۰۹) - رئیس و اعضاء هیأت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع بحق رأی صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند بمجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۸ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - اشخاص زیر بحبس تأدیبی از یکسال تا سه سال محکوم خواهند شد:

- رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که بدون صورت دارائی و ترازنامه یا باستناد صورت دارائی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند.

- ۲ رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که ترازنامه غیر واقع بمنظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت بصاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند.

- ۳ رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند مورد استفاده قرار دهند.

۴- رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا بخاطر شرکت یا مؤسسه دیگری خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند استفاده کنند .

ماده ۲۵۹ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد باین منظور دعوت نمایند و یا بازرسان شرکت را بمجمع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند بحبس از دو تا ششماه یا جزای نقدی از ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد .

ماده ۲۶۰ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل که عامداً مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند بحبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا بجزای نقدی از ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال تا ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد .

ماده ۲۶۱ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتیکه ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد. و در صورتیکه قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت بصدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند بحبس تأدیبی از دو ماه تا ششماه و به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد .

ماده ۲۶۲ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد:

- ادر صورتیکه در موقع افزایش سرمایه شرکت باستثنای مواردیکه در این قانون پیشبینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت بپذیره نویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود بصاحبان سهام ندهند.

۲- در صورتیکه شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان اینگونه اوراق قرضه را نسبت بتعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضاء مدتیکه طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل بسهم منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آنرا از طریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام بتقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند .

ماده ۲۶۳ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل هر شرکت سهامی که عالملاً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت بپذیره نویسی سهام جدید بمجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند بحبس از ششماه تا سه سال یا به جزای نقدی از ۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد .

ماده ۲۶۴ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالملاً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد:

- ادر صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام.
- ۲- در صورتیکه پیشنهاد راجع بکاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده ببازرس شرکت تسلیم نشده باشد.
- ۳- ادر صورتیکه تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرائط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط بشرکت در آن نشر میگردد آگهی نشده باشد .

ماده ۲۶۵ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تادو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت ننمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یکماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام ننمایند بحبس از دو ماه تا ششماه یا به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد .

ماده ۲۶۶ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - هرکس با وجود منع قانونی عالماً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و بآن عمل کند بحسب تأدیبی از دو ماه تا ششماه یا جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهد شد .

ماده ۲۶۷ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - هرکس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالماً راجع باوضاع شرکت بمجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا اینگونه اطلاعات را تصدیق کند بحسب تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۸ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً مرتکب جرائم زیر بشوند بحسب تأدیبی از دو ماه تا ششماه یا جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد:

- ادر صورتیکه ظرف یکماه پس از انتخاب تصمیم راجع بانحلال شرکت و نام و نشانی خود را بمرجع ثبت شرکتهای اعلام نکنند.

- ۲ در صورتیکه تا ششماه پس از شروع بامر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن بامر تصفیه لازم میدانند باطلاع مجمع عمومی نرسانند.

- ۳ در صورتیکه قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون اساسنامه شرکت پیشبینی شده است دعوت نکرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را بضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آنموقع انجام دادهاند بمجمع مذکور تسلیم نکنند.

- ۴ در صورتیکه در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمديد مدت مأموریت خود را خواستار شوند بعملیات خود ادامه دهند.

- ۵ در صورتیکه ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب را بمرجع ثبت شرکتهای اعلام نمایند.

- ۶ در صورتیکه پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع ننمایند و صورت اسامی بستانکاران و

صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند بآن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه باطلاع اشخاص ذینفع نرسانند .

ماده ۲۶۹ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند بحسب تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

- ادر صورتیکه اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند مورد استفاده قرار دهند.
- ۲ در صورتیکه برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارائی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده دارائی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند .

بخش ۱۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴)

مقررات مختلف مربوط به شرکتهای سهامی

ماده ۲۷۰ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ میگردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا بدرخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور بحکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمیتوانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند .

ماده ۲۷۱ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در صورتیکه قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوای بطلان را صادر خواهد کرد .

ماده ۲۷۲ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - دادگاهی که دعوای بطلان نزد آن اقامه شده است میتواند بنا بدرخواست خوانده مهلتی که از ششماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر بدادگاه است. در صورتیکه ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد.

ماده ۲۷۳ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت کسانی که مسئول بطلان هستند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان بصاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است .

ماده ۲۷۴ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر مینماید باید ضمن حکم خود يك یا چند نفر را بعنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند .

ماده ۲۷۵ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود و مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین شده‌اند حاضر بقبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود ارجاع مینماید .

تبصره (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که توسط دادگاه تعیین میشود بعهدہ دادگاه است.

ماده ۲۷۶ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل يك پنجم مجموع سهام شرکت باشد میتوانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضاء هیئت مدیره و یا مدیر عامل بنام و از طرف شرکت و بهزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده بشرکت را از آنها مطالبه کنند.

در صورت محکومیت رئیس یا هر يك از اعضاء هیأت مدیره یا مدیر عامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم بنفع شرکت اجراء و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد.

در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوی پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات بعهدہ آنان است.

ماده ۲۷۷ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید بنحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید .

ماده ۲۷۸ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - شرکت سهامی خاص در صورتی میتواند ب شرکت سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع بتصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل بمیزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را بمیزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن بتصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکتهای سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد.

ماده ۲۷۹ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - شرکت سهامی خاص باید ظرف یکماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده را بضمیمه مدارک زیر بمرجع ثبت شرکتهای تسلیم کند:

۱ - اساسنامه‌ای که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و بتصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است.

۲ - دو ترازنامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که بتأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

۳ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک بمرجع ثبت شرکتهای که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و بتأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

۴ - اعلامیه تبدیل شرکت که باید بامضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف - نام و شماره ثبت شرکت.

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتیکه شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن

د - در صورتیکه شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن.

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.

- ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت.
- ح - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.
- ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.
- ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.
- ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعاتیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن درج میگردد.

ماده ۲۸۰ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارك مذکور در ماده ۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب را به‌زینه شرکت آگهی خواهد نمود .

ماده ۲۸۱ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دو ترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط بدو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می‌باشد آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت در آن درج میگردد اقلاً در يك روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود .

ماده ۲۸۲ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه بشرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می‌آید با رعایت مواد ۱۷۳ لغایت ۱۸۲ و ماده ۱۸۴ این قانون برای پذیره‌نویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکتها در اینمورد پس از وصول تقاضا و مدارك مربوط به تبدیل شرکت سهامی خاص بشرکت سهامی عام و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتیکه شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیره‌نویسی عمومی بشرکت سهامی عام تبدیل شود اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی سهام را صادر خواهد نمود. در اعلامیه پذیره‌نویسی باید شماره و تاریخ اجازه‌نامه مزبور قید گردد.

ماده ۲۸۳ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - در صورتیکه سهام جدیدی که بترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماماً تأدیه نشود شرکت نمیتواند بشرکت سهامی عام تبدیل گردد .

ماده ۲۸۴ (اصلاحی ۱۳۴۸، ۵۲، ۵۹) - (شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف سه سال از تاریخ اجرای این قانون بصورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام درآیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا بنوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند والا منحل محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود.

تا هنگامیکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف سه سال وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق نداده‌اند تابع مقررات مربوط بشرکتهای سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خود خواهند بود.

تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون وقتی محقق میشود که مرجع ثبت شرکتهای پس از احراز صحت تطبیق مراتب را ثبت و بهزینه شرکت آگهی کرده باشد.

باستثنای هزینه آگهی اجرای اینماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچگونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه‌های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه میشود.

ماده ۲۸۵ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - تغییر اساسنامه هر يك از شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بمنظور تطبیق وضع آنها با مقررات این قانون استثنائاً ممکن است بموجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت صورت گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید بتصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد.

ترتیب دعوت تشکیل و حد نصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق‌العاده بمنظور تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون تابع مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ در مورد شرکتهای سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکتهای موجود در تاریخ تصویب این قانون میباشد .

ماده ۲۸۶ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - برای آنکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی خاص درآیند باید اولاً سرمایه آنها حداقل بمیزانی باشد که برای شرکتهای سهامی خاص مقرر شده است یا سرمایه

خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به آن میزان افزایش دهند. ثانیاً اساسنامه خود را بمنظور تطبیق با مقررات این قانون اصلاح کرده مراتب را بمرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند. مرجع ثبت شرکتها پس از احراز صحت تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون مراتب را ثبت و بهزینه شرکت آگهی خواهد نمود .

ماده ۲۸۷ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - برای آنکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی عام درآیند باید اولاً سرمایه آنها بمیزانی باشد که برای شرکتهای سهامی عام مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی عام به آن میزان افزایش دهند. ثانیاً در تاریخ تبدیل شرکت بشرکت سهامی عام یکسال از ثبت شرکت گذشته و یک ترازنامه آن بتصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. ثالثاً اساسنامه خود را با مقررات این قانون وفق دهند.

ماده ۲۸۸ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - در صورتیکه شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بخواهند برای تطبیق وضع خود با مقررات این قانون باافزایش سرمایه مبادرت کنند در صورتیکه تمامی مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تأدیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت بهر سهم در مورد سهام جدید نیز لازم الرعایه است و در هر حال این نسبت نمیتواند از سی و پنج درصد مبلغ اسمی سهام کمتر باشد. در موارد مذکور در اینماده رعایت ماده ۱۶۵ اینقانون در مورد تأدیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست .

ماده ۲۸۹ (الحاقی ۱۳۴۷، ۱۲، ۲۴) - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند از طریق افزایش سرمایه بشرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می آید با رعایت مقررات این قانون برای پذیرهنویسی عمومی عرضه نمایند. در صورتیکه سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تماماً تعهد نشود و مبلغی که باید بر طبق مقررات این قانون تأدیه گردد تأدیه نشود شرکت نمیتواند بشرکت سهامی عام تبدیل گردد.

ماده ۲۹۰ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند شرکت سهامی عام تبدیل شوند و باینمنظور باافزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارك زیر را بمرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند:

- اساسنامه‌ایکه برای شرکت سهامی عام بتصویب مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده رسیده است.

- ۲ صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است.

- ۳ صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارك بمرجع ثبت شرکتهای.

صورت مزبور باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده بتأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

- ۴ طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید که باید بترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ این قانون تنظیم شده باشد.

- ۵ آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید بتصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد .

ماده ۲۹۱ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارك مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده ۲۹۲ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - کلیه مقررات مذکور در مواد ۱۷۷ لغایت ۱۸۱ این قانون برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی ب شرکت سهامی عام لازم‌الرعايه است. در آگهی مربوط ضمن ذکر افزایش سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد .

ماده ۲۹۳ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه بر طبق ماده ۱۸۲ این قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت مذکور در ماده ۲۸۴ وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهد.

ماده ۲۹۴ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل بمیزان سرمایه شرکتهای سهامی عام مذکور در این قانون باشد و بخواهند شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید مدارک زیر را بمرجع ثبت شرکتهای تسلیم کنند:

- ۱ اساسنامه‌ایکه برای شرکت سهامی عام بتصویب مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده رسیده است.

- ۲ صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک بمرجع ثبت شرکتهای که باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و بتأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

- ۳ آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید بتصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

- ۴ اعلامیه تبدیل شرکت سهامی ب شرکت سهامی عام که باید بامضاء دارندگان امضاء مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد:

الف - نام و شماره ثبت شرکت.

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت‌های آن.

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتیکه شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.

د - در صورتیکه شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضاء مدت آن.

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن.

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.

ز - هویت کامل رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت.

ح - شرایط حضور و حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی.

ط - مقررات اساسنامه جدید راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.

ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت در آن منتشر میشود.

ماده ۲۹۵ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - مرجع ثبت شرکتهای پس از وصول مدارک مذکور در

ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی را بشرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به‌زینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده ۲۹۶ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در آگهی تبدیل شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بشرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت شرکتهای و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده میباشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهیهای شرکت در آن درج میگردد اقلاً در یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود .

ماده ۲۹۷ (اصلاحی ۳۰، ۳، ۱۴۰۳) - در مواردیکه برای تطبیق وضع یک شرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبدیل آن بنوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوقالعاده صاحبان سهام شرکت یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی بمرجع ثبت شرکتهای لازم باشد و رئیس و اعضاء هیئت مدیره آن شرکت بدعوت مجمع عمومی عادی یا فوقالعاده یا تسلیم آن اسناد و مدارک بمرجع ثبت شرکتهای اقدام ننمایند به جزای نقدی از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهند شد و علاوه بر این متضامناً مسئول جبران خساراتی میباشند که بر اثر انحلال شرکت بصاحبان سهام و اشخاص ثالث وارد میشود .

ماده ۲۹۸ (الحاقی ۱۲، ۲۴، ۱۳۴۷) - در مورد ماده ۲۹۷ در صورتیکه هر یک از اعضاء هیأت مدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیئت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیئت مدیره توجه نشود عضو هیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسئولیت جزائی و مدنی نخواهد داشت. سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیأت مدیره منوط به اینست که عضو هیأت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی بهر یک از اعضاء هیأت مدیره اعلام نماید. در صورتیکه جلسات هیأت مدیره بهر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی و مدنی از عضو هیأت مدیره کافی است.

ماده ۲۹۹ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط بشرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجاری میباشد نسبت بآن شرکتهای بقوت خود باقی است .

ماده ۳۰۰ (الحاقی ۱۲، ۱۳۴۷) - شرکتهای دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود میباشد و فقط نسبت بموضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون میشوند .

ماده ۲۱ - شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود بسهم آنها است.

ماده ۲۲ - در اسم شرکت سهامی نام هیچیک از شرکاء قید نخواهد شد - در اسم شرکت باید کلمه (سهامی) قید شود.

ماده ۲۳ - سهام ممکن است با اسم یا بی اسم باشد.

ماده ۲۴ - سهام بی اسم بصورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده آن مالک شناخته میشود مگر آنکه خلاف آن قانوناً ثابت گردد - نقل و انتقال این نوع سهام به قبض و اقباض بعمل می آید.

ماده ۲۵ - انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت به ثبت برسد صاحب سهم باید شخصاً یا به توسط وکیل انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضا نماید.

ماده ۲۶ - سهام ممکن است نقدی باشد یا غیر نقدی - سهام غیر نقدی سهامی است که در ازاء آن بجای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیازنامه و غیره داده شود.

ماده ۲۷ - قیمت سهام و همچنین قیمت قطعات سهام (در صورت تجزیه) متساوی خواهد بود.

ماده ۲۸ - در صورتیکه سرمایه شرکتهای سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هر گاه سرمایه زائد بر دویست هزار ریال باشد سهام و قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود.

ماده ۲۹ - مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام یا تصدیق موقتی (اعم از با اسم یا بی اسم) نمیتوان صادر کرد هر سهم یا تصدیق موقتی که قبل از تشکیل شرکت بکسی داده شده باشد باطل و صادرکنندگان متضامناً مسئول خساراتی هستند که بدارندگان این قبیل اوراق وارد شده است. تا زمانی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام تأدیه نشده نمیتوان سهام بی اسم یا تصدیق موقتی بی اسم انتشار داد.

ماده ۳۰ - کسانی که تعهد ابتیاع سهام کرده اند تا موقعی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود را نپرداخته اند مسئول تأدیه بقیه قیمت آن خواهند بود اگر چه سهام خود را بدیگری منتقل کرده و منتقل الیه نیز پرداخت بقیه را تعهد کرده باشد.

ماده ۳۱ - بعد از تأدیه پنجاه درصد نیز کسی که تعهد ابتیاع سهمی را کرده است از تأدیه بقیه قیمت آن بری نخواهد بود مگر اینکه اساسنامه شرکت آنرا تجویز کرده باشد که در اینصورت منتقل الیه مسئول تأدیه آن بقیه است.

ماده ۳۲ - هر کس تعهد ابتیاع سهامی را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد علاوه بر آن وجه بخسارات تأخیر تأدیه (از قرار صدي دوازده در سال و بنسبت مدت تأخیر) محکوم خواهد شد.

ماده ۳۳ - اساسنامه شرکت میتواند نسبت باشخاص مذکور در ماده فوق ترتیب دیگری اتخاذ نموده حتی مقرر دارد که در صورت عدم تأدیه بقیه قیمت سهام مقدار تأدیه شده از آن بابت بلاعوض تعلق بشرکت یافته و تعهدکننده نسبت بسهام تعهدی هیچ حقی نداشته باشد لیکن در اینصورت پرداخت وجه تعهد شده باید لااقل سه مرتبه بوسیله مکتوب با قبض رسید مطالبه و از تاریخ آخرین مکتوب یکماه منقضی شده باشد در مورد سهام بی اسم بجای مکتوب اعلان در جراید بعمل خواهد آمد مفاد این ماده باید در موقع تعهد صریحاً در دفتر شرکت قید شده و متعهد ذیل آنرا امضاء نماید.

ماده ۳۴ - خواه در سهام با اسم و خواه در سهام بی اسم مادام که قیمت آنها کاملاً تأدیه نشده است باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده صریحاً روی سهم قید شود بعلاوه شرکت مکلف است در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که بطور خطی یا چاپی صادر یا منتشر مینماید میزان سرمایه خود و آنقسمتی را که تأدیه شده است صریحاً قید کند.

ماده ۳۵ - هر شرکت سهامی میتواند بموجب رأی مجمع عمومی که مطابق ماده (۷۴) اینقانون تشکیل شده باشد سهام ممتازة ترتیب دهد که نسبت بسایر سهام ربحان و مزایائی داشته باشد ولی ایجاد این نوع سهام مشروط است باینکه اساسنامه شرکت چنین اقدامی را تجویز کرده باشد.

ماده ۳۶ - شرکت سهامی بموجب شرکتنامه که در دو نسخه نوشته شده باشد تشکیل میشود یکی از نسختین بطوریکه در ماده (۵۰) مقرراست ضمیمه اظهارنامه مدیر شرکت و دیگری در مرکز اصلی شرکت ضبط خواهد شد.

ماده ۳۷ - شرکت باید دارای اساسنامه باشد که نکات ذیل مخصوصاً در آن تصریح بشود:

(۱) اسم و مرکز اصلی شرکت.

(۲) موضوع شرکت.

(۳) مدت شرکت در صورتیکه شرکت برای مدت معینی تشکیل شود.

(۴) مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام.

(۵) نوع سهام (که سهام با اسم است یا بی اسم) عده هر نوع از سهام و تعیین اینکه سهام با اسم و بی اسم بچه شکل ممکن است بهم تبدیل شود در صورتیکه این تبدیل اساساً پذیرفته باشد.

(۶) هیئت‌های اداره و تفتیش.

(۷) عده سهامی را که مدیران شرکت باید بصندوق شرکت بسپارند.

(۸) مقررات راجع بدعوت مجمع عمومی و حق رأی صاحبان سهام و طریقه شور و اخذ رأی.

(۹) مطالبی که برای قطع آن در مجموع عمومی اکثریت مخصوصی لازم است.

(۱۰) طرز ترتیب صورت حساب سالیانه و رسیدگی به آن و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود.

(۱۱) طریق تغییر اساسنامه.

ماده ۳۸ -تشکیل شرکت‌های سهامی محقق نمیشود مگر بعد از آنکه تأدیه تمام سرمایه شرکت تعهد شده باشد بعلاوه هر گاه سهام یا قطعات آن زائد بر پنجاه ریال نباشد تعهدکنندگان باید تمام وجه را تأدیه نمایند و الا باید لااقل ثلث قیمت سهام را نقداً بپردازند و در هر حال وجهی که پرداخته میشود نباید کمتر از ۵۰ ریال باشد.

ماده ۳۹ -چیزی که در ازاء سهام غیر نقدي تعهد شده تماماً باید تحویل شود.

ماده ۴۰ -مؤسسين باید پس از تنظیم نوشته که حاکی از تعهد پرداخت سرمایه شرکت و تأدیه واقعی ثلث سرمایه نقدي است مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند این مجمع اولین مدیرهای شرکت و همچنین مفتش (کمیسر)هایی را که بموجب ماده (۶۲) مقرر است معین میکند.

ماده ۴۱ -هر گاه یکی از تعهدکنندگان سهم غیر نقدي اختیار کند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه نماید مجمع عمومی در جلسه اول که منعقد میشود امر بتقویم سهم غیر نقدي نموده یا موجبات مزایای مطالبه شده را تحت نظر میگیرد تصویب قطعی تقویم یا موجبات مزایا بعمل نمی‌آید وتشکیل شرکت واقع نمیشود مگر در جلسه دیگر مجمع عمومی که بر حسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای اینکه در جلسه دوم تقویم یا موجبات مزایا تصویب شود باید لااقل پنج روز قبل از انعقاد جلسه راپرتی در این خصوص طبع و بین تمام تعهدکنندگان توزیع شده باشد تصویب امور مذکور باید باکثريت دو ثلث تعهدکنندگان حاضر باشد و جلسه مجمع عمومی قانونی نخواهد بود مگر اینکه عدداً نصف کل شرکائی که خرید سهام نقدي را تعهد کرده‌اند حاضر بوده و نصف کل سرمایه نقدي را دارا باشند کسانی که دارای سهم غیر نقدي هستند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعیکه سهم غیر نقدي یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند آن قسمت از سرمایه غیر نقدي که موضوع مذاکره و رأی است در جزو سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد اگر در جلسه دوم مجمع عمومی نصف تعهدکنندگان سهام نقدي و نصف سرمایه نقدي حاضر نشده مجمع بطور موقت تصمیم خواهد گرفت و مطابق قسمت اخیر ماده (۴۵) رفتار میشود.

هر گاه سهام غیر نقدي یا موجبات مزایائی که مطالبه شده و تصویب نشود هر يك از تعهدکنندگان میتواند از شرکت خارج شود.

ماده ۴۲ -تصویب مراتب مذکور در ماده فوق مانع نیست از اینکه بعداً نسبت بآنها دعوی تزویر و تقلب اقامه شود.

ماده ۴۳ - هر گاه شرکت بین اشخاصی منعقد شود که سرمایه‌های غیر نقدی مشاعاً و منحصرأً متعلق بخودشان باشد رعایت ترتیبات مذکوره در ماده (۴۱) راجع بتقویم سهام غیر نقدی لازم نخواهد بود.

ماده ۴۴ - اظهارنامه که بموجب ماده (۵۰) بدایره ثبت اسناد باید تسلیم شود مؤسسين شرکت تهیه نموده با اسناد مربوطه باولین مجمع عمومی تقدیم مینمایند تا مجمع صحت یا سقم آنرا معین کند.

ماده ۴۵ - مجمع عمومی که در باب صحت اظهارات مؤسسين اظهار رأي و اولین مدیرها و مفتشين را انتخاب مینماید باید از يك عده صاحبان سهام مرکب شود که لااقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند - اگر در مجمع عمومی عده که نصف سرمایه را دارا باشند حاضر نشدند تصمیمات مجمع موقتي خواهد بود در این صورت مجمع عمومی جدیدی دعوت میشود و اگر پس از آنکه لااقل یکماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی بفاصله هشت روز بوسیله یکی از جراید محلی تصمیمات موقتي مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آن را تصویب نمود تصمیمات مزبوره قطعی میشود مشروط بر اینکه در مجمع جدید عده حاضر شوند که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند.

تبصره - جرایدی که اعلانات فوق را باید منتشر نمایند همه ساله توسط وزارت عدلیه معین و اعلان خواهد شد.

ماده ۴۶ - مجمع عمومی فوق اولین مدیرها و مفتشين شرکت را انتخاب میکند مفتشين برای سال اول و مدیران منتها برای مدت چهار سال معین می‌شوند مدیرها را می‌توان پس از انقضای مدت چهار سال مجدداً انتخاب نمود مگر آنکه اساسنامه شرکت غیر از این مقرر داشته باشد ولی در صورتی که بر حسب مقررات اساسنامه تعیین آنها موکول بتصویب مجمع عمومی نباشد مدت مدیری آنها بیش از دو سال نخواهد بود.

ماده ۴۷ - در صورتی که مدیرها و مفتشینی که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده‌اند قبول انجام وظیفه نمایند قبولی آنها در صورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل می‌گردد.

ماده ۴۸ - شرکت سهامی بواسطه يك یا چند نفر نماینده موظف یا غیر موظف که از میان شرکاء بسمت مدیری و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل میباشند اداره خواهد شد.

ماده ۴۹ - در صورتی که چند نفر بسمت مدیری معین شده باشند باید يك نفر از میان خود بسمت ریاست انتخاب کنند - رئیس مزبور و هر يك از مدیران می‌توانند در صورتی که اساسنامه شرکت اجازه داده باشد با تصویب یکدیگر یک نفر شخص خارج را بجای خود معین کنند ولی مسئولیت اعمال شخص خارج بعهده خود آنها خواهد بود.

ماده ۵۰ - برای این که تعهد و تأدیه وجه سرمایه از طرف شرکاء ثابت شود باید مدیر شرکت وقوع آنرا بموجب نوشته که بدایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می‌سپارد و بثبت میرسد اعلام نماید و باید اسامی شرکاء را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده با يك نسخه از اساسنامه و یکی از نسخین شرکتنامه بنوشته مزبور منضم نماید.

ماده ۵۱ - مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.

ماده ۵۲ - مدیرها باید يك عده سهامی را که بموجب اساسنامه مقرر است دارا باشند این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از اعمال اداری مدیرها مشترکاً یا منفرداً بر شرکت وارد شود- سهام مذکوره با اسم بوده و قابل انتقال نیست و بوسیله مهری که بر روی آنها زده می‌شود غیر قابل انتقال بودن آنها معلوم و در صندوق شرکت ودیعه خواهد ماند.

ماده ۵۳ - مدیرهای شرکت نمی‌توانند بدون اجازه مجمع عمومی در معاملاتیکه با شرکت یا بحساب شرکت میشود بطور مستقیم یا غیر مستقیم سهام شوند و در صورت اجازه باید صورت مخصوص آنرا همه ساله بمجمع عمومی بدهند.

ماده ۵۴ - مدیران هر شرکت سهامی باید شش ماه بشش ماه خلاصه صورت دارائی و قروض شرکت را مرتب کرده بمفتشین بدهند.

ماده ۵۵ - مدیران هر شرکت سهامی باید مطابق ماده (۹) این قانون صورت حسابیکه متضمن دارائی منقول و غیر منقول و همچنین صورت مطالبات و قروض شرکت باشد مرتب کنند - این صورت حساب و همچنین بیلان حساب نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهل روز قبل از انعقاد مجمع عمومی به مفتشین داده شود که بمجمع مزبور بدهند.

ماده ۵۶ -از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم میتواند در مرکز شرکت بصورت حساب و صورت اسامي صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیلان که متضمن خلاصه صورت حساب شرکت است و از راپورت مفتشین سواد بگیرد.

ماده ۵۷ -همه ساله لااقل يك بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد - همینکه سرمایه احتیاطی بعشر سرمایه شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است.

ماده ۵۸ -اگر بواسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از میان برود مدیران شرکت مکلفند تمام صاحبان سهام را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی شود - تصمیم این مجمع در هر حال منتشر خواهد شد.

ماده ۵۹ -هر گاه مدیران شرکت برخلاف ماده فوق مجمع عمومی را دعوت نکردند و یا مجمعی که دعوت میشود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذیحقی میتواند انحلال شرکت را از محاکم صالحه بخواهد.

ماده ۶۰ -هر گاه يك یا چند نفر از ارباب سهامی که مجموع سهام آنها لااقل معادل يك خمس سرمایه شرکت باشد کتباً تقاضای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده نمایند و منظور خود را در آن تقاضانامه تصریح نموده باشند باید مجمع عمومی بطور فوق العاده منعقد شود.

ماده ۶۱ -مدیرهای شرکت در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تقصیراتی که در اعمال اداری شرکت مرتکب شوند موافق قواعد عمومی مسئول میباشند مخصوصاً در موقعیکه منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری نکنند.

ماده ۶۲ -مجمع عمومی سالیانه يك یا چند مفتش (کمیسر) معین میکند - مفتشین مزبور که ممکن است از غیر شرکاء نیز انتخاب شوند مأموریت خواهند داشت که در موضوع اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیلان (خلاصه جمع و خرج) و صورت حسابهاییکه مدیرها تقدیم میکنند راپرتی بمجمع عمومی سال آینده بدهند - تصمیماتی که بدون این راپرت راجع بتصدیق بیلان و صورت حسابهای مدیران اخذ میشود معتبر نخواهد بود - در صورتیکه مجمع عمومی مفتشین مذکور را معین نکرده باشد یا يك یا چند نفر از مفتشینی که معین شده اند نتوانند راپرت بدهند یا ازدادن راپرت امتناع نمایند رئیس محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت

بتقاضای هر ذیحقی و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین را انتخاب و یا بجای آنهایی که نتوانسته‌اند یا امتناع کرده‌اند مفتشین جدیدی معین میکند.

ماده ۶۳ - در ظرف سه ماه قبل از تاریخی که بموجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی معین است مفتشین میتوانند بدفاتر شرکت مراجعه نموده و از عملیات آن تحقیقاتی بنمایند مفتشین میتوانند در مواقعی که ضرورت فوری دارد مجمع عمومی را دعوت نمایند.

ماده ۶۴ - حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع بحدود مسئولیت [مسئولیت] وکلاء و اثرات آن در مقابل موکلین قانوناً معین است.

ماده ۶۵ - مجمع عمومی شرکت باید لااقل سالی یک دفعه در موقعی که بموجب اساسنامه معین است منعقد شود.

ماده ۶۶ - اساسنامه معین میکند برای حق ورود در مجمع چند سهم (بعنوان وکالت یا مالکیت) باید داشت.

ماده ۶۷ - عده آرائی که هر یک از شرکاء به نسبت عده سهام خود دارند بموجب اساسنامه معین میگردد.

ماده ۶۸ - در جلسات مجمع عمومی هیچکدام از صاحبان سهام معمولی و صاحبان سهام ممتاز از حیث رأی تفاوتی ندارند مگر اینکه اساسنامه شرکت طور دیگر مقرر کرده باشد.

ماده ۶۹ - دارندگان سهامی که عده سهام هر یک از آن‌ها برای حضور یا رأی در مجمع عمومی کافی نیست میتوانند باندازه که مجموع عده سهام آنها برای داشتن حق حضور و رأی کافی باشد با یکدیگر متفق شده یک نفر را از میان خود برای حضور و رأی در مجمع مذکور معین نمایند.

ماده ۷۰ - در مجامع عمومی که برای رسیدگی بسهم‌الشرکه و مزایا مطابق ماده (۴۱) و در مجامعی که برای تعیین اولین مدیرها و مفتشین و تصدیق اظهارات مؤسسين مطابق ماده (۴۵) منعقد میشود کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامی که دارند میتوانند حضور بهم‌رسانند.

ماده ۷۱ - مجمع عمومی شرکت جز در موارد مذکور در مواد (۴۱ و ۴۵ و ۷۴) باید مرکب از یک عده صاحبان سهامی باشد که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند و

اگر در دفعه اول این حد نصاب حاصل نشد مجمع عمومی جدیدی مطابق شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تشکیل و تصمیمات این مجمع قطعی خواهد بود ولو اینکه حد نصاب فوق حاصل نشود.

ماده ۷۲ -تصمیمات مجمع عمومی باکثريت آراء خواهد بود.

ماده ۷۳ -در مواردیکه مجمع عمومی شرکاء نسبت بحقوق نوع مخصوصی از سهام تصمیمی نماید که تغییری در حقوق آنها بدهد آن تصمیم قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه صاحبان سهام مزبوره در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب نمایند و برای اینکه آراء جلسه خاص مذکور معتبرباشد باید حاضرین جلسه لااقل صاحب بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشد که موضوع مذاکره است.

ماده ۷۴ -در مجامع عمومی که برای امتداد مدت شرکت یا برای انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا هر نوع تغییر دیگری در اساسنامه تشکیل می شود باید عده از صاحبان سهام که بیش از سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر گردند. اگر در مجمع عمومی عده که سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر نشدند ممکن است مجمع عمومی جدیدی دعوت کرد مشروط بر اینکه لااقل یکماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی بفاصله هشت روز بوسیله یکی از جراید محل (که سالیانه از طرف وزارت عدلیه معین می شود) دستور جلسه قبل و نتیجه آن اعلان گردد.

مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل نصف سرمایه شرکت حاضر باشند اگر این حد نصاب حاصل نشد ممکن است با رعایت تشریفات فوق مجمع عمومی دیگری دعوت نمود این مجمع با حضور صاحبان لااقل ثلث سرمایه شرکت حق تصمیم خواهد داشت در هر يك از سه مجمع فوق تصمیمات باکثريت دو ثلث آراء حاضر گرفته می شود.

در این مجامع کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور و بنسبت هر يك سهم يك رأي دارند ولو اینکه اساسنامه برخلاف این مقرر داشته باشد. هیچ مجمع عمومی تابعیت شرکت را نمی تواند تغییر بدهد. بر تعهدات صاحبان سهام با هیچ اکثریتی نمی توان افزود.

ماده ۷۵ -در مجمع عمومی ورقه حاضر و غائبی خواهد بود حاوی اسم و محل اقامت و عده سهام هر يك از شرکاء ورقه مزبور پس از تصدیق هیئت رئیسه مجمع در مرکز شرکت حفظ و بهر کسی تقاضا نماید ارائه می شود.

ماده ۷۶ - هر گاه شرکت بخواهد بموجب مقررات اساسنامه سهام بی‌اسم خود را بسهم بااسم تبدیل نماید باید اعلانی در این موضوع منتشر کرده و مهلتی که کمتر از ششماه نباشد بصاحبان سهام بدهد تا در ظرف مهلت مزبور سهام خود را بسهم جدید تبدیل نمایند.

ماده ۷۷ - اعلان مذکور در فوق باید در مجله رسمی عدلیه و در یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت دو دفعه و بفاصله ده روز منتشرشود در صورتیکه مرکز اصلی شرکت در خارج از طهران باشد باید در یکی از روزنامه‌های یومیه طهران که همه‌ساله از طرف وزارت عدلیه برای انتشاراین قبیل اعلانات معین می‌شود نیز منتشر گردد. ابتداء مهلت از تاریخ اولین انتشار اعلان در مجله رسمی خواهد بود.

ماده ۷۸ - هر صاحب سهمی که سهام خود را تا انقضای مهلت مذکور در ماده (۷۶) بسهم جدید تبدیل نکند دیگر نمی‌تواند تقاضای تبدیل نماید و شرکت حق خواهد داشت سهام جدیدی را که در ازای سهام تبدیل نشده موجود می‌باشد باشخاص دیگر بطریق مزایده بفروشد.

ماده ۷۹ - قیمت سهامی که بطریق مذکور در فوق فروخته می‌شود در مرکز اصلی شرکت یا در بانک ملی ایران ودیعه گذاشته خواهد شد و هر گاه در ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام صاحب سهم سابق خود را نداده و وجهی را که بطریق فوق امانت گذاشته شده است مطالبه ننماید نسبت بحق او مرور زمان حاصل شده و وجه مزبور در حکم اموال بلاصاحب بوده و مدیر شرکت مکلف است آنرا بمقامات صلاحیتدار تسلیم نماید - هرمدیر شرکت که باین تکلیف عمل نکند بتأدیه سه برابر وجه مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۸۰ - در صورتیکه شرکت بخواهد سهام با اسم خود را بسهم بی‌اسم تبدیل نماید باید مراتب را بطریقی که فوقاً مقرر است یکمرتبه اعلان نماید و اگر در ظرف مهلتی که معین می‌شود و نباید کمتر از دو ماه باشد صاحبان سهام بااسم خود را بسهم بی‌اسم تبدیل نکنند سهام بااسمی که در دست آنها باقی می‌ماند باطل و سهام جدید در مرکز اصلی شرکت به اسم آنها ودیعه خواهد بود.

ماده ۸۱ - در هر موقع که شرکت بخواهد تصدیق‌های موقتی را که به اشخاص داده تبدیل بسهم کند در مورد تصدیق‌های موقتی بی‌اسم مطابق مقررات مواد (۷۶) و

(۷۷) و (۷۸) و (۷۹) و در مورد تصدیق موقتی با اسم مطابق ماده (۸۰) رفتار خواهد شد.

ماده ۸۲ - هر شرکت سهامی که مقررات یکی از مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۱ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۵۰ اینقانون را رعایت نکرده باشد از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود لیکن شرکاء نمیتوانند در مقابل اشخاص خارج باین بطلان استناد نمایند.

ماده ۸۳ - در هر مورد که موافق مقررات ماده قبل محکمه بر بطلان شرکت یا اعمال و تصمیمات آن حکم کند مؤسسینی که مسئول این بطلان هستند و همچنین مفتشین و مدیرهائی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده اند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از این بطلان بصاحبان سهام و اشخاص ثالثی متوجه میشود همین مسئولیت ممکن است بشرکائی متوجه شود که سهم غیر نقدی آنها تقویم و تصویب نشده یا مزایائی که مطالبه کرده اند بتصدیق نرسیده باشد.

ماده ۸۴ - هر گاه قبل از اقامه دعوی برای ابطال شرکت یا برای ابطال عملیات و قراردادهای شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دعوی ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۸۵ - اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یکسال منقضی شده و اشخاص خارج از جهت معاملاتی که با ایشان شده است باستناد اموری که موجب بطلان بوده دعوی خسارت نکرده باشند دیگر دعوی مزبور از آنها پذیرفته نمیشود.

ماده ۸۶ - هر گاه مقرر شده باشد که مجمع عمومی مخصوصی برای رفع موجبات بطلان منعقد شود و دعوت اعضاء نیز برای انعقاد مجمع موافق اساسنامه بعمل آمده باشد دعوی بطلان از تاریخ دعوت مجمع در محکمه پذیرفته نخواهد شد مگر اینکه مجمع مزبور موجبات بطلان را رفع ننماید.

ماده ۸۷ - هر گاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته و اقامه دعوی بطلان و خسارت نشده باشد دیگر دعوی مذکور پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۸۸ - استرداد منافع که بین شرکاء تقسیم شده ممکن نیست مگر اینکه تقسیم بدون ترتیب صورت دارائی یا مخالف نتیجه حاصل از صورت مزبور بعمل

آمده باشد در اینصورت نیز فقط تا پنجسال اقامه دعوی استرداد میتوان نمود.
مبداءِ مرور زمان روز تقسیم منافع است.

ماده ۸۹ - هر کس سهام یا قطعات سهام شرکتی را که در مورد آن یکی از مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۶ - ۴۴ - ۳۹ - ۳۸ - ۳۷ و ۵۰ این قانون رعایت نشده صادر نماید به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی علاوه بر خسارات وارده بشرکت یا افراد محکوم خواهد شد. در مواردیکه عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی است مرتکب بمجازات مقرر در آن ماده نیز محکوم میشود.

ماده ۹۰ - حکم فوق درباره اشخاصی نیز مقرر است که برخلاف واقع خود را صاحب سهام یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رأی شرکت نمایند و یا سهامی را برای اینکه بطور تقلب استعمال شود بدیگری بدهند. در مورد این ماده علاوه بر جزای نقدی متخلف را میتوان بیک تا ششماه حبس تأدیبی نیز محکوم نمود.

ماده ۹۱ - هر کس سهام یا قطعات سهامی را که در مورد آن ها مقررات یکی از مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ و ۳۹ رعایت نشده با علم بعدم رعایت قانون معامله کرده یا شرکت در معامله داشته و یا قیمت آنها را اعلان نموده باشد به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی باشد مرتکب بمجازات حبس مذکور در آن ماده نیز محکوم شود.

ماده ۹۲ - اشخاص ذیل کلاه بردار محسوب میشوند:

- اهر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد ابتیاع سهام یا تأدیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تأدیه را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وادار بتعهد خرید سهام یا تأدیه قیمت سهام نماید اعم از اینکه عملیات مذکور مؤثر شده یا نشده باشد.
- ۲هر کس بطور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام اسم اشخاصی را برخلاف واقع بعنوانی از عناوین جزء شرکت قلمداد نماید.
- ۳مدیرهایی که با نبودن صورت دارائی یا باستناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

ماده ۹۳ - شرکت سهامی در موارد ذیل منحل میشود:

- اوقتیکه شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.

- ۲ وقتیکه شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.
- ۳ در صورتیکه شرکت ورشکست شود.
- ۴ در صورت تصمیم مجمع عمومی.

مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود

ماده ۹۴ - شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتي تشکیل شده و هر يك از شركاء بدون اینکه سرمایه سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.

ماده ۹۵ - در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچیک از شركاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده ۹۶ - شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل میشود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ - در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام بچه میزان تقویم شده است.

ماده ۹۸ - شركاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۹۹ - مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.

ماده ۱۰۰ - هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شركاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد باین بطلان ندارند.

ماده ۱۰۱ - اگر حکم بطلان شرکت با استناد ماده قبل صادر شود شركائي که بطلان مستند بعمل آنها است و هیئت نظار و مدیرهائی که در حین حدوث سبب بطلان یا

بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

ماده ۱۰۲ - سهم‌الشرکه شرکاء نمی‌تواند بشکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از بااسم یا بی‌اسم و غیره درآید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل بغیر نمود مگر با رضایت عده از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددي نیز داشته باشند.

ماده ۱۰۳ - انتقال سهم‌الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سند رسمي.

ماده ۱۰۴ - شرکت با مسئولیت محدود بوسیله يك یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودي معین میشوند اداره میگردد.

ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجعه بشرکت باید با اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود - اگر در دفعه اولی این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در اینصورت تصمیمات با اکثریت عددي شرکاء اتخاذ میشود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت میتواند ترتیبي برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷ - هر يك از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۱۰۸ - روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است - اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور بنسبت سرمایه شرکاء بعمل خواهد آمد.

ماده ۱۰۹ - هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظر بوده و هیئت مزبور لااقل سالی یکمرتبه مجمع عمومي

شرکاء را تشکیل دهد.
هیئت نظر باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است.
هیئت نظر میتواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید
مقررات مواد ۱۶۵ - ۱۶۷ - ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۱۱۰ - شرکاء نمیتوانند تابعیت شرکت را تغییر دهند مگر باتفاق آراء.

ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع با اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۱۲ - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمیتواند شریکی را مجبور بازدياد سهم الشرکه خود کند.

ماده ۱۱۳ - مفاد ماده ۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت های با مسئولیت محدود نیز لازم الرعایه است.

ماده ۱۱۴ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل میشود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳.

ب) در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج) در صورتیکه بواسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق میگیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د) در مورد فوت یکی از شرکاء اگر بموجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.

ماده ۱۱۵ - اشخاص ذیل کلاه بردار محسوب میشوند:

الف) مؤسسين و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ب) کسانی که بوسیله متقلبانه سهم الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارائی یا باستناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی

ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل میشود : اگر دارائی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر يك از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

هر قراري که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم يك نفر شرکاء ذکر شود.

در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکائی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.

ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل میشود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۹ - در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم الشرکه بین شرکاء تقسیم میشود مگر آنکه شرکتنامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰ - در شرکت تضامنی شرکاء باید لااقل يك نفر از میان خود یا از خارج بسمت مدیری معین نمایند.

ماده ۱۲۱ - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده.

ماده ۱۲۲ - در شرکتهای تضامنی اگر سهم الشرکه يك یا چند نفر غیر نقدی باشد باید سهم الشرکه مزبور قبلاً بتراضی تمام شرکاء تقویم شود.

ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامنی هیچیک از شرکاء نمیتواند سهم خود را بدیگری منتقل کند مگر برضایت تمام شرکاء.

ماده ۱۲۴ - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت میتوانند برای وصول مطالبات خود بهر يك از شركاء که بخواهند و یا بتمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچيك از شركاء نمیتواند باستناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز مینماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بین شركاء مسئولیت هر يك از آنها در تأدیه قروض شرکت بنسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنهم در صورتی که در شرکتنامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۵ - هر کس بعنوان شريك ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شركاء مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شركاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۲۶ - هر گاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارائی آن تأدیه نشده هیچيك از طلبکاران شخصی شركاء حقی در آن دارائی نخواهد داشت اگر دارائی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شركاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شركاء حق تقدم نخواهند داشت.

ماده ۱۲۷ - ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز میتواند حکم داد مشروط باینکه دارائی شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده ۱۲۸ - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شركاء و ورشکستگی بعضی از شركاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده ۱۲۹ - طلبکاران شخصی شركاء حق ندارند طلب خود را از دارائی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی میتوانند نسبت بسهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است بمدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد بعمل آورند.

طلبکاران شخصی شركاء در صورتیکه نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل شش ماه قبل قصد

خود را بوسیله اظهارنامه رسمی باطلاع شرکت رسانیده باشند در اینصورت شرکت یا بعضی از شرکاء می توانند مادام که حکم نهائی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب دائنین مزبور تا حد دارائی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان بطریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده ۱۳۰ - نه مدیون شرکت می تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او بشرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید معذالك کسی که طلبکار شرکت و مدیون یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده ۱۳۱ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتیکه یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء بموجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکاء می توانند سهمی آن شریک را از دارائی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۱۳۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشریکه شرکاء کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر نوع منفعت بشرکاء ممنوع است.

ماده ۱۳۳ - جز در مورد فوق هیچ يك از شرکاء را شرکت نمی تواند بتکمیل سرمایه که بعلت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید بیش از آنچه که در شرکتنامه مقرر شده است بشرکت سرمایه دهد.

ماده ۱۳۴ - هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء (بحساب شخصی خود یا بحساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و یا بعنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامنی می تواند با تصویب تمام شرکاء بشرکت سهامی مبدل گردد در اینصورت رعایت تمام مقررات راجعه بشرکت سهامی حتمی است.

ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می شود:

(الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳.

(ب) در صورت تراضی تمام شرکاء:

(ج) در صورتی که یکی از شرکاء بدلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و

محکمه آن دلائل را موجّه دانسته و حکم بانحلال بدهد.
(د) در صورت فسخ يکي از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷.
(هـ) در صورت ورشکستگی يکي از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸.
(و) در صورت فوت يا محجوريت يکي از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.

تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلائل انحلال منحصراً مربوط بشريك يا شرکاء معينی باشد محکمه مي‌تواند بتقاضاي ساير شرکاء بجاي انحلال حکم اخراج آن شريك يا شرکاي معين را بدهد.

ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتي ممکن است که در اساسنامه اين حق از شرکاء سلب نشده و ناشي از قصد اضرار نباشد - تقاضاي فسخ بايد شش ماه قبل از فسخ کتباً بشركاء اعلام شود.
اگر موافق اساسنامه بايد سال بسال بحساب شرکت رسيدگي شود فسخ در موقع ختم محاسبه ساليانه بعمل مي‌آيد.

ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی يکي از شرکاء انحلال وقتي صورت مي‌گيرد که مدير تصفيه کتباً تقاضاي انحلال شرکت را نموده و از تقاضاي مزبور ششماه گذشته و شرکت مدير تصفيه را از تقاضاي انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹ - در صورت فوت يکي از شرکاء بقاء شرکت موقوف برضايت ساير شرکاء و قائم مقام متوفي خواهد بود - اگر ساير شرکاء بقاء شرکت تصميم نموده باشند قائم مقام متوفي بايد در مدت يکماه از تاريخ فوت رضايت يا عدم رضايت خود را راجع ببقاء شرکت کتباً اعلام نمايد در صورتيکه قائم مقام متوفي رضايت خود را اعلام نمود نسبت باعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شريك خواهد بود ولي در صورت اعلام عدم رضايت در منافع حاصله در مدت مذکور شريك بوده و نسبت بضرر آن مدت سهيم نخواهد بود.
سکوت تا انقضاي يکماه در حکم اعلام رضايت است.

ماده ۱۴۰ - در مورد محجوريت يکي از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم - در شرکت مختلط غير سهامی

ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غيرسهامي شرکتي است که براي امور تجارتي در تحت اسم مخصوصي بين يك يا چند نفر شريك ضامن و يك يا چند نفر شريك با

مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود - شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت اوفقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکتنامه خواهد بود.

ماده ۱۴۳ - هر یک از شرکاء با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.

ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیر سهامی بعهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است.

ماده ۱۴۵ - شریک با مسئولیت محدود نه بعنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است.

ماده ۱۴۶ - اگر شریک با مسئولیت محدود معامله برای شرکت کند - در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را بسمت وکالت از طرف شرکت انجام میدهد.

ماده ۱۴۷ - هر شریک با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و میتواند از روی دفاتر اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع بوضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۴۸ - هیچ شریک با مسئولیت محدود نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود باو داخل در شرکت کند.

ماده ۱۴۹ - اگر يك يا چند نفر از شركاء با مسئوليت محدود حق خود را در شركت بدون اجازه سايرين كلاً يا بعضاً بشخص ثالثي واگذار نمايند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شركت و نه حق تفتيش در امور شركت را خواهد داشت.

ماده ۱۵۰ - در مورد تعهداتي كه شركت مختلط غيرسهامي ممكن است قبل از ثبت شركت كرده باشد شريك با مسئوليت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حكم شريك ضامن خواهد بود مگر ثابت نمايد كه اشخاص مزبور از محدود بودن مسئوليت او اطلاع داشته‌اند.

ماده ۱۵۱ - شريك ضامن را وقتي ميتوان شخصاً براي قروض شركت تعقيب نمود كه شركت منحل شده باشد.

ماده ۱۵۲ - هر گاه شركت بطريقي غير از ورشكستگي منحل شود و شريك با مسئوليت محدود هنوز تمام يا قسمتي از سهم الشركه خود را نپرداخته و يا پس از تأديه مسترد داشته است طلبكاران شركت حق دارند معادل آنچه كه از بابت سهم الشركه باقي مانده است مستقيماً بر عليه شريك با مسئوليت [مسئوليت] محدود اقامه دعوي نمايند. اگر شركت ورشكست شود حق مزبور را مدير تصفيه خواهد داشت.

ماده ۱۵۳ - اگر در نتيجه قرارداد با شركاء ضامن و يا در اثر برداشت قبلي از سرمايه شركت شريك با مسئوليت محدود از سهم الشركه خود كه به ثبت رسيده است بكاھد اين تقليل مادام كه به ثبت نرسيده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شركت‌ها منتشر نشده است در مقابل طلبكاران شركت معتبر نبوده و طلبكاران مزبور ميتوانند براي تعهداتي كه از طرف شركت قبل از ثبت و انتشار تقليل سرمايه بعمل آمده است تأديه همان سرمايه اوليه شريك با مسئوليت محدود را مطالبه نمايند.

ماده ۱۵۴ - بشريك با مسئوليت محدود فرع نميتوان داد مگر در صورتي كه موجب كسر سرمايه او در شركت نشود.

اگر در نتيجه ضررهائي وارده سهم الشركه شريك با مسئوليت محدود كسر شد مادام كه اين كمبود جبران نشده تأديه هر ربح يا منفعتي باو ممنوع است. هر گاه وجهي برخلاف حكم فوق تأديه گرديد شريك با مسئوليت محدود تا معادل وجه دريافتي مسئول تعهدات شركت است مگر در مورديكه با حسن نيت و باعتبار بيلان مرتبي وجهي گرفته باشد.

ماده ۱۵۵ - هر کس بعنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم‌الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۵۶ - اگر شرکت مختلط غیرسهامی ورشکست شود دارائی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند - سهم الشرکه شرکاء با مسئولیت محدود نیز جزو دارائی شرکت محسوب است.

ماده ۱۵۷ - اگر دارائی شرکت برای تأدیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارائی شخصی تمام یا هر یک از شرکاء ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء ضامن تفاوتی نخواهد بود.

ماده ۱۵۸ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء با مسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود.

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکت‌های مختلط غیر سهامی نیز لازم‌الرعايه است.

ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع بشرکتهای تضامنی است.

ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت‌های مختلط غیر سهامی نیز جاری است. مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمیشود.

مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی

ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عده شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل میشود. شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها بصورت سهام یا قطعات سهام متساوی‌القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت

دارند.

شريك ضامن كسي است كه سرمايه او بصورت سهام در نيامده و مسئول كليۀ قروضي است كه ممكن است علاوه بر دارائي شركت پيدا شود در صورت تعدّد شريك ضامن مسئوليت آنها در مقابل طلبكاران و روابط آنها با يكدیگر تابع مقررات شركت تضامني خواهد بود.

ماده ۱۶۳ - در اسم شركت بايد عبارت (شركت مختلط) و لاقل اسم يكي از شركاء ضامن قيد شود.

ماده ۱۶۴ - مديریت شركت مختلف سهامی مخصوص به شريك يا شركاء ضامن است.

ماده ۱۶۵ - در هر يك از شركت هاي مختلط سهامی هیئت نظاري لاقل مركب از سه نفر از شركاء برقرار میشود و این هیئت را مجمع عمومي شركاء بلافاصله بعد از تشكيل قطعي شركت و قبل از هر اقدامي در امور شركت معين میکند انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شركت تجديد میشود در هر صورت اولین هیئت نظر براي يكسال انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۶۶ - اولین هیئت نظر بايد بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقيق کرده و اطمینان حاصل کند كه تمام مقررات مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۱ و ۵۰ این قانون رعایت شده است.

ماده ۱۶۷ - اعضاء هیئت نظر از جهت اعمال اداري و نتایج حاصله از آن هیچ مسئوليتي ندارند لیکن هر يك از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود میباشند.

ماده ۱۶۸ - اعضاء هیئت نظر دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شركت را تحت تدقیق در آورده همه ساله راپورتي بمجمع عمومي میدهند و هر گاه در تنظیم صورت دارائي بي ترتیبي و خطائي مشاهده نمایند در راپورت مزبور ذکر نموده و اگر مخالفتي با پیشنهاد مدير شركت در تقسیم منافع داشته باشند دلائل خود را بیان میکنند.

ماده ۱۶۹ - هیئت نظر میتواند شركاء را براي انعقاد مجمع عمومي دعوت نماید و با موافقت رأي مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شركت را منحل کند.

ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی میتواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارائی و راپورت هیئت نظار اطلاع حاضر کند.

ماده ۱۷۱ - ورشکستگی هیچیک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸.

ماده ۱۷۲ - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاری است.

ماده ۱۷۳ - هر گاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول میکند.

ماده ۱۷۴ - اگر شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شد هر يك از طلبکاران شرکت میتواند بهر يك از شرکاء سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نماید مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع بهیچیک از شرکاء سهامی ندارند.

ماده ۱۷۵ - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارائی آن تأدیه نشده طلبکاران شخصی شرکاء ضامن حقی به دارائی شرکت ندارند.

ماده ۱۷۶ - مفاد مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۱ و ۵۰ شامل شرکتهای مختلط سهامی است.

ماده ۱۷۷ - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۹ و ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نمی توانند در مقابل اشخاص خارج باین بطلان استناد نمایند.

ماده ۱۷۸ - هر گاه شرکت بر حسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰۱ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۷۹ - مفاد مواد ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ این قانون در مورد شرکت های مختلط نیز باید رعایت شود.

ماده ۱۸۰ - مفاد مواد ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ و ۹۲ این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم‌الرعايه است.

ماده ۱۸۱ - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل میشود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳.

ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد.

ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن.

د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.

ماده ۱۸۲ - هر گاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم بانحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع بانحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال را موجّه ببیند حکم بانحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن بدلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلائل را موجّه ببیند.

مبحث ششم - شرکت نسبی

ماده ۱۸۳ - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر يك از شرکاء بنسبت سرمایه‌ایست که در شرکت گذاشته.

ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) و لااقل اسم یکنفر از شرکاء باید ذکر شود - در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شریک یا شرکائی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکاء) (و برادران) ضروری است.

ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازم‌الرعايه است.

ماده ۱۸۶ - اگر دارائی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر يك از شرکاء بنسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت است.

ماده ۱۸۷ - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند با رعایت ماده فوق بفرد فرد شرکاء مراجعه کنند.

ماده ۱۸۸ - هر کس بعنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود بنسبت سرمایه که در شرکت میگذارد مسئول قروضی هم‌خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت باشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاء که بنسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت های نسبی نیز جاری است.

مبحث هفتم

شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف

ماده ۱۹۰ - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عدة از ارباب حرف تشکیل میشود و شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس بکار میبرند.

ماده ۱۹۱ - اگر در شرکت تولید یک عده از شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لااقل دو ثلث اعضاء اداره کننده شرکت باید از شرکائی انتخاب شوند که حرفه آن‌ها موضوع عملیات شرکت است.

ماده ۱۹۲ - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل میشود:
- فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبوره را شرکاء ایجاد کرده یا خریده باشند.
- تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء بنسبت خرید هر یک از آنها.

ماده ۱۹۳ - شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد ۳۲ - ۳۳ لازم‌الرعايه است.

ماده ۱۹۴ - در صورتیکه شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچیک از شرکاء نمیتوانند در مجمع عمومی بیش از یک رأی داشته باشد.

فصل دوم

در مقررات راجعه بثبت شرکته‌ها و نشر شرکتنامه‌ها

ماده ۱۹۵ - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در اینقانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکته‌ها است.

ماده ۱۹۶ - اسناد و نوشتجاتی که برای بثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارتعدلیه معین میشود.

ماده ۱۹۷ - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکتنامه و منضمّات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.

ماده ۱۹۸ - اگر بعلت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شد هیچیک از شرکاء نمیتوانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده‌اند عذر قرار دهند.

ماده ۱۹۹ - هر گاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ باید بقسمیکه در نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.

ماده ۲۰۰ - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردیکه انحلال بواسطه انقضای مدت شرکت صورت میگیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم‌الرعايه است. همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت بمورد معین در ماده ۷۹ این قانون اتخاذ میشود رعایت خواهد شد.

ماده ۲۰۱ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۳۰، ۳۰۳) - در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که بطور خطی یا چاپی از طرف شرکت های مذکور در این قانون باستثنای شرکتهای تعاونی صادر میشود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود - شرکت متخلف بجزای نقدی از ۳۳/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهد

شد .

تبصره -شرکتهای خارجی نیز که بوسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال بتجارت دارند در مورد اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

فصل سوم

در تصفیه امور شرکتهای

ماده ۲۰۲ -تصفیه امور شرکتهای پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط بورشکستگی است.

ماده ۲۰۳ -در شرکت های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیرسهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آنکه شرکاء ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۴ -اگر از طرف يك يا چند شريك ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکاء ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد.

ماده ۲۰۵ -در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.

ماده ۲۰۶ -در شرکتهای مختلط (سهامی و غیر سهامی) شرکاء غیر ضامن حق دارند يك يا چند نفر برای نظارت در امر تصفیه معین نمایند.

ماده ۲۰۷ -وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن بکارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت است بترتیب مقرر در مواد ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ و ۲۱۲.

ماده ۲۰۸ -اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ -متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا بتوسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند.

ماده ۲۱۰ -متصدي تصفيه وقتي حق اصلاح و تعيين حكم دارد كه شركاء ضامن باو اجازه داده باشند - مواردی که بحکم قانون حکمیت اجباری است از اینقاعده مستثنی است.

ماده ۲۱۱ -آن قسمت از دارائی شرکت که در مدت تصفيه محل احتیاج نیست بطور موقت بین شركاء تقسیم میشود ولي متصدیان تصفيه باید معادل قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شركاء مورد اختلاف است موضوع نمایند.

ماده ۲۱۲ -متصدیان تصفيه حساب شركاء را نسبت بهم و سهم هر يك از شركاء را از نفع و ضرر معین میکنند - رفع اختلاف در تقسیم بمحکمه بدایت رجوع می شود.

ماده ۲۱۳ -در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفيه بعهدہ مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۱۴ -وظیفه و اختیارات متصدیان تصفيه در شرکت سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و تعاونی بترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفيه این شرکتهای (باستثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را بآنها داده باشد.

ماده ۲۱۵ -تقسیم دارائی شرکتهای مذکور در ماده فوق بین شركاء خواه در ضمن مدت تصفيه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن که قبلاً سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یکسال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده ۲۱۶ -تخلف از ماده قبل متصدیان تصفيه را مسئول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که بطلب خود نرسیده اند.

ماده ۲۱۷ -دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفيه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده ۲۱۸ - هر شرکتي مجاز است در اساسنامه خود براي تصفيه ترتيب ديگري مقرر دارد ولي در هر حال آن مقررات نبايد مخالف مواد ۲۰۷ - ۲۰۸ ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ و قسمت اخير ماده ۲۱۱ باشد.

فصل چهارم - مقررات مختلفه

ماده ۲۱۹ - مدت مرور زمان در دعاوي اشخاص ثالث بر عليه شركاء يا وراث آنها راجع بمعاملات شركت (در مواردیکه قانون شركاء يا وراث آنها را مسئول قرار داده) پنجسال است.

مبداء مرور زمان روزي است که انحلال شركت يا کناره گيري شريك يا اخراج او از شركت در اداره ثبت ثبت رسیده و در مجله رسمي اعلان شده باشد. در صورتي که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزي شروع مي شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده.

تبصره - دعوائی که سنخاً تابع مرور زمان کوتاه تري بوده يا بموجب اينقانون مرور زمان طولاني تري براي آن معين شده از مقررات اين ماده مستثني است.

ماده ۲۲۰ (اصلاحي ۱۴۰۳، ۰۳، ۳۰) - هر شركت ايراني که فعلاً وجود داشته يا در آتیه تشكيل شود و با اشتغال بامور تجارتي خود را بصورت يکي از شرکتهای مذکور در اين قانون در نياورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شركت عمل ننمايد شركت تضامني محسوب شده و احکام راجع بشرکتهای تضامني در مورد آن اجرا میگردد. هر شركت تجارتي ايراني مذکور در اين قانون و هر شركت خارجي که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف بثبت است بايد درکليه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطي يا چاپي خود در ايران تصريح نمايد که در تحت چه نمره در ايران به ثبت رسیده و الا محکوم بجزاي نقدي از ۳۳/۰۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال خواهد شد - اين مجازات علاوه بر مجازاتي است که در قانون ثبت شرکتهای براي عدم ثبت مقرر شده .

ماده ۲۲۱ - اگر شركت سهام يا اوراق استقراضي داشته باشد که مطابق اساسنامه شركت يا تصميم مجمع عمومي قيمت آنها بطريق قرعه بايد تأديه شود و قبل از تأديه قيمت آن سهام يا اوراق مناعی که به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شركت در موقع تأديه اصل قيمت نمي تواند منافع تأديه شده را استرداد نمايد.

ماده - ۲۲۲ هر شرکت تجارتي مي تواند در اساسنامه خود قيد کند که سرمايه اوليه خود را بوسيله تأديه اقساط بعدي از طرف شرکاء يا قبول شريك جديد زياد کرده و يا بواسطه برداشت از سرمايه آن را تقليل دهد.
در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان مي توان سرمايه اوليه را تقليل داد صراحتاً معين مي شود.
کمتر از عشر سرمايه اوليه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است.

باب چهارم

برات - فته طلب - چک

فصل اول - برات

مبحث اول - صورت برات

ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضاء يا مهر برات دهنده بايد داراي شرايط ذيل باشد:
(۱) قيد کلمه (برات) در روي ورقه.
(۲) تاريخ تحرير (روز و ماه و سال)
(۳) اسم شخصي که بايد برات را تأديه کند.
(۴) تعيين مبلغ برات.
(۵) تاريخ تأديه وجه برات.
(۶) مکان تأديه وجه برات اعم از اينکه محل اقامت محال عليه باشد يا محل ديگر.
(۷) اسم شخصي که برات در وجه يا حواله کرد او پرداخته مي شود.
(۸) تصريح باینکه نسخه اول يا دوم يا سوم يا چهارم الخ است.

ماده ۲۲۴ - برات ممکن است بحواله کرد شخص ديگر باشد يا بحواله کرد خود برات دهنده.

ماده ۲۲۵ - تاريخ تحرير و مبلغ برات با تمام حروف نوشته مي شود.
اگر مبلغ بيش از يکدفعه بتمام حروف نوشته شده و بين آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بين آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.

ماده ۲۲۶ - در صورتيکه برات متضمن يکي از شرايط اساسي مقرر در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ و ۷ و ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.

ماده ۲۲۷ - برات ممکن است بدستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم - در قبول و نکول

ماده ۲۲۸ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می شود.

در صورتیکه برات بوعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد - اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات رؤیت حساب می شود.

ماده ۲۲۹ - هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد. اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. در صورتیکه محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می شود.

ماده ۲۳۰ - قبول کننده برات ملزم است وجه آنرا سر وعده تأدیه نماید.

ماده ۲۳۱ - قبول کننده حق نکول ندارد.

ماده ۲۳۲ - ممکن است قبولی منحصر بیک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید.

ماده ۲۳۳ - اگر قبولی مشروط بشرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی مع هذا قبول کننده بشرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.

ماده ۲۳۴ - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تأدیه شود تصریح ب مکان تأدیه ضروری است.

ماده ۲۳۵ - برات باید بمحض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

ماده ۲۳۶ - نکول برات باید بموجب تصدیق نامه که رسماً تنظیم میشود محقق گردد - تصدیق نامه مزبور موسوم است باعتراض (پروتست) نکول.

ماده ۲۳۷ - پس از اعتراض نکول ظهرنویسها و برات دهنده بتقاضای دارندة برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را بانضمام مخارج اعتراضنامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.

ماده ۲۳۸ - اگر بر علیه کسی که براتی قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود دارندة براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آنرا بنحو دیگری تضمین کند.

مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث

ماده ۲۳۹ - هر گاه براتی نکول شد و اعتراض بعمل آمد شخص ثالثی میتواند آنرا بنام برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها قبول کند - قبولی شخص ثالث باید در اعتراضنامه قید شده بامضاء او برسد.

ماده ۲۴۰ - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تأدیه نشده کلیه حقوقی که برای دارندة برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهرنویسها حاصل میشود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم - در وعده برات

ماده ۲۴۱ - برات ممکن است برؤیت باشد یا بوعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رؤیت برات یا بوعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات - ممکن است پرداخت بروز معینی موکول شده باشد.

ماده ۲۴۲ - هر گاه برات بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.

ماده ۲۴۳ - موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رؤیت وعده دارد بوسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراضنامه نکول معین میشود.

ماده ۲۴۴ - اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد تعطیل تأدیه شود.

تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم - ظهرنویسی

ماده ۲۴۵ - انتقال برات بوسیله ظهرنویسی بعمل می‌آید.

ماده ۲۴۶ - ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد - ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات باو انتقال داده میشود قید گردد.

ماده ۲۴۷ - ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی‌الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت. جز در مواردیکه خلاف این در برات تصریح شده باشد.

ماده ۲۴۸ - هر گاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته میشود.

مبحث ششم - مسئولیت

ماده ۲۴۹ - برات‌دهنده - کسیکه برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا بچند نفر یا بتمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر يك از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد.

اقامه دعوی بر علیه يك یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع بسایر مسئولین برات نیست - اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.

ماده ۲۵۰ - هر يك از مسئولین تأدیه برات میتواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراضنامه و صورت‌حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کند.

ماده ۲۵۱ - هر گاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می‌تواند در هر يك از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید - مدیر تصفیه هیچیک از ورشکستگان نمی‌تواند برای وجهی که بصاحب چنین طلب پرداخته میشود بمدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجوهی

که از دارائی تمام ورشکستگان بصاحب طلب تخصیص می‌یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید بترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته‌اند - جزء دارائی ورشکستگان محسوب گردد که بسایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفري نیز که برای پرداخت يك دين مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم - در پرداخت

ماده ۲۵۲ - پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده بعمل می‌آید.

ماده ۲۵۳ - اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات را باو منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تأدیه اعتراض شود دارنده برات میتواند از دهنده برات یا انتقال دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.

ماده ۲۵۴ - برات بوعده باید روز آخر وعده پرداخته شود.

ماده ۲۵۵ - روز رؤیت در برواتی که بوعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی که بوعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده ۲۵۶ - شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت بوجه برات حقی دارند مسئول است.

ماده ۲۵۷ - اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرویسهای ماقبل خود و برات دهنده که بمهلت مزبور رضایت نداده‌اند حق رجوع نخواهد داشت.

ماده ۲۵۸ - شخصی که در سر وعده وجه برات را می‌پردازد بری‌الذمه محسوب میشود مگر آنکه وجه برات قانوناً در نزد او توقیف شده باشد.

ماده ۲۵۹ - پرداخت وجه برات ممکن است بموجب نسخه ثاني يا ثالث يا رابع الخ بعمل آيد در صورتيكه در روي آن نسخه قيد شده باشد كه پس از پرداخت وجه بموجب اين نسخه نسخ ديگر از اعتبار ساقط است.

ماده ۲۶۰ - شخصي كه وجه برات را بر حسب نسخه بپردازد كه در روي آن قبولي نوشته نشده در مقابل شخصي كه نسخه قبولي شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است.

ماده ۲۶۱ - در صورت گم شدن براتي كه هنوز قبول نشده است صاحب آن مي تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثاني يا ثالث يا رابع الخ تقاضا كند.

ماده ۲۶۲ - اگر نسخه مفقود نسخه باشد كه قبولي در روي آن نوشته شده تقاضي پرداخت از روي نسخه هاي ديگر فقط بموجب امر محكمه پس از دادن ضامن بعمل مي آيد.

ماده ۲۶۳ - اگر شخصي كه برات را گم کرده - اعم از اينكه قبولي نوشته شده يا نشده باشد ميتواند نسخه ثاني يا ثالث يا رابع الخ را تحصيل نمايد پس از اثبات اينكه برات متعلق باو است ميتواند با دادن ضامن تاديه وجه آنرا بموجب امر محكمه مطالبه كند.

ماده ۲۶۴ - اگر با وجود تقاضائي كه در مورد مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ و ۲۶۳ بعمل آمده است از تاديه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود ميتواند تمام حقوق خود را بموجب اعتراضنامه محفوظ بدارد.

ماده ۲۶۵ - اعتراضنامه مذکور در ماده فوق بايد در ظرف ۲۴ ساعت از تاريخ وعده برات تنظيم شده و در مواعد و بترتبي كه در اين قانون براي ابلاغ اعتراضنامه معين شده است به برات دهنده و ظهنويسها ابلاغ گردد.

ماده ۲۶۶ - صاحب برات مفقود براي تحصيل نسخه ثاني بايد بظهنويسي كه بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نمايد - ظهنويس مزبور ملزم است بصاحب برات اختيار مراجعه بظهنويس ماقبل خود داده و راهنمائي كند و همچنين هر ظهنويس بايد اختيار رجوع بظهنويس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد - مخارج اين اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود خواهد بود.
ظهنويس در صورت امتناع از دادن اختيار مسئول تاديه وجه برات و خساراتي است كه بر صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۲۶۷ - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع بمواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمان سه سال است و هر گاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.

ماده ۲۶۸ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود بهمان اندازه برات دهنده و ظهرنویسها بری می شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند.

ماده ۲۶۹ - محاکم نمی توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.

مبحث هشتم - تأدیه وجه برات بواسطه شخص ثالث

ماده ۲۷۰ - هر شخص ثالثی میتواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید - دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یا در ذیل آن قید شود.

ماده ۲۷۱ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.

ماده ۲۷۲ - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهرنویسها بری الذمه می شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها بعمل آید ظهرنویسهای بعد از او بری الذمه اند.

ماده ۲۷۳ - اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کس پذیرفته است که تأدیه وجه از طرف او عده زیادتري از مسئولین را بری الذمه میکند - اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تأدیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات

ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران برویت یا بوعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آنرا در ظرف یکسال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع بظهرنویسها و همچنین ببرات دهنده که وجه برات را بمحال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۵ -اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه براي تقاضاي قبولي مدت بيشتري يا كمترى مقرر شده باشد دارنده برات بايد در همان مدت قبولي برات را تقاضا نمايد و الا حق رجوع بظهرنويسها و برات‌دهنده كه وجه برات را بمحال‌عليه رسانيده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۶ -اگر ظهرنويسى براي تقاضاي قبولي مدتي معين كرده باشد دارنده برات بايد در مدت مزبور تقاضاي قبولي نمايد و الا در مقابل آن ظهرنويس نمى‌تواند از مقررات مربوطه ببروات استفاده كند.

ماده ۲۷۷ -هر گاه دارنده برات برؤيت يا بوعده كه در يكي از شهرهاي ايران صادر و بايد در ممالك خارجه تأديه شود در مواعد مقرر در مواد فوق قبولي نوشتن يا پرداخت وجه را مطالبه نكرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد.

ماده ۲۷۸ -مقررات فوق مانع نخواهد بود كه بين دارنده برات و برات‌دهنده و ظهرنويسها قرارداد ديگرى مقرر گردد.

ماده ۲۷۹ -دارنده برات بايد روز وعده وجه برات را مطالبه كند.

ماده ۲۸۰ -امتناع از تأديه وجه برات بايد در ظرف ده روز از تاريخ وعده بوسيله نوشته كه اعتراض عدم تأديه ناميده ميشود معلوم گردد.

ماده ۲۸۱ -اگر روز دهم تعطيل باشد اعتراض روز بعد آن بعمل خواهد آمد.

ماده ۲۸۲ -نه فوت محال‌عليه نه ورشكستگي او نه اعتراض نكولي دارنده برات را از اعتراض عدم تأديه مستغني نخواهد كرد.

ماده ۲۸۳ -در صورتيكه قبول كننده برات قبل از وعده ورشكست شود حق اعتراض براي دارنده برات باقي است.

ماده ۲۸۴ -دارنده براتيكه بعلت عدم تأديه اعتراض شده است بايد در ظرف ده روز از تاريخ اعتراض عدم تأديه را بوسيله اظهارنامه رسمي يا مراسله سفارشي دو قبضه بكسي كه برات را باو واگذار نموده اطلاع دهد.

ماده ۲۸۵ -هر يك از ظهرنويسها نيز بايد در ظرف ده روز از تاريخ دريافت اطلاع نامه فوق آنرا بهمان وسيله بظهرنويس سابق خود اطلاع دهد.

ماده ۲۸۶ (اصلاحي ۱۳۵۸، ۱۰، ۲۶) - اگر دارنده براتیکه بایستی در ایران تأدیه شود و بعلت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقي که ماده ۲۴۹ براي او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوي نماید .

تبصره - هر گاه محل اقامت مدعي عليه خارج از محلي باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود براي هر شش فرسخ يکروز اضافه خواهد شد.

ماده ۲۸۷ (اصلاحي ۱۳۵۸، ۱۰، ۲۶) - در مورد برواتیکه باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوي بر عليه برات دهنده و يا ظهنويس هاي مقيم ايران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید بعمل آید .

ماده ۲۸۸ - هر يك از ظهنويسها بخواهد از حقي که در ماده ۲۴۹ باو داده شده استفاده نماید باید در مواعدي که بموجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوي کند و نسبت باو موعد از فردي ابلاغ احضاريه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر عليه او اقامه دعوي شده باشد تأدیه نماید از فردي روز تأدیه محسوب خواهد شد.

ماده ۲۸۹ - پس از انقضاء مواعد مقرر در مواد فوق دعوي دارنده برات بر ظهنويسها و همچنين دعوي هر يك از ظهنويسها بر يد سابق خود در محکمه پذيرفته نخواهد شد.

ماده ۲۹۰ - پس از انقضاء مواعد فوق دعوي دارنده و ظهنويسهاي برات بر عليه برات دهنده نیز پذيرفته نمیشود مشروط بر اینکه برات دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را بمحال عليه رسانیده و در اينصورت دارنده برات فقط حق مراجعه بمحال عليه خواهد داشت.

ماده ۲۹۱ - اگر پس از انقضاء مواعي که براي اعتراض و ابلاغ اعتراضنامه يا براي اقامه دعوي مقرر است برات دهنده يا هر يك از ظهنويسها بطريق محاسبه يا عنوان ديگر وجهي را که براي تأدیه برات بمحال عليه رسانیده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر عليه دريافت کننده وجه اقامه دعوي نماید.

ماده ۲۹۲ - پس از اقامه دعوی محکمه مکلف است بمجرد تقاضای دارنده براتیکه بعلت عدم تأدیه اعتراض شده است معادل وجه برات را از اموال مدعی علیه بعنوان تأمین توقیف نماید.

مبحث دهم - در اعتراض (پروتست)

ماده ۲۹۳ - اعتراض در موارد ذیل بعمل می آید:

(۱) در مورد نکول.

(۲) در مورد امتناع از قبول یا نکول.

(۳) در مورد عدم تأدیه.

اعتراضنامه باید در يك نسخه تنظیم و بموجب امر محکمه بدایت بتوسط مأمور اجراء بمحل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود: (امحال علیه).

(۲) اشخاصیکه در برات برای تأدیه وجه عندالافتضاء معین شده اند.

(۳) شخص ثالثی که برات را قبول کرده است.

اگر در محلی که اعتراض بعمل می آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب بعهدده امین صلح یا رئیس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود.

ماده ۲۹۴ - اعتراضنامه باید مراتب ذیل را دارا باشد:

(۱) اسواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرونی و غیره.

(۲) امر بتأدیه وجه برات.

مأمور اجرا باید حضور یا غیاب شخصیکه باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تأدیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراضنامه قید و امضاء کند.

ماده ۲۹۵ - هیچ نوشته نمیتواند از طرف دارنده برات جایگیر اعتراضنامه شود مگر در موارد مندرجه در مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ و ۲۶۳ راجع بمفقودشدن برات.

ماده ۲۹۶ - مأمور اجرا باید اسواد صحیح اعتراضنامه را بمحل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد.

ماده ۲۹۷ - دفتر محکمه یا دفتر مقاماتیکه وظیفه محکمه را انجام میدهند باید مفاد اعتراضنامه را روز بروز بترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن بتوسط رئیس محکمه یا قائم مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند - در صورتیکه محل اقامت برات دهنده یا ظهرونیس اولی در روی برات قید شده باشد

دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تأدیه مستحضر سازد.

مبحث یازدهم - برات رجوعي

ماده ۲۹۸ - برات رجوعي براتي است که دارنده برات اصلي پس از اعتراض براي دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراضنامه و تفاوت نرخ بعهده برات‌دهنده يا يکي از ظهنويسها صادر میکند.

ماده ۲۹۹ - اگر برات رجوعي بعهده برات‌دهنده اصلي صادر شود تفاوت بين نرخ مکان تأدیه برات اصلي و نرخ مکان صدور آن بعهده او خواهد بود و اگر برات رجوعي بعهده يکي از ظهنويسها صادر شود مشارالیه باید از عهده تفاوت نرخ مکاني که برات اصلي را در آنجا معامله ياتسلیم کرده است و نرخ مکاني که براي رجوعي در آنجا صادر شده است برآید.

ماده ۳۰۰ - به برات رجوعي باید صورت حسابي (حساب بازگشت) ضمیمه شود - در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید میگردد:
(۱) اسم شخصي که برات رجوعي بعهده او صادر شده است.
(۲) مبلغ اصلي برات اعتراض شده.
(۳) مخارج اعتراضنامه و ساير مخارج معموله از قبیل حق‌العمل صراف و دلال و وجه تبر و مخارج پست و غیره.
(۴) مبلغ تفاوت نرخهاي مذکور در ماده (۲۹۹).

ماده ۳۰۱ - صورت حساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود بعلاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقي ازاعتراضنامه بصورت حساب مزبور ضمیمه گردد.

ماده ۳۰۲ - هر گاه برات رجوعي بعهده يکي از ظهنويسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ باید تصدیقنامه که تفاوت بين نرخ مکان تأدیه برات اصلي و مکان صدور آنرا معین نماید ضمیمه شود.

ماده ۳۰۳ - نسبت بیک برات صورت حساب بازگشت متعدد نمیتوان ترتیب داد و اگر برات رجوعي بعهده يکي از ظهنويسها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالیاً بتوسط ظهنويسها پرداخته میشود تا به برات دهنده اولي برسد.

تحميلات براتهاي رجوعي را نمیتوان تماماً بر یکنفر وارد ساخت - هر يك از
ظهرنویسها و برات دهنده اولي فقط عهده دار يك خرج است.

ماده ۳۰۴ - خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلي برات که بواسطه عدم تأدیه اعتراض
شده است از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات
رجوعي فقط از روز اقامه دعوي محسوب میشود.

مبحث دوازدهم - قوانین خارجی

ماده ۳۰۵ - در مورد برواتي که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسي برات تابع
قوانین مملکت صدور است.
هر قسمت از سایر تعهدات براتي (تعهدات ناشي از ظهرنویسي - ضمانت - قبولي و
غیره) نیز که در خارجه بوجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا
وجود پیدا کرده است.
معذالك اگر شرایط اساسي برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتي
موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد
باین ندارند که شرایط اساسي برات یا تعهدات براتي مقدم بر تعهد آنها مطابق با
قوانین خارجی نیست.

ماده ۳۰۶ - اعتراض و بطور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و
استفاده از آن در خارجه باید بعمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام
باید در آنجا بشود.

فصل دوم - در فته طلب

ماده ۳۰۷ - فته طلب سندی است که بموجب آن امضاء کننده تعهد میکند مبلغی
در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا بحواله کرد آن
شخص کارسازی نماید.

ماده ۳۰۸ - فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل
باشد:

(۱) مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف.

(۲) گیرنده وجه.

(۳) تاریخ پرداخت.

ماده ۳۰۹ -تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الي آخر فصل اول اين باب) در مورد فته طلب نیز لازم الرايه است.

فصل سوم -چك

ماده ۳۱۰ -چك نوشته ايست كه بموجب آن صادركننده وجوهي را كه در نزد محال عليه دارد كلاً يا بعضاً مسترد يا بديگري واگذار مينمايد.

ماده ۳۱۱ -در چك بايد محل و تاريخ صدور قيد شده و بامضاي صادركننده برسد - پرداخت وجه نبايد وعده داشته باشد.

ماده ۳۱۲ -چك ممكن است در وجه حامل يا شخص معين يا بحواله كرد باشد - ممكن است بصرف امضاء در ظهر بديگري منتقل شود.

ماده ۳۱۳ -وجه چك بايد بمحض ارائه كارسازي شود.

ماده ۳۱۴ -صدور چك ولو اينكه از محلي بمحل ديگر باشد ذاتاً عمل تجارتي محسوب نيست ليكن مقررات اين قانون از ضمانت صادركننده و ظهرنويس ها و اعتراض و اقامه دعوي ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چك نیز خواهد بود.

ماده ۳۱۵ -اگر چك در همان مكاني كه صادر شده است بايد تأديه گردد دارنده چك بايد در ظرف پانزده روز از تاريخ صدور وجه آنرا مطالبه كند واگر از يك نقطه به نقطه ديگر ايران صادر شده باشد بايد در ظرف چهل و پنج روز از تاريخ صدور چك مطالبه شود.

اگر دارنده چك در ظرف مواعد مذكوره در اين ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نكند ديگر دعوي او بر عليه ظهرنويس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چك بسببي كه مربوط بمحال عليه است از بين برود دعوي دارنده چك بر عليه صادركننده نیز در محكمه مسموع نيست.

ماده ۳۱۶ -كسي كه وجه چك را دريافت ميكند بايد ظهر آنرا امضاء يا مهر نمايد اگرچه چك در وجه حامل باشد.

ماده ۳۱۷ -مقررات راجعه به چك هائي كه در ايران صادر شده است در مورد چكهائي كه از خارجه صادر شده و بايد در ايران پرداخته شود نیز رعايت خواهد شد

- لیکن مهلتي که در ظرف آن دارنده چك مي تواند وجه چك را مطالبه کند چهار ماه از تاريخ صدور است.

فصل چهارم - در مرور زمان

ماده ۳۱۸ - دعاوي راجعه به برات و فته طلب و چك که از طرف تجار يا براي امور تجارتي صادر شده پس از انقضاي پنجسال از تاريخ صدور اعتراضنامه و يا آخرين تعقيب قضائي در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اينکه در ظرف اين مدت رسماً اقرار به دين واقع شده باشد که در اين صورت مبداء مرور زمان از تاريخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاريخ انقضائ مهلت اعتراض شروع ميشود.

تبصره - مفاد اين ماده در مورد بروات و چك و فته طلبهائي که قبل از تاريخ اجراي قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردين و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجرا نبوده و اين اسناد از حيث مرور زمان تابع مقررات مربوط بمرور زمان راجع باموال منقوله است.

ماده ۳۱۹ - اگر وجه برات يا فته طلب يا چك را نتوان بواسطه حصول مرور زمان پنجسال مطالبه کرد دارنده برات يا فته طلب يا چك مي تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آنرا از کسي که بضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نمايد.

تبصره - حکم فوق در موردی نیز جاري است که برات يا فته طلب يا چك يکي از شرايط اساسي مقرر در اين قانون را فاقد باشد.

باب پنجم - اسناد در وجه حامل

ماده ۳۲۰ - دارنده هر سند در وجه حامل مالك و براي مطالبه وجه آن محق محسوب ميشود مگر در صورت ثبوت خلاف. معذلك اگر مقامات صلاحيتدار قضائي يا پليس تأديه وجه آن سند را منع کند تأديه وجه بحامل مدیون را نسبت بشخص ثالثي که ممکن است سند متعلق باو باشد بري نخواهد کرد.

ماده ۳۲۱ - جز در موردیکه حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تأديه نیست مگر در مقابل اخذ سند.

ماده ۳۲۲ - در صورت گم شدن سند در وجه حامل که داراي ورقه‌هاي کوپن يا داراي ضميمه براي تجديد اوراق کوپن باشد و همچنين در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خود سند بدارنده آن حق مي‌دهد ربح يا منفعتي را مرتباً دريافت کند براي اصدار حکم بطلان مطابق ذيل عمل خواهد شد.

ماده ۳۲۳ - مدعي بايد در محکمه محل اقامت مديون معلوم نمايد سند در تصرف او بوده و فعلاً گم شده است.
اگر مدعي فقط اوراق کوپن يا ضميمه مربوط بسند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند کافي است.

ماده ۳۲۴ - اگر محکمه ادعاي مدعي را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست بايد بوسيله اعلان در جرايد بدارنده مجهول سند اخطار کند - هرگاه از تاريخ انتشار اولين اعلان تا سه سال سند را ابراز ننمود حکم بطلان آن صادر خواهد شد - محکمه ميتواند لذي الاقتضاء مدتي بيش از سه سال تعيين کند.

ماده ۳۲۵ - بتقاضاي مدعي محکمه ميتواند بمديون قدغن کند که وجه سند را بکسي نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن يا تأميني که محکمه تصويب نمايد.

ماده ۳۲۶ - در مورد گم شدن اوراق کوپن نسبت بکوپن‌هاي که در ضمن جريان دعوي لازم التاديه ميشود بترتيب مقرر در مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ عمل خواهد شد.

ماده ۳۲۷ - اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ بايد سه دفعه در مجله رسمي منتشر شود محکمه ميتواند بعلاوه اعلان در جرايد ديگر را نيز مقرر دارد.

ماده ۳۲۸ - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه بمدعي مهلت متناسبي داده و اخطار خواهد کرد که هر گاه تا انقضاي مهلت دعوي خود را تعقيب و دلائل خود را اظهار نکند محکوم شده و سند به ابراز کننده آن مسترد خواهد گرديد.

ماده ۳۲۹ - اگر در ظرف مدتیکه مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده ۳۳۰ - ابطال سند فوراً بوسيله درج در مجله رسمي و هر وسيله ديگري که محکمه مقتضي بداند به اطلاع عموم خواهد رسيد.

ماده ۳۳۱ - پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند بخرج او سند جدید یا لیدی الاقتضاء اوراق کوپن تازه باو بدهند. اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تأدیه خواهد داشت.

ماده ۳۳۲ - هر گاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده (۳۲۲) نباشد بترتیب ذیل رفتار خواهد شد:

محکمه در صورتیکه ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم میدهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتیکه حال باشد و پس از انقضای اجل - در صورت مؤجل بودن - بصندوق عدلیه بسپارد.

ماده ۳۳۳ - اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار و الا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده بمدعی داده میشود.

ماده ۳۳۴ - مقررات این باب شامل اسکناس نیست.

باب ششم - دلالتی

فصل اول - کلیات

ماده ۳۳۵ - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسیکه میخواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا میکند. اصولاً قرارداد دلالتی تابع مقررات راجع بوکالت است.

ماده ۳۳۶ - دلال میتواند در رشته‌های مختلف دلالتی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

ماده ۳۳۷ - دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالتی را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال در مقابل هر يك از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود میباشد.

ماده ۳۳۸ - دلال نمیتواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

ماده ۳۳۹ - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات باو داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط بشخص او نبوده است.

ماده ۳۴۰ - در موردیکه فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را ازاین قید معاف دارند.

ماده ۳۴۱ - دلال میتواند در زمان واحد برای چند آمر در يك رشته یا رشته‌های مختلف دلالي کند ولي در اینصورت باید آمرین را از این ترتیب وامور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأي آنها شود مطلع نماید.

ماده ۳۴۲ - هر گاه معامله بتوسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین بتوسط او رد و بدل شود در صورتیکه امضاها راجع باشخصی باشد که بتوسط او معامله را کرده‌اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاهای نوشتجات و اسناد مزبور است.

ماده ۳۴۳ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالي میکند و ضامن اجرای معاملاتی که بتوسط او می‌شود نیست.

ماده ۳۴۴ - دلال در خصوص ارزش یا جنس مالالتجاره که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.

ماده ۳۴۵ - هر گاه طرفین معامله یا یکی از آنها باعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.

ماده ۳۴۶ (اصلاحی ۱۴۰۳، ۳۰، ۳۰۳) - در صورتیکه دلال در نفس معامله منتفع یا سهام باشد باید بطرفی که این نکته را نمیداند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ تا ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد .

ماده ۳۴۷ - در صورتیکه دلال در معامله سهام باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

فصل دوم - اجرت دلال و مخارج

ماده ۳۴۸ - دلال نمی‌تواند حق دلالي را مطالبه کند مگر در صورتیکه معامله براهنمائي یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده ۳۴۹ - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که باو مأموریت داده بنفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهي دریافت و یا وعده وجهي را قبول کند مستحق اجرت و مخارجي که کرده نخواهد بود بعلاوه محکوم بمجازات مقرر براي خیانت در امانت خواهد شد.

ماده ۳۵۰ - هر گاه معامله مشروط بشرط تعلیقي باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

ماده ۳۵۱ - اگر شرط شده باشد مخارجي که دلال میکند باو داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجي که دلال کرده حکم کند.

ماده ۳۵۲ - در صورتیکه معامله برضایت طرفین یا بواسطه یکی از خيارات قانوني فسخ بشود حق مطالبه دلالي از دلال سلب نمی‌شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

ماده ۳۵۳ - دلالي معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

ماده ۳۵۴ - حق الزحمه دلال بعهده طرفي است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصي غیر این ترتیب را مقرر بدارد.

ماده ۳۵۵ - حق الزحمه دلال بواسطه قرارداد مخصوصي باید معین شده باشد و الا محکمه با رجوع باهل خبره و رعایت مقتضیات زمانی و مکانی و نوع معامله حق الزحمه را معین خواهد کرد.

فصل سوم - دفتر

ماده ۳۵۶ - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که بدلالي او انجام گرفته بترتیب ذیل در آن ثبت نماید:
(۱) اسم متعاملین.

(۲) مالی که موضوع معامله است.

(۳) نوع معامله.

(۴) شرایط معامله با تشخیص باینکه تسلیم موضوع معامله فوري است یا بوعده

است.

(۵) عوض مالي که بايد پرداخته شود و تشخيص اينکه فوري است يا بوعده است وجه نقد است يا مال التجاره يا برات در صورتيکه برات باشد برؤيت است يا بوعده. (۶) امضاء طرفين معامله مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدليه. دفتر دلالي تابع کليه مقررات راجع بدفاتر تجارتي است.

باب هفتم

حق العمل کاري (کمیسیون)

ماده ۳۵۷ - حق العمل کار کسی است که باسم خود ولي بحساب ديگري (آمر) معاملاتي کرده و در مقابل حق العملي دريافت مي دارد.

ماده ۳۵۸ - جز در مواردی که بموجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه بوکالت در حق العمل کاري نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۳۵۹ - حق العمل کار بايد آمر را از جريان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموريت اين نکته را بفوريت باو اطلاع دهد.

ماده ۳۶۰ - حق العمل کار مکلف به بيمه کردن اموالي که موضوع معامله است نيست مگر اينکه آمر دستور داده باشد.

ماده ۳۶۱ - اگر مال التجاره که براي فروش نزد حق العمل کار ارسال شده داراي عيوب ظاهري باشد حق العمل کار بايد براي محفوظ داشتن حق رجوع بر عليه متصدي حمل و نقل و تعيين ميزان خسارات بحري (آواري) بوسايل مقتضيه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و الا مسئول خسارات ناشيه از اين غفلت خواهد بود.

ماده ۳۶۲ - اگر بيم فساد سريع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار براي فروش ارسال شده حق العمل کار مي تواند و حتي در صورتيکه منافع آمر ايجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعي العموم محلي که مال التجاره در آنجا است يا نماينده او بفروش برساند.

ماده ۳۶۳ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قيمتي که آمر معين کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اينکه ثابت نمايد از ضرر بيشتري احتراز کرده و تحصيل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

ماده ۳۶۴ - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

ماده ۳۶۵ - اگر حق العمل کار مال التجارة را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده بفروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آنرا در حساب آمر محسوب دارد.

ماده ۳۶۶ - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطنی دهد ضررهایی ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذالك اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجارتي محل باشد حق العمل کار مأذون بآن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده ۳۶۷ - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله باعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتي بلد او را مسئول قرار دهد.

ماده ۳۶۸ - مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده که بنفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً به حق العمل کار مسترد شود. حق العمل کار میتواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز بحساب آمر گذارد.

ماده ۳۶۹ - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل میشود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند بفعل آمر باشد. نسبت باموریکه در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین مینماید.

ماده ۳۷۰ - اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که بحساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود - بعلاوه در دو صورت اخیر آمر میتواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است نیست.

ماده ۳۷۱ - حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت باموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت بقیمتی که اخذ کرده - حق حبس خواهد داشت.

ماده ۳۷۲ - اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار می تواند آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او بطریق مزایده بفروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او بعمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید باو اخطاریه رسمی ارسال گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد.

ماده ۳۷۳ - اگر حق العمل کار مأمور بخريد یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي و یا سایر اوراق بهاداري باشد که مظنه بورسي یا بازاری دارد میتواند چیزی را که مأمور بخريد آن بوده خود شخصاً بعنوان فروشنده تسليم بکند و یا چیزی را که مأمور بفروش آن بوده شخصاً بعنوان خریدار نگاهدارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۳۷۴ - در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسي یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام میدهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادیه حق العمل کاری را برداشت کند.

ماده ۳۷۵ - در هر موردیکه حق العمل کار شخصاً میتواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

ماده ۳۷۶ - اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمیتواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود.

باب هشتم - قرارداد حمل و نقل

ماده ۳۷۷ - متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را بعهده میگیرد.

ماده ۳۷۸ - قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردیکه ذیلماً استثناء شده باشد.

ماده ۳۷۹ - ارسال کننده باید نکات ذیل را باطلاع متصدی حمل و نقل برساند:
آدرس صحیح مرسل‌الیه - محل تسلیم مال - عده عدل یا بسته و طرز عدل بندی - وزن و محتوی عدل ها - مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود - راهی که حمل باید از آن راه بعمل آید - قیمت اشیائی که گرانها است.
خسارات ناشیه از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها بغلط متوجه ارسال کننده خواهد بود.

ماده ۳۸۰ - ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره بطرز مناسبی عدل بندی شود - خسارات بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل بندی بعهدہ ارسال کننده است.

ماده ۳۸۱ - اگر عدل بندی عیب ظاهر داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود.

ماده ۳۸۲ - ارسال کننده میتواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آنرا با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد.

ماده ۳۸۳ - در موارد ذیل ارسال کننده نمیتواند از حق استرداد مذکور در ماده ۳۸۲ استفاده کند:

- ادر صورتیکه بارنامه توسط ارسال کننده تهیه و بوسیله متصدی حمل و نقل بمرسل‌الیه تسلیم شده باشد.

- ۲در صورتیکه متصدی حمل و نقل رسیدی بارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آنرا پس دهد.

- ۳در صورتیکه متصدی حمل و نقل به مرسل‌الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره بمقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

- ۴در صورتیکه پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل‌الیه تسلیم آنرا تقاضا کرده باشد.

در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل‌الیه عمل کند معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی بارسال کننده داده مادام که مال التجاره بمقصد نرسیده مکلف برعایت دستور مرسل‌الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید بمرسل‌الیه تسلیم شده باشد.

ماده ۳۸۴ - اگر مرسل‌الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تأدیه نشود و یا بمرسل‌الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را باطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود بطور امانت نگاهداشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج

و هر نقص و عین بعهدہ ارسال کننده خواهد بود.
اگر ارسال کننده و یا مرسل‌الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکند
متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده ۳۶۲ آنرا بفروش برساند.

ماده ۳۸۵ - اگر مال التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که میتوان
برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید متصدی حمل و نقل باید
فوراً مراتب را باطلاع مدعی‌العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او
مال را بفروش رساند.
حتی‌المقدور ارسال کننده و مرسل‌الیه را باید از اینکه مال التجاره بفروش خواهد
رسید مسبوق نمود.

ماده ۳۸۶ - اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن
خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط بجنس خود مال التجاره یا
مستند بتقصیر ارسال کننده و یا مرسل‌الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از
آنها داده‌اند و یا مربوط بحوادثي بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمیتوانست از
آن جلوگیری نماید قرارداد طرفین میتواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادت
از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.

ماده ۳۸۷ - در مورد خسارات ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری
(آواری) مال التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود.
خسارات مزبور نمی‌تواند از خساراتي که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال
التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را
مقرر داشته باشد.

ماده ۳۸۸ - متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل
و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت بحمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده
دیگر را مأمور کرده باشد - بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی
حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

ماده ۳۸۹ - متصدی حمل و نقل باید بمحض وصول مال التجاره مرسل‌الیه را مستحضر
نماید.

ماده ۳۹۰ - اگر مرسل‌الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل
بابت مال التجاره مطالبه مینماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را

نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع‌فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

ماده ۳۹۱ - اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیرظاهر نیز خواهد بود در صورتیکه مرسل‌الیه آن آواری را در مدتیکه مطابق اوضاع و احوال رسیدگی بمال التجاره ممکن بود بعمل آید و یا بایستی بعمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده بمتصدی حمل و نقل اطلاع دهد در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.

ماده ۳۹۲ - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل‌الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیتدار محل می تواند بتقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لدی‌الاقضاء فروخته شود در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده بعمل آید. بوسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال التجاره ادعا می شود و یا سپردن آن بصندوق عدلیه از فروش مال التجاره می توان جلوگیری کرد.

ماده ۳۹۳ - نسبت بدعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یکسال است - مبدأ این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تأخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز بعمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال بمرسل‌الیه تسلیم شده.

ماده ۳۹۴ - حمل و نقل بوسیله پست تابع مقررات این باب نیست.

باب نهم - قائم مقام تجارتي و سایر نمایندگان تجارتي

ماده ۳۹۵ - قائم مقام تجارتي کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام‌آور است. سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود یا عملاً.

ماده ۳۹۶ - تحدید اختیارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته‌اند معتبر نیست.

ماده ۳۹۷ -قائم مقام تجارتي ممکن است بچند نفر مجتمعاً داده شود با قيد اينکه تا تمام امضاء نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولي در مقابل اشخاص ثالثي که از اين قيد اطلاع نداشته‌اند فقط در صورتي مي توان از آن استفاده کرد که اين قيد مطابق مقررات وزارت عدليه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

ماده ۳۹۸ -قائم مقام تجارتي بدون اذن رئيس تجارتخانه نمي تواند کسي را در کليه کارهاي تجارتخانه نايب خود قرار دهد.

ماده ۳۹۹ -عزل قائم مقام تجارتي که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده بايد مطابق مقررات وزارت عدليه به ثبت رسیده و اعلان شود و الا درمقابل ثالثي که از عزل مطلع نبوده وکالت باقي محسوب مي شود.

ماده ۴۰۰ -با فوت يا حجر رئيس تجارتخانه قائم مقام تجارتي منحل نيست - با انحلال شرکت قائم مقام تجارتي منحل است.

ماده ۴۰۱ -وکالت ساير کساني که در قسمتي از امور تجارتخانه يا شعبه تجارتخانه سمت نمايندگي دارند تابع مقررات عمومي راجع بوکالت است.

باب دهم -ضمانت

ماده ۴۰۲ -ضامن وقتي حق دارد از مضمون له تقاضا نمايد که بدواً بمديون اصلي رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب باو رجوع نمايد که بين طرفين (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) اين ترتيب مقرر شده باشد.

ماده ۴۰۳ -در کليه مواردی که بموجب قوانين يا موافق قراردادهای خصوصي ضمانت تضامني باشد طلبکار مي تواند بضامن و مديون اصلي مجتمعاً رجوع کرده يا پس از رجوع بيکي از آنها و عدم وصول طلب خود براي تمام يا بقيه طلب بدیگري رجوع نمايد.

ماده ۴۰۴ -حکم فوق در موردی نیز جاري است که چند نفر بموجب قرارداد يا قانون متضامناً مسئول انجام تعهدي باشند.

ماده ۴۰۵ -قبل از رسيدن اجل دين اصلي ضامن ملزم بتأديه نيست ولو اينکه بواسطه ورشکستگي يا فوت مديون اصلي دين مؤجل او حال شده باشد.

ماده ۴۰۶ -ضمان حال از قاعده فوق مستثني است.

ماده ۴۰۷ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط باخطر قبلی است این اخطار نسبت بضامن نیز باید بعمل آید.

ماده ۴۰۸ - همینکه دین اصلی بنحوی از انحاء ساقط شده بضامن نیز بری می‌شود.

ماده ۴۰۹ - همینکه دین حال شد بضامن می‌تواند مضمون‌له را بدریافت طلب یا انصراف از ضمان ملزم کند ولو ضمان مؤجل باشد.

ماده ۴۱۰ - استنکاف مضمون‌له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه - اگر دین با وثیقه بوده - بضامن را فوراً و بخودی خود بری خواهد ساخت.

ماده ۴۱۱ - پس از آنکه بضامن دین اصلی را پرداخت مضمون‌له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع بضامن بمضمون‌عنه لازم و مفید است باو داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آنرا بضامن تسلیم نماید - اگر دین اصلی وثیقه غیرمنقول داشته مضمون‌عنه مکلف بانجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه بضامن لازم است.

باب یازدهم - در ورشکستگی

فصل اول - در کلیات

ماده ۴۱۲ - ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود.
حکم ورشکستگی تجاری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یکسال بعد از مرگ او نیز میتوان صادر نمود.

فصل دوم - در اعلان ورشکستگی و اثرات آن

ماده ۴۱۳ - تاجر باید در ظرف سه روز از تاریخ وقفه که در تأدیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را بدفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجاری خود را بدفتر محکمه مزبوره تسلیم نماید.

ماده ۴۱۴ - صورتحساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و بامضاء تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد:
(اتعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول تاجر متوقف بطور مشروح.

۲) صورت کلیه قروض و مطالبات.

۳) صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی.

در صورت توقف شرکتهای تضامنی - مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود.

ماده ۴۱۵ - ورشکستگی تاجر بحکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می شود:

الف) بر حسب اظهار خود تاجر.

ب) بموجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها.

ج) بر حسب تقاضای مدعی العموم بدایت.

ماده ۴۱۶ - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب است.

ماده ۴۱۷ - حکم ورشکستگی بطور موقت اجرا میشود.

ماده ۴۱۸ - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی

آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.

ماده ۴۱۹ - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت بتاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند - کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.

ماده ۴۲۰ - محکمه هر وقت صلاح بداند میتواند ورود تاجر ورشکسته را بعنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.

ماده ۴۲۱ - همینکه حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت بمدت بقروض حال مبدل میشود.

ماده ۴۲۲ - هر گاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصیکه مسئول تأدیه وجه فته طلب یا برات میباشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت بمدت وجه آنرا نقداً بپردازند یا تأدیه آنرا در سر وعده تأمین نمایند.

ماده ۴۲۳ - هر گاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:

(۱) هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع بمنقول یا غیرمنقول باشد.

(۲) تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل بهر وسیله که بعمل آمده باشد.

(۳) هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود.

ماده ۴۲۴ - هر گاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصیکه با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته میشود.

ماده ۴۲۵ - هر گاه محکمه بموجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً بمدير تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر بغرما تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد.

ماده ۴۲۶ - اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یا مسبوق بتبانی بوده است آن معامله خود بخود باطل - عین و منافع مالیکه موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرما حصه خواهد بود.

فصل سوم - در تعیین عضو ناظر

ماده ۴۲۷ - در حکمیکه بموجب آن ورشکستگی تاجر اعلام میشود محکمه یکنفر را بسمت عضو ناظر معین خواهد کرد.

ماده ۴۲۸ - عضو ناظر مکلف است بنظارت در اداره امور راجعه بورشکستگی و سرعت جریان آن است.

ماده ۴۲۹ - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضو ناظر بمحکمه راپرت خواهد داد.

ماده ۴۳۰ - شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین نموده.

ماده ۴۳۱ - مرجع شکایت محکمه است که عضو ناظر را معین کرده.

ماده ۴۳۲ - محکمه همیشه می تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را بجای او بگمارد.

فصل چهارم - در اقدام بمهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت بورشکسته

ماده ۴۳۳ - محکمه در حکم ورشکستگی امر بمهر و موم را نیز میدهد.

ماده ۴۳۴ - مهر و موم باید فوراً توسط عضو ناظر بعمل آید مگر در صورتی که بعقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در يك روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

ماده ۴۳۵ - اگر تاجر ورشکسته بمفاد ماده ۴۱۳ - ۴۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد.

ماده ۴۳۶ - قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد بواسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می خواهد جلوگیری کند.

ماده ۴۳۷ - در صورتیکه تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارائی خود را مخفی نموده باشد امین صلح می تواند بر حسب تقاضای يك یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام بمهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را بمدعی العموم اطلاع دهد.

ماده ۴۳۸ - انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر موم شود.

ماده ۴۳۹ - در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی - مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا بموجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره -در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است.

فصل پنجم -در مدیر تصفیه

ماده ۴۴۰ -محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهی در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یکنفر را بسمت مدیریت تصفیه معین میکند.

ماده ۴۴۱ -اقدامات مدیر تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار بآنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و بطور کلی وظایف مدیر تصفیه علاوه بر آن قسمتی که بموجب این قانون معین شده بر طبق نظامنامه که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود معین خواهد شد.

ماده ۴۴۲ -میزان حق الزحمه مدیر تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد.

فصل ششم -در وظایف مدیر تصفیه

مبحث اول -در کلیات

ماده ۴۴۳ -اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه بعمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود.

ماده ۴۴۴ -عضو ناظر بتقاضای مدیر تصفیه با و اجازه میدهد که اشیاء ذیل را از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید:
- البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است.

- اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید.
- اشیائی که برای بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتیکه توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد.
اشیاء مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود.

ماده ۴۴۵ -فروش اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاه داشتن آنها مفید نیست و همچنین بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر بتوسط مدیر تصفیه بعمل میآید.

ماده ۴۴۶ -دفتردار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را باتفاق عضو ناظر یا امین صلحي که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آن که ذیل دفاتر را بست آنها را بمدير تصفيه تسليم مينمايد.

دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را بطور خلاصه قید کند - اوراق تجارتي هم که وعده آنها نزديك است یا باید قبولي آنها نوشته شود و یا نسبت بآنها باید اقدامات تأمینیة بعمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و بمدير تصفيه تحويل ميشود تا وجه آنها وصول نماید و فهرستی که از مدير تصفيه گرفته ميشود بعضو ناظر تسليم میگردد - سایر مطالبات را مدير تصفيه در مقابل قبضیه که میدهد وصول مينمايد مراسلاتي که باسم تاجر ورشکسته ميرسد بمدير تصفيه تسليم و بتوسط او باز ميشود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات ميتواند شرکت کند.

ماده ۴۴۷ -تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد ميتواند نفقه خود و خانواده‌اش را از دارائی خود درخواست کند - در این صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین مينمايد.

ماده ۴۴۸ -مدير تصفيه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار مينمايد برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده ميشود در صورتیکه تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام بعمل خواهد آمد - تاجر ورشکسته ميتواند در موقع کلیه عملیات تأمینیة حاضر باشد.

ماده ۴۴۹ -در صورتیکه تاجر ورشکسته صورت دارائی خود را تسليم ننموده باشد مدير تصفيه آن را فوراً بوسیله دفاتر و اسناد مشارالیه و سایر اطلاعاتي که تحصیل مينمايد تنظيم میکند.

ماده ۴۵۰ -عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظيم صورت دارائی و نسبت باوضاع و احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگردها ومستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم -در رفع توقیف و ترتیب صورت دارائی

ماده ۴۵۱ -مدير تصفيه پس از تقاضاي رفع توقیف شروع به تنظيم صورت دارائی نموده و تاجر ورشکسته را هم در اینموقع احضار میکند ولي عدم حضور او مانع از عمل نیست.

ماده ۴۵۲ -مدیر تصفیه بتدریجی که رفع توقیف میشود صورت دارائی را در دو نسخه تهیه مینماید. یکی از نسختین بدفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد او میماند.

ماده ۴۵۳ -مدیر تصفیه میتواند برای تهیه صورت دارائی و تقویم اموال از اشخاصیکه لازم بداند استمداد کند صورت اشیائی که موافق ماده ۴۴۴ در تحت توقیف نیامده ولی قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارائی خواهد شد.

ماده ۴۵۴ -مدیر تصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ مأموریت خود صورت خلاصه از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی که ظاهراً بنظر می آید ترتیب داده بعضو ناظر بدهد. عضو ناظر صورت مزبور را فوراً بمدعیالعموم ابتدائی محل تسلیم مینماید.

ماده ۴۵۵ -صاحبمنصبان پارکه می توانند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارائی حضور بهمرسانند. مأمورین پارکه در هر موقع حق دارند بدفاتر و اسناد و نوشتجات مربوطه بورشکستگی مراجعه کنند. این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم -در فروش اموال و وصول مطالبات

ماده ۴۵۶ -پس از تهیه شدن صورت دارائی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (بغیر از مستثنیات دین) و اشیاء تاجر ورشکسته بمدیر تصفیه تسلیم می شود.

ماده ۴۵۷ -مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر بوصول مطالبات مداومت مینماید و همچنین می تواند با اجازه مدعیالعموم و نظارت عضو ناظر بفروش اثاثالبیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا لاقلاً مشارالیه را برای دادن توضیحات احضارکند - ترتیب فروش بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده ۴۵۸ -نسبت بتمام دعاوی که هیئت طلبکارها در آن ذینفع میباشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می تواند دعوی را بصلح خاتمه دهد اگر چه دعوی مزبوره راجع به اموال غیرمنقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

ماده ۴۵۹ - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنجهزار رالن باشد صلح لازم‌الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلحنامه تاجر ورشکسته احضار می شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که بصلح اعتراض کند - اعتراض ورشکسته در صورتیکه صلح راجع باموال غیرمنقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ماده ۴۶۰ - وجوهی که بتوسط مدیر تصفیه دریافت می شود باید فوراً بصندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج باز میکند وجوه مزبور از صندوق مسترد نمی گردد مگر بحواله عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه.

مبحث چهارم - در اقدامات تأمینیه

ماده ۴۶۱ - مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع بمأموریت اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته نسبت بمدیونین او بعمل آورد.

مبحث پنجم - در تشخیص مطالبات طلبکارها

ماده ۴۶۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند - در مدتی که بموجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده - اسناد طلب خود یا سواد مصدق آنرا بانضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین مینماید بدفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

ماده ۴۶۳ - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعتیکه از طرف عضو ناظر معین میگردد - بترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد - تعقیب میشود.

ماده ۴۶۴ - هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب دارائی منظور شده می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهم رسانیده و نسبت بطلب هائی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید - همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.

ماده ۴۶۵ - محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه توصیف مختصری از سند داده می شود و تعیین قلم خوردگی یا

تراشیدگی یا الحاقات بین السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است.

ماده ۴۶۶ - عضو ناظر می تواند بنظر خود امر بابرار دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد.

ماده ۴۶۷ - اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء نموده و عضو ناظر نیز آنرا تصدیق میکند:
«جزو قروض..... مبلغ..... قبول شد بتاريخ.....»
هر طلبکار باید در ظرف مدت و بترتیبی که بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است.

ماده ۴۶۸ - اگر طلب متنازع فیه واقع شد عضو ناظر می تواند حل قضیه را بمحکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپرت عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر بعمل آید و اشخاصی را که می توانند راجع باین طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.

ماده ۴۶۹ - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی بمحکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیئت طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی بتأخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود.

ماده ۴۷۰ - محکمه می تواند در صورت تصمیم بانعقاد مجلس قرار دهد که صاحب طلب متنازع فیه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین میکند موقتاً طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیئت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.

ماده ۴۷۱ - در صورتیکه طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه میتواند قرار تأخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم بعدم تأخیر مجلس نمود نمیتواند صاحب آن طلب را موقتاً جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده اند طلبکار مزبور نمی تواند بهیچوجه در عملیات راجعه بورشکستگی شرکت کند.

ماده ۴۷۲ - پس از انقضای مهلت های معین در مواد ۴۶۲ و ۴۶۷ بترتیب قرارداد ارفاقی و بسایر عملیات راجعه بورشکستگی مداومت می شود.

ماده ۴۷۳ - طلبکارهائی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکردند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع بتقسیم وجوه قبل از آمدن آنها بعمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد بعمل آید جزء غرما حساب می شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق بآنها تعلق میگرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.

ماده ۴۷۴ - اگر اشخاصی نسبت باموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و صرفنظر از آن نمیکنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نموده و بموقع اجرا گذارند.

ماده ۴۷۵ - حکم فوق درباره دعوی خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت باموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط براینکه بر ضرر طلبکارها نباشد.

فصل هفتم - در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته

مبحث اول - در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها

ماده ۴۷۶ - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدي که بموجب نظامنامه مذکور در ماده ۴۶۷ معین شده بتوسط دفتردار محکمه کلیه طلبکارهائی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می نماید - موضوع دعوت مجمع عمومی طلبکارها در رقعهای دعوت و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود.

ماده ۴۷۷ - مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می شود - طلبکارهائی که طلب آنها تشخیص و تصدیق شده است و همچنین طلبکارهائی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر می شوند تاجر ورشکسته نیز باین مجمع احضار می شود مشارالیه باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن بتصدیق عضو ناظر رسیده باشد.

ماده ۴۷۸ - مدیر تصفیه بمجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که بعمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می دهد راپورت مزبور بامضاء مدیر تصفیه رسیده بعضو ناظر تقدیم می شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلسی ترتیب دهد.

مبحث دوم - در قرارداد ارفاقی

فقره اول - در ترتیب قرارداد ارفاقی

ماده ۴۷۹ - قرارداد ارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمیشود مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است.

ماده ۴۸۰ - قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد میشود که لااقل نصف بعلاوه یکنفر از طلبکارها با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند و الا بلااثر خواهد بود.

ماده ۴۸۱ - هر گاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عدداً حاضر شوند ولی از حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده میشود.

ماده ۴۸۲ - طلبکارهایی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و صورت مجلس را امضاء نموده‌اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها باعتبار خود باقی است - اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود.

ماده ۴۸۳ - اگر تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمیشود - در موقعی که تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب تعقیب میشود لازم است طلب کارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه بزمان حصول نتیجه رسیدگی بتقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر بخواهند تصمیم را موکول بزمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و از حیث مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰ را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی بتقلب بنای انعقاد قرارداد ارفاقی شود قواعدی که بموجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد.

ماده ۴۸۴ - اگر تاجر بعنوان ورشکستگی بتقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتیکه تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها میتوانند تا

حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را تأخیر بیندازند.

ماده ۴۸۵ - کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته‌اند میتوانند راجع بقرارداد اعتراض کنند - اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک‌هفته از تاریخ قرارداد بمدير تصفيه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود و الا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. مدير تصفيه و تاجر ورشکسته باولین جلسه محکمه که بعمل ورشکستگی رسیدگی میکند احضار میشوند.

ماده ۴۸۶ - قرارداد ارفاقی باید بتصدیق محکمه برسد و هر يك از طرفین قرارداد میتوانند تصدیق آنرا از محکمه تقاضا نمایند. محکمه نمیتواند قبل از انقضای مدت یک‌هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی راجع بتصدیق اتخاذ نماید - هر گاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهایی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی بعمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی حکم واحد صادر کند - اگر اعتراضات تصدیق شود قرارداد نسبت بتمام اشخاص ذینفع بلااثر میشود.

ماده ۴۸۷ - قبل از آن که محکمه در باب تصدیق قرارداد رأی دهد عضو ناظر باید راپورتي که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد بمحکمه تقدیم نماید.

ماده ۴۸۸ - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی امتناع خواهد نمود.

فقره دوم - در اثرات قرارداد ارفاقی

ماده ۴۸۹ - همینکه قرارداد ارفاقی تصدیق شد نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده‌اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آنرا امضاء نموده‌اند قطعی خواهد بود ولی طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده‌اند میتوانند سهم خود را موافق آنچه از دارائی تاجر به طلبکارها میرسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آتیه از دارائی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تأدیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آنرا در ظرف ده روز مزبور امضاء نموده‌اند.

ماده ۴۹۰ - پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمیشود مگر اینکه پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارائی یا مقدار قروض حيلة بکار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است.

ماده ۴۹۱ - همینکه حکم محکمه راجع بتصدیق قرارداد قطعی شد مدیر تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر بتاجر ورشکسته میدهد که در صورت عدم اختلاف بسته میشود - مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارائی ورشکسته را باستثنای آنچه که باید بطلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده‌اند داده شود بمشارالیه رد کرده رسید میگیرد و پس از آنکه قرار تأدیه سهم طلبکاران مذکور را داد مأموریت مدیر تصفیه ختم میشود - از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلسی تهیه مینماید و مأموریتش خاتمه می یابد - در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.

فقره سوم - در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

ماده ۴۹۲ - در موارد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است:

- ادر مورد محکومیت تاجر بورشکستگی بتقلب.

- ۲در مورد ماده ۴۹۰.

ماده ۴۹۳ - اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن ها (در صورتی که باشد) بخودی خود ملغی میشود.

ماده ۴۹۴ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجرا نکرد ممکن است برای فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوی نمود.

ماده ۴۹۵ - در صورتیکه اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را يك یا چند نفر ضمانت کرده باشند طلبکارها میتوانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ میشود. در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است.

ماده ۴۹۶ - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد بعنوان ورشکستگی بتقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس در آید محکمه میتواند هر قسم وسایل تأمینیه را که مقتضی بداند اتخاذ کند ولی بمحض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسائل مزبوره مرتفع میشود.

ماده ۴۹۷ - پس از صدور حکم ورشکستگی بتقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه يك عضو ناظر و يك مدير تصفيه معين ميكند.

ماده ۴۹۸ - مدير تصفيه ميتواند دارائي تاجر را توقيف و مهر و موم نمايد مدير تصفيه فوراً از روي صورت دارائي سابق اقدام برسيديگي اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد متممي براي صورت دارائي ترتيب ميدهد مدير تصفيه بايد فوراً بوسيله اعلان در روزنامه طلبكارهاي جديد را اگر باشند دعوت نمايد كه در ظرف يكماه اسناد مطالبات خود را براي رسيدگي ابراز كنند - در اعلان مزبور مفاد قرار محكمه كه بموجب آن مدير تصفيه معين شده است بايد درج شود.

ماده ۴۹۹ - بدون فوت وقت باسناديكه مطابق ماده قبل ابراز شده رسيدگي ميشود - نسبت بمطالباتيکه سابقاً تشخيص يا تصديق شده است رسيدگي جديد بعمل نمي آيد - مطالباتي كه تمام يا قسمتي از آنها بعد از تصديق پرداخته شده است موضوع مي شود.

ماده ۵۰۰ - معاملاتي كه تاجر ورشكسته پس از صدور حكم راجع بتصديق قرارداد ارفاقی تا صدور حكم بطلان يا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمي شود مگر در صورتيكه معلوم شود بقصد اضرار بوده و بضرر طلبكاران هم باشد.

ماده ۵۰۱ - در صورت فسخ يا ابطال قرارداد ارفاقی دارائي تاجر بين طلبكاران ارفاقی و اشخاصيكه بعد از قرارداد ارفاقی طلبكار شده اند بغيرما تقسيم مي شود.

ماده ۵۰۲ - اگر طلبكاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ يا ابطال چيزي گرفته اند مأخوذي آنها از وجهي كه به ترتيب غرما به آنها مي رسد كسر خواهد شد.

ماده ۵۰۳ - هر گاه تاجري ورشكست و امرش منتهي بقرارداد ارفاقی گرديد و ثانياً بدون اينكه قرارداد مزبور ابطال يا فسخ شود ورشكست شد مقررات دو ماده قبل در ورشكستگي ثانوي لازم الاجرا است.

مبحث سوم - در تفريغ حساب و ختم عمل ورشكستگي

ماده ۵۰۴ - اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدير تصفيه فوراً بعمليات تصفيه و تفريغ عمل ورشكستگي شروع خواهد كرد.

ماده ۵۰۵ - در صورتي كه اكثريت مذكور در ماده (۴۸۰) موافقت نمايد محكمه مبلغی را براي اعاشه ورشكسته در حدود مقررات ماده ۴۴۷ معين خواهد كرد.

ماده ۵۰۶ -اگر شرکت تضامني - مختلط يا نسبي ورشکست شود طلبکارها میتوانند قرارداد ارفاقي را با شرکت يا منحصرأ با يك يا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند. در صورت ثاني دارائي شرکت تابع مقررات اين مبحث و بغرما تقسيم ميشود ولي دارائي شخصي شرکائي که با آنها قرارداد ارفاقي منعقد شده است بغرما تقسيم نخواهد شد - شريك يا شرکاء ضامن که با آنها قرارداد خصوصي منعقد شده نمي توانند تعهد حصه نمایند مگر از اموال شخصي خودشان - شريکي که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئوليت ضمانتي مبري است.

ماده ۵۰۷ -اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه دهند مي توانند براي اين امر وکیل يا عامل مخصوصي انتخاب نموده يا بخود مدير تصفيه اين مأموريت را بدهند.

ماده ۵۰۸ -در ضمن تصميمي که وکالت مذکور در ماده فوق را مقرر مي دارد بايد مدت و حدود وکالت و همچنين ميزان وجهي که وکیل ميتواند براي مخارج لازمه پيش خود نگاهدارد معين گردد - تصميم مذکور اتخاذ نميشود مگر با حضور عضو ناظر و با اکثريت سه ربع از طلبکارها عدداً و مبلغاً - خود تاجر ورشکسته و همچنين طلبکارهاي مخالف (با رعايت ماده ۴۷۳) مي توانند نسبت باین تصميم در محکمه اعتراض نمایند - اين اعتراض اجراي تصميم را بتأخير نمياندازد.

ماده ۵۰۹ -اگر از معاملات وکیل يا عاملیکه تجارت ورشکسته را ادامه مي دهد تعهداتي حاصل شود که بيش از حد دارائي تاجر ورشکسته است فقط طلبکارهاي که آن اجازه را داده اند شخصاً علاوه بر حصه که در دارائي مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختياراتيکه داده اند مسئول تعهدات مذکوره مي باشند.

ماده ۵۱۰ -در صورتي که عمل تاجر ورشکسته منجر بتفريغ حساب شود مدير تصفيه مکلف است تمام اموال منقول و غيرمنقول تاجر ورشکسته را بفروش رسانيده مطالبات و ديون و حقوق او را صلح و مصالحه و وصول و تفريغ کند تمام اين مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته بعمل مي آيد. اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نمود استحضار مدعي العموم کافي است - فروش اموال مطابق نظامنامه وزارت عدليه بعمل خواهد آمد.

ماده ۵۱۱ -همينکه تفريغ عمل تاجر به اتمام رسيد عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت مينمايد. در اين جلسه مدير تصفيه حساب خود را خواهد داد.

ماده ۵۱۲ - هر گاه اموالی در اجاره تاجر ورشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقاء اجاره بنحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصمیم میکند - اگر تصمیم بر فسخ اجاره شد صاحبان اموال مستأجره از بابت مال الاجاره که تا آن تاریخ مستحق شده‌اند جزو غرما منظور میشوند اگر تصمیم بر ابقاء اجاره بوده و تأمیناتی هم سابقاً بموجب اجاره نامه بموثر داده شده باشد آن تأمینات ابقاء خواهد شد و الا تأمیناتی که پس از ورشکستگی داده می شود باید کافی باشد - در صورتیکه با تصمیم مدیر تصفیه بر فسخ اجاره موثر راضی بفسخ نشود حق مطالبه تأمین را نخواهد داشت.

ماده ۵۱۳ - مدیر تصفیه میتواند با اجازه عضو ناظر اجاره را برای بقیه مدت بدیگری تفویض نماید (مشرط بر اینکه بموجب قرارداد کتبی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفویض بغیر باید وثیقه کافی که تأمین پرداخت مال الاجاره را بنماید بمالك اموال مستأجره داده و کلیه شرایط و مقررات اجاره نامه را بموقع خود اجرا کند.

فصل هشتم - در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر يك از آنها

مبحث اول

در طلبکارهائی که رهینه منقول دارند

ماده ۵۱۴ - طلبکارهائی که رهینه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می شوند.

ماده ۵۱۵ - مدیر تصفیه میتواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها را داده و شیئی مرهون را از رهن خارج و جزو دارائی تاجر ورشکسته منظور دارد.

ماده ۵۱۶ - اگر وثیقه فك نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعي العموم آنرا بفروش برساند و مرتهن نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکار باشد مازاد بمدير تصفیه تسلیم می شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتهن برای بقیه طلب خود در جزو طلبکارهائی عادی در غرما منظور خواهد شد.

ماده ۵۱۷ - مدیر تصفیه صورت طلبکارهائی را که ادعای وثیقه مینمایند بعضو ناظر تقدیم میکند. عضو مزبور در صورت لزوم اجازه میدهد طلب آنها از اولین وجوهی

که تهیه میشود پرداخته گردد در صورتیکه نسبت بحق وثیقه طلبکارها اعتراض داشته باشند بمحکمه رجوع میشود.

مبحث دوم

در طلبکارهاییکه نسبت باموال غیر منقول حق تقدم دارند

ماده ۵۱۸ - اگر تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیرمنقول حاصل شده قبل از تقسیم دارائی منقول یا در همان حین بعمل آمده باشد طلبکارهایی که نسبت باموال غیرمنقول حقوقی دارند و حاصل فروش اموال مزبور کفایت طلب آنها را ننموده است نسبت ببقیه طلب خود جزو غرماء معمولی منظور و از وجوهی که برای غرماء مزبور مقرر است حصه میبرند مشروط بر اینکه طلب آنها بطوریکه قبلاً مذکور شده است تصدیق شده باشد.

ماده ۵۱۹ - اگر قبل از تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیرمنقول حاصل شده وجهی از بابت دارائی منقول تقسیم شود طلبکارهایی که نسبت باموال غیرمنقول حقوقی دارند و طلب آنها تصدیق و اعتراف شده است بمیزان کلیه طلب خود جزو سایر غرما وارد و از وجوه مزبوره حصه میبرند ولی عندالاقضاء مبلغ دریافتی در موقع تقسیم حاصل اموال غیرمنقول از طلب آنها موضوع می شود.

ماده ۵۲۰ - در مورد طلبکارهایی که نسبت باموال غیرمنقول حقوقی دارند ولی بواسطه مقدم بودن سایر طلبکارها نمی توانند در حین تقسیم قیمت اموال غیرمنقول طلب خود را تماماً وصول کنند ترتیب ذیل مرعی خواهد بود:
اگر طلبکارهای مزبور قبل از تقسیم حاصل اموال غیرمنقول از بابت طلب خود وجهی دریافت داشته باشند این مبلغ از حصه که از بابت اموال غیرمنقول بآنها تعلق میگیرد موضوع و بحصه که باید بین طلبکارهای معمولی تقسیم شود اضافه میگردد و بقیه طلبکارهایی که در اموال غیرمنقول ذیحق بودهاند برای بقیه طلب خود بنسبت آن بقیه جزو غرما محسوب شده حصه میبرند.

ماده ۵۲۱ - اگر بواسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهایی که نسبت باموال غیرمنقول حقوق دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزو غرما محسوب و بدین سمت هر معامله که از بابت قرارداد ارفاقی و غیره با غرما می شود با آنها نیز بعمل خواهد آمد.

فصل نهم

در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول

ماده ۵۲۲ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی و اعانة که ممکن است بتاجر ورشکسته داده شده باشد و وجوهي که باید بصاحبان مطالبات ممتازة تأديه گردد مجموع دارائي منقول بين طلبکارها بنسبت طلب آنها که قبلاً تشخيص و تصديق شده است خواهد شد.

ماده ۵۲۳ - مدير تصفيه براي اجراي مقصود مذکور در ماده فوق ماهي یکمرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی را با تعيين وجوه موجوده بعضو ناظر ميدهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر بتقسيم وجوه مزبور بين طلبکارها داده مبلغ آنها معين و مواظبت مينمايد که بتمام طلبکارها اطلاع داده شود.

ماده ۵۲۴ - در موقع تقسيم وجوه بين طلبکارها حصه طلبکارهاي مقيم ممالك خارجه بنسبت طلب آنها که در صورت دارائي و قروض منظور شده است موضوع ميگردد. چنانچه مطالبات مزبور صحيحاً در صورت دارائي و قروض منظور نشده باشد عضو ناظر ميتواند حصه موضوعي را زياد کند. براي مطالباتي که هنوز در باب آنها تصميم قطعي اتخاذ نشده است بايد مبلغي موضوع کرد.

ماده ۵۲۵ - وجوهيکه براي طلبکارهاي مقيم خارجه موضوع شده است تا مدتي که قانون براي آنها معين کرده بطور امانت بصندوق عدليه سپرده خواهد شد - اگر طلبکارهاي مذکور مطابق اين قانون مطالبات خود را بتصديق نرسانند مبلغ مزبور بين طلبکارهاي که طلب آنها بتصديق رسيده تقسيم ميگردد. وجوهي که براي مطالبات تصديق نشده موضوع گرديده در صورت عدم تصديق آن مطالبات بين طلبکارهاي که طلب آنها تصديق شده تقسيم مي شود.

ماده ۵۲۶ - هيچ طلبي را مدير تصفيه نمي پردازد مگر آنکه مدارك و اسناد آنها قبلاً ملاحظه کرده باشد مدير تصفيه مبلغي را که پرداخته در روي سند قيد ميكند عضو ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند ميتواند اجازه دهد که بموجب صورت مجلسي که طلب در آن تصديق شده وجهي پرداخته شود در هر حال بايد طلبکارها رسيد وجه را در ذيل صورت تقسيم ذکر کنند.

ماده ۵۲۷ - ممکن است هيئت طلبکارها با استحضار تاجر ورشکسته از محكمه تحصيل اجازه نمايند که تمام يا قسمتي از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده بطوريکه صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در اين صورت مدير تصفيه اقدامات مقتضيه را بعمل خواهد آورد - در اين خصوص هر طلبکاري ميتواند بعضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نمايد که طلبکارهاي ديگر را دعوت نمايد تا تصميم خود را اتخاذ بنمايند.

فصل دهم - در دعوي استرداد

ماده ۵۲۸ - اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتي باو داده باشد که وجه آنرا وصول و بحساب صاحب سند نگاهدارد و یا بمصرف معيني برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تأدیه نگشته و اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن میتوانند عین اسناد را استرداد کنند.

ماده ۵۲۹ - مال التجارهائی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا بمشارالیه داده شده است که بحساب صاحب مال التجاره بفروش برساند مادام که عین آنها کلاً یا جزءً نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور بامانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۰ - مال التجارهائی که تاجر ورشکسته بحساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و الا از طرف کسیکه بحساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ماده ۵۳۱ - هر گاه تمام یا قسمتی از مال التجارة که برای فروش بتاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و بهیچ نحوي بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و بطور کلی عین هر مال متعلق بدیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۲ - اگر مال التجارة که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضاء ارسال کننده است بفروش رسیده و فروش صوري نباشد دعوي استرداد پذیرفته نمیشود و الا موافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استرداد کننده باید وجوهی را که بطور علی الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تأدیه شده یا از این بابتها باید تأدیه بشود بطلبکارها بپردازند.

ماده ۵۳۳ - هر گاه کسی مال التجارة بتاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه بخود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه بکس دیگر که بحساب او بیاورد آن کس میتواند باندازه که وجه آنرا نگرفته از تسلیم مال التجارة امتناع کند.

ماده ۵۳۴ -در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه میتواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا نماید ولي بايد قيمتي را كه بين فروشنده و تاجر ورشكسته مقرر شده است بپردازد.

ماده ۵۳۵ -مدیر تصفیه میتواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده عضو ناظر حکم مقتضی را میدهد.

فصل یازدهم -در طرق شکایت از احکام صادره راجع بورشکستگی

ماده ۵۳۶ -حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که بموجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است.

ماده ۵۳۷ -اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یکماه و از طرف آنهایی که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه بعمل آید ابتدای مدتهای مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان میشود.

ماده ۵۳۸ -پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده است دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکارها راجع بتعیین تاریخ توقف بغیر آن تاریخی که بموجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد - همینکه مهلهای مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیرقابل تغییر خواهد بود.

ماده ۵۳۹ -مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است - باین مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ یکروز اضافه میشود.

ماده ۵۴۰ -قرارهای ذیل قابل اعتراض و استیناف و تمیز نیست:
(۱) اقرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه.
(۲) اقرارهای راجعه به تقاضای اعانه بجهت تاجر ورشکسته یا خانواده او.
(۳) اقرارهای فروش اسباب یا مال التجاره که متعلق بورشکسته است.
(۴) اقرارهایی که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیه را مقرر میدارد.

۵)قراره‌هاي صادره در خصوص شكاي‌ت از اوامري كه عضو ناظر در حدود صلاحيت خود صادر كرده است.

باب دوازدهم -در ورشكستگي بتقصير و ورشكستگي بتقلب

فصل اول -در ورشكستگي بتقصير

ماده ۵۴۱ -تاجر در موارد ذيل ورشكسته بتقصير اعلان ميشود:

(۱)در صورتيكه محقق شود مخارج شخصي يا مخارج خانه مشاراليه در ايام عادي بالنسبه به عايدى او فوق‌العاده بوده است.

(۲)در صورتيكه محقق شود كه تاجر نسبت ب سرمايه خود مبالغ عمده صرف معاملاتي كرده كه در عرف تجارت موهوم يا نفع آن منوط به اتفاق محض است.

(۳)اگر بقصد تأخير انداختن ورشكستگي خود خريدي بالاتر يا فروشي نازلتر از مظنه روز كرده باشد يا اگر بهمان قصد وسايلي كه دور از صرفه است بكار برده تا تحصيل وجهي نمايد اعم از اينكه از راه استقراض يا صدور برات يا بطريق ديگر باشد.

(۴)اگر يكي از طلبكارها را پس از تاريخ توقف بر سايرين ترجيح داده و طلب او را پرداخته باشد.

ماده ۵۴۲ -در موارد ذيل هر تاجر ورشكسته ممكن است ورشكسته به تقصير اعلان شود:

(۱)اگر بحساب ديگري و بدون آنكه در مقابل عوضى دريافت نمايد تعهداتي كرده باشد كه نظر بوضعيت مالي او در حين انجام آنها آن تعهدات فوق‌العاده باشد.

(۲)اگر عمليات تجارتي او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ اين قانون رفتار نكرده باشد.

(۳)اگر از تاريخ اجراي قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردين و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته يا دفاتر او ناقص يا بي ترتيب بوده يا در صورت دارائي وضعيت حقيقي خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صحيح معين نكرده باشد (مشروط بر اينكه در اين موارد مرتكب تقبلي نشده باشد).

ماده ۵۴۳ (منسوخه ۱۵، ۱۱، ۱۴۰۳) -ورشكستگي به تقصير جنحه محسوب و مجازات

آن از ۶ ماه تا سه سال حبس تأديبي است .

ماده ۵۴۴ -رسيدگي بجرم فوق بر حسب تقاضاي مدير تصفيه يا هر يك از طلبكارها يا تعقيب مدعي‌العموم در محكمه جنحه بعمل مي‌آيد.

ماده ۵۴۵ - در صورتیکه تعقیب تاجر ورشکسته بتقصیر از طرف مدعی‌العموم بعمل آمده باشد مخارج آنرا بهیچوجه نمیتوان بهیئت طلبکارها تحمیل نمود - در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مأمورین اجرا نمیتوانند اقدام بوصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدتهای معینه در قرارداد.

ماده ۵۴۶ - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه بنام طلبکارها میشود در صورت برائت تاجر بعهدۀ هیئت طلبکارها و در صورتیکه محکوم شد بعهدۀ دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید.

ماده ۵۴۷ - مدیر تصفیه نمیتواند تاجر ورشکسته را بعنوان ورشکستگی بتقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر.

ماده ۵۴۸ - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها بعمل می‌آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته بعهدۀ دولت و در صورت برائت ذمه بعهدۀ تعقیب کننده است.

فصل دوم - در ورشکستگی به تقلب

ماده ۵۴۹ - هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کرده و یا بطریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را بوسیله اسناد و یا بوسیله صورت دارائی و قروض بطور تقلب بمیزانی که در حقیقت مدیون نمیباشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات میشود.

ماده ۵۵۰ - راجع بتقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم‌الرعايه است.

فصل سوم - در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب میشوند

ماده ۵۵۱ - در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا بمجازات ورشکسته بتقلب محکوم خواهند شد:
(۱) اشخاصیکه عالماً بنفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارائی منقول یا غیرمنقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفی نمایند.

۱۲) اشخاصیکه بقصد تقلب باسم خود یا به اسم دیگری طلب غیرمواقعی را قلمداد کرده و مطابق ماده ۴۶۷ التزام داده باشند.

ماده ۵۵۲ - اشخاصیکه باسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در ماده ۵۴۹ را مرتکب شده‌اند بمجازاتیکه برای ورشکسته بتقلب مقرر است محکوم می‌باشند.

ماده ۵۵۳ - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاهدارند بمجازاتیکه برای سرقت معین است محکوم خواهند شد.

ماده ۵۵۴ - در موارد معینه در مواد قبل محکمه که رسیدگی میکند باید در خصوص مسائل ذیل ولو اینکه متهم تبرئه شده باشد - حکم بدهد:
(ا) راجع برد کلیه اموال و حقوقیکه موضوع جرم بوده است بهیئت طلبکارها - این حکم را محکمه در صورتیکه مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند.
(۲) راجع بضرر و خساراتیکه ادعا شده است.

ماده ۵۵۵ - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی بامور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۶ - هر گاه مدیر تصفیه اعم از اینکه طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه بورشکستگی با شخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد برفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه بحبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۵۷ - کلیه قراردادهائی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت بهر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است - طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که بموجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است باشخاص ذیحق مسترد دارد.

ماده ۵۵۸ - هر حکم محکومیتی که بموجب این فصل یا بموجب فصول سابق صادر بشود باید بخرج محکوم‌علیه اعلان گردد.

فصل چهارم - در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی بتقصیر یا بتقلب

ماده ۵۵۹ - در تمام مواردی که کسی بواسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تعقیب و محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی بغیر از آنچه در ماده ۵۵۴ مذکور است از صلاحیت محکمه جزا خارج خواهد بود.

ماده ۵۶۰ - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازمه را باو بدهد.

باب سیزدهم - در اعاده اعتبار

ماده ۵۶۱ - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار می نماید.

ماده ۵۶۲ - طلبکارها نمی توانند از جهت تأخیری که در ادای طلب آنها شده است برای بیش از پنجسال مطالبه متفرعات و خسارت نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه میشود در سال نباید بیش از صدی هفت طلب باشد.

ماده ۵۶۳ - برای آنکه شریک ضامن یک شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است ولو اینکه نسبت بشخص او قرارداد ارفاقی مخصوصی وجود داشته باشد.

ماده ۵۶۴ - در صورتی که یک یا چند نفر از طلبکارها مفقودالثر یا غائب بوده یا اینکه از دریافت وجه امتناع نمایند تاجر ورشکسته باید وجوهی را که به آنها مدیون است با اطلاع مدعی العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همینکه تاجر معلوم کرد این وجوه را سپرده است بری الذمه محسوب است.

ماده ۵۶۵ - تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنجسال از تاریخ اعلان ورشکستگی میتواند اعتبار خود را اعاده نمایند:
(۱) تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی را که بموجب قرارداد بعهد گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت میشود.
(۲) تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده اند.

ماده ۵۶۶ - عرضحال اعاده اعتبار باید بانضمام اسناد مثبتة آن بمدعي العموم حوزه ابتدائي داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است.

ماده ۵۶۷ - سواد این عرضحال در مدت یکماه در اتاق جلسه محکمه ابتدائي و همچنین در اداره مدعي العموم بدایت الصاق و اعلان میشود بعلاوه دفتردار محکمه باید مفاد عرضحال مزبور را بکلیه طلبکارهائي که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده وهنوز طلب خود را بر طبق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ کاملاً دریافت نکرده اند بوسیله مکتوب سفارشي اعلام دارد.

ماده ۵۶۸ - هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را کاملاً دریافت نکرده میتواند در مدت یکماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل بعرضحال اعاده اعتبار اعتراض کند.

ماده ۵۶۹ - اعتراض بوسیله اظهارنامه که بضمیمه اسناد مثبتة بدفتر محکمه بدایت داده میشود بعمل میآید - طلبکار معترض مي تواند بموجب عرضحال در حین رسیدگی بدعوي اعاده اعتبار بطور شخص ثالث ورود کند.

ماده ۵۷۰ - پس از انقضاي موعد نتیجه تحقیقاتي که بتوسط مدعي العموم بعمل آمده است بانضمام عرایض اعتراض برئیس محکمه داده میشود رئیس مزبور در صورت لزوم مدعي و معترضین را بجلسه خصوصی محکمه احضار میکند.

ماده ۵۷۱ - در مورد ماده ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارك را سنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار میدهد و در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده بطوریکه مقتضي عدل و انصاف بداند حکم میدهد و در هر دو صورت حکم باید در جلسه علني صادر گردد.

ماده ۵۷۲ - مدعي اعاده اعتبار و همچنین مدعي عمومي و طلبکارهائي معترض میتوانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم بوسیله مکتوب سفارشي از حکمي که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند - محکمه استیناف پس از رسیدگی بر حسب مقررات ماده ۵۷۱ حکم صادر میکند.

ماده ۵۷۳ - اگر عرضحال اعاده اعتبار رد بشود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضاي شش ماه.

ماده ۵۷۴ -اگر عرضحال قبول شود حکمی که صادر میگردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامت تاجر برای اینکار مقرر است ثبت خواهد شد. اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه که حکم میدهد نباشد در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دائره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز بحکم مزبور اشاره میشود.

ماده ۵۷۵ -ورشکستگان بتقلب و همچنین اشخاصیکه برای سرقت یا کلاه برداری یا خیانت در امانت محکوم شده‌اند مادامی که از جنبه جزائی اعاده حیثیت نکرده‌اند نمی‌توانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار کنند.

باب چهاردهم -اسم تجارتي

ماده ۵۷۶ -ثبت اسم تجارتي اختیاري است مگر در مواردیکه وزارتعدلیه ثبت آنرا الزامی کند.

ماده ۵۷۷ -صاحب تجارتخانه که شریک در تجارتخانه ندارد نمیتواند اسمی برای تجارتخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد.

ماده ۵۷۸ -اسم تجارتي ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی‌تواند اسم تجارتي خود قرار دهد ولو اینکه اسم تجارتي ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.

ماده ۵۷۹ -اسم تجارتي قابل انتقال است.

ماده ۵۸۰ -مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنجسال است.

ماده ۵۸۱ -در مواردیکه ثبت اسم تجارتي الزامی شده در موعد مقرر ثبت بعمل نیاید اداره ثبت اقدام بثبت کرده و سه برابر حق‌الثبت مأخوذ خواهد داشت.

ماده ۵۸۲ -وزارتعدلیه بموجب نظامنامه ترتیب ثبت اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوطه با اسم تجارتي را معین خواهد کرد.

باب پانزدهم -شخصیت حقوقی

فصل اول -اشخاص حقوقی

ماده ۵۸۳ -کلیه شرکتهای تجارتي مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

ماده ۵۸۴ - تشکیلات و مؤسساتیکه برای مقاصد غیر تجارتي تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا میکنند.

ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.
حق الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و بعلاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است.

ماده ۵۸۶ - مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمیتوان ثبت کرد.

ماده ۵۸۷ - مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی بمحض ایجاد و بدون احتیاج بثبت دارای شخصیت حقوقی میشوند.

فصل دوم - حقوق و وظائف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی

ماده ۵۸۸ - شخص حقوقی میتواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظائف ابوت - نبوت و امثال ذالک.

ماده ۵۸۹ - تصمیمات شخص حقوقی بوسیله مقاماتیکه بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته میشود.

ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

باب شانزدهم - مقررات نهائی

ماده ۵۹۲ - در مورد معاملاتی که سابقاً تجار یا شرکتهای و مؤسسات تجارتي باعتبار بیش از یک امضاء کرده اند خواه بعضی از امضاءکنندگان بعنوان ضامن امضاء کرده باشند خواه بعنوان دیگر طلبکار میتواند بامضاءکنندگان مجتمعاً یا منفرداً رجوع نماید.

ماده ۵۹۳ - در مورد ماده فوق مطالبه از هر يك از اشخاصي كه طلبكار حق رجوع بآنها دارد قاطع مرور زمان نسبت بديگران نيز هست.

ماده ۵۹۴ - باستثناي شركت هاي سهامي و شرکتهای مختلط سهامی بکلیه شرکتهای ایرانی موجود که بامور تجارتي اشتغال دارند تا اول تیر ماه ۱۳۱۱ مهلت داده میشود که خود را با مقررات يکي از شرکتهای مذکور در اینقانون وفق داده و تقاضاي ثبت نمایند و الا نسبت بشركت متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ رفتار خواهد شد.

ماده ۵۹۵ - هر گاه مدت مذکور در ماده فوق براي تهيه مقدمات ثبت کافي نباشد ممکن است تا ششماه ديگر از طرف محکمه صلاحيتدار مهلت اضافي داده شود مشروط بر اینکه در موقع تقاضاي تمديد نصف حق الثبت شرکت پرداخته شود.

ماده ۵۹۶ - تاريخ اجراي ماده ۱۵ اين قانون در آن قسمتي که مربوط بجزاي نقدي است و تاريخ اجراي ماده ۲۰۱ و تبصره آن و قسمت اخير ماده ۲۲۰ اول فروردين ۱۳۱۲ خواهد بود.

ماده ۵۹۷ - شرکت های مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف ۶ ماه از تاريخ اجراي اين قانون هيئت نظاري مطابق مقررات اين قانون تشكيل دهند و الا هر صاحب سهمي حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند.

ماده ۵۹۸ - طلبکاران تاجر متوقفي که قبل از تاريخ اجراي اين قانون طلب خود را مطالبه کرده‌اند مشمول مقررات ماده ۴۷۳ نبوده و از حقي که بموجب قانون سابق براي آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد.

ماده ۵۹۹ - نسبت بطلبکاراني که در امور ورشکستگي‌هاي سابق قبل از تاريخ اجراي اين قانون طلب خود را مطالبه نکرده‌اند مدير تصفيه هرورشکسته اعلاني منتشر کرده و يکماه بآنها مهلت خواهد داد که مطابق ماده ۴۶۲ اينقانون رفتار کنند و الا مشمول مقررات ماده ۴۷۳ خواهند شد.

ماده ۶۰۰ - قوانين ذيل:

قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و دوازدهم فروردين و دوازدهم خرداد ۱۳۰۴ -
قانون اصلاح ماده ۲۰۶ قانون تجارت راجع باعتراض عدم تأديه مصوب ۲ تير ماه ۱۳۰۷ - قانون اجازه عدم رعايت ماده ۲۷۰ و قسمتي از ماده ۴۴ قانون تجارت نسبت بتشکيلات و اساسنامه شرکت سهامي بانک ملي و شرکت سهامي بانک پهلوي

مصوب ۳۰ تیر ماه ۱۳۰۷ از تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۱۱ نسخ و این قانون از تاریخ مزبور بموقع اجرا گذاشته میشود.

چون بموجب قانون ۳۰ فروردین ۱۳۱۰ «وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید» علیهذا (قانون تجارت) مشتمل بر ششصد ماده که در تاریخ سیزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده است قابل اجراست.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر